

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۲

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران  
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۲، بخش اول (فروردین تا شهریور)  
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.  
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.  
ISBN : 978-600-8378-04-4  
۱۳۴ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.  
وضعیت فهرست نویسی: فیا  
یادداشت: نمایه.  
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات  
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ م۹ش/۲۵۱۲ KMH  
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۵۱۴۶۱

## مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۲ بخش اول ( فروردین تا شهریور )

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

حسن افراسیابی، عمار امیری آرانی، محمدحسن باقری، محمدبرزگر خسروی، عباس حسن خانی، سعید رحمانیان، علی زمانیان  
جهرمی، حمیدرضا صادقیان، سید محسن طاهری، حسین فاتحی زاده، کاظم کوهی اصفهانی و فهیم مصطفی زاده  
پیاده سازی و تنظیم: سید حامد چاوشی، محمدحسن سامع، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همّت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵ - تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۰۴-۴

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir

## مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۲/۲/۴

## طرح تسریع در بازسازی مناطق آسیب‌دیده

### در اثر حوادث غیر مترقبه

مثنی جلسه - بسم الله الرحمن الرحيم. اولین دستور جلسه‌ی امروز، بررسی «طرح تسریع در بازسازی مناطق آسیب‌دیده در اثر حوادث غیر مترقبه»<sup>۲</sup> است.

«ماده واحده - دولت و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط موظفند با استفاده از اعتبارات ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷/۲/۳۱ و ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۰/۲۶ (منابع پیش‌بینی شده در بند (ج) ماده (۲۱۶) و بند (ش) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران) و سایر منابع مرتبط، اقدامات زیر را انجام دهند و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ملزم به اجرای آن می‌باشند:

۱- دولت مکلف است در موارد تخریب‌های گسترده ناشی از حوادث غیرمترقبه به استناد اصل (۱۳۸) قانون اساسی فوراً ستاد راهبری بازسازی را مشابه مصوبه ۱۳۸۲/۱۰/۲۸ هیئت وزیران تشکیل دهد و اختیاراتی را به کمیسیونی مرکب از وزیران مربوط واگذار نماید.

ستاد راهبری بازسازی موضوع این بند مکلف است همانند مصوبات ستاد مذکور را در ارتباط با تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز مناطق آسیب‌دیده و جبران خسارت‌های وارده به اموال و احشام مردم و مجرمان و خانواده متوفیان حوادث مذکور و ایجاد امکانات لازم برای پیشگیری از هرگونه حوادث غیرمترقبه و بحران احتمالی، حسب مورد تصویب و اعمال کند.»

**آقای جنتی -** خیلی خوب، اگر راجع به این بند مطلبی دارید بفرمایید. آقای عزیزاده، شما نظری ندارید؟

**آقای عزیزاده -** آقایان مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان در

۲. طرح تسریع در بازسازی مناطق آسیب‌دیده در اثر حوادث غیر مترقبه در تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۵۰/۲۲۳۴ مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۶ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۲/۴ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳/۵۰۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. این مصوبه، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس، در مرحله‌ی دوم رسیدگی مجدداً در دستور بررسی شورای نگهبان قرار گرفت که در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۹ بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳/۵۱۰۴۲ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

مشتمل بر موضوعات زیر:

- ۱) نطق پیش از دستور
- ۲) طرح تسریع در بازسازی مناطق آسیب‌دیده در اثر حوادث غیرمترقبه
- ۳) لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان
- ۴) طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی
- ۵) اصلاح اساسنامه مرکز توسعه تجارت الکترونیکی

تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید

### نطق پیش از دستور

**آقای جنتی -** بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلی الله علی سیدنا و مولانا ابی‌القاسم محمد و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین لا سیما مولانا صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»<sup>۱</sup>

رحلت برادر بزرگوار و عزیزمان حضرت آیت‌الله رضوانی - رضوان الله تعالی علیه - را به شما عزیزان و همه‌ی مردمی که از برکات وجود ایشان در مسجد و غیر مسجد استفاده می‌کردند، تسلیت عرض می‌کنم. خداوند ان‌شاءالله روح ایشان را با ارواح پیامبر و آل پیامبر سلام الله علیهم اجمعین محشور فرماید. جای ایشان خالی است. ایشان مدتی را به سختی در بیمارستان‌ها گذراندند. دوران معالجاتشان خیلی طولانی شد.

اجمالاً برای روح پاکشان درود می‌فرستیم. از خداوند متعال، رحمت و رضوان را برای ایشان طلب می‌کنیم. إلی أرواح جمع المؤمنین و المؤمنات و إلی روح صدیق العزیز، رَحِمَ اللهُ مَنْ يَفْرَأُ الْفَاتِحَةَ مَعَ الصَّلَاةِ.

۱. سوره‌ی احزاب، آیه ۲۳. «در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند، صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند.»

**آقای اسماعیلی -** بله، دولت می‌گوید من خودم این کارها را انجام می‌دهم.

**آقای علیزاده -** دولت می‌گوید من خودم انجام می‌دهم. این اختیارات، طبق قانون اساسی مربوط به دولت است. بعد از این، دولت مختار است [که اختیاراتش را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار کند]. اگر این اصل نبود، دولت نمی‌توانست این اختیارات را حتی به آنها (کمیسیون متشکل از وزرا) هم واگذار کند. مجمع مشورتی فقهی ایراد خیلی خوبی گرفته است. خدا حفظشان کند. ایرادشان، ایراد واردی است. هیئت وزیران می‌تواند این اختیارات را بدهد [و نباید ملزم به انجام این کار باشد]؛ چون ممکن است بگوید من نمی‌خواهم اختیاراتم را واگذار کنم.

**آقای جنتی -** کسی حرفی ندارد؟ رأی بگیرید.

**آقای سلیمی -** ببینید آقای علیزاده، موضوع این است که در یک منطقه‌ای، حادثه‌ی غیرمترقبه‌ای رخ داده که منجر به مشکلات گسترده‌ای شده است و قانون‌گذار برای جبران آن می‌گوید دولت در رابطه با جبران این خسارت‌ها و کاهش خسارت‌های احتمالی بیاید یک چنین کارهایی انجام بدهد. آن قسمت از اصل (۱۳۸) که مد نظر آقایان مجمع مشورتی فقهی است این قسمت است که: «دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا است.»

اینجا چه تنافی با هم دارند؟ اگر این مصوبه درباره‌ی کارهایی که به صورت متعارف در اختیار وزیران است و وظیفه‌ی آنها است، می‌گفت دولت در فلان یا فلان وزارتخانه می‌تواند این کارها را انجام بدهد، آنجا می‌گفتیم که این حرف مخالف این قسمت از اصل (۱۳۸) قانون اساسی است؛ ولی مجلس که در کارهای جاری وزارتخانه‌ها وارد نشده و قانون‌گذاری نکرده است.

**آقای علیزاده -** آنها وزارتخانه نیستند، [کمیسیون هستند]؛ چون اصل (۱۳۸) مربوط به وزارتخانه‌ها نیست.

**آقای سلیمی -** در خصوص حوادث غیرمترقبه فقط دولت مسئول است؟! کس دیگری مسئول نیست؟!؟

**آقای علیزاده -** بله، اگر موضوع، اجرایی است، فقط دولت مسئول است.

**آقای سلیمی -** نظام در این باره مسئولیت ندارد!؟

**آقای علیزاده -** نظام باید کار را تحویل [دستگاه‌های مسئول بدهد]. دستگاه‌ها هر کدام باید وظیفه‌ی خودشان را انجام بدهند. اگر جرمی واقع شد، قوه‌ی قضائیه باید به آن رسیدگی کند؛

این باره فرموده‌اند: «مکلف نمودن دولت و الزام دولت به تشکیل کمیسیون مربوطه نافی اختیار دولت و هیئت وزیران و نافی وجود حق اختیار برای هیئت وزیران که در ذیل اصل (۱۳۸) به آن تصریح شده است، می‌باشد و لذا بند مذکور بدین جهت خلاف اصل (۱۳۸) دانسته شد.»<sup>۱</sup>

**آقای مؤمن -** اصل (۱۳۸) قانون اساسی را قرائت کنید.

**آقای علیزاده -** این اصل، به دولت اختیاراتی داده است؛ یعنی دولت «می‌تواند» کارهایی انجام بدهد. آیا این معنایش این است که جای دیگر نمی‌تواند دولت را الزام کند؟

**آقای مؤمن -** نه، می‌تواند. منتها اینجا ...

**آقای سلیمی -** [این اصل و شبیه آن] مثبتان هستند و نافیان نیستند. این اصل می‌گوید هیئت وزیران باید این کار را بکند، [ولی نمی‌گوید دیگری نمی‌تواند آن کار را انجام دهد].

**آقای علیزاده -** نه، اجازه بدهید اول این اصل را یکبار بخوانیم: «اصل یکصد و سی و هشتم: علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیاید، با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد.»

بند (۱) ماده واحده می‌گوید دولت حتماً باید این کار [= تشکیل ستاد راهبری بازسازی مرکب از وزیران مربوط] را بکند. این حرف حتماً اشکال دارد. اشکالش این است که به دولت می‌گوید تو حتماً باید این کار را انجام بدهی و اختیاراتی به این کمیسیون‌ها بدهی، در حالی که ممکن است دولت نخواهد در اینجا اختیاراتش را به کمیسیون‌ها بدهد.

**آقای هاشمی‌شاهرودی -** بله، اشکال دارد.

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۵۹۹/ف/۹۲، مورخ ۱۳۹۲/۲/۳، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/FtEb>

مهم است؛ لذا کل هیئت دولت درگیر این قضیه می‌شود یا اصلاً فرض کنید بخواهد یک نماینده‌ی ویژه بگذارد؛ یعنی راه حل بازسازی و برون‌رفت از این بحران، پیدا کردن بهترین راه حل یک کار اجرایی است که این امر در حیطه‌ی اختیارات دولت است. حالا مجلس آمده همه‌ی اختیارات را منتفی کرده و می‌گوید فقط از این راه باید مشکل را حل کنید. به نظر می‌رسد این موضوع مغایر اصل (۱۳۸) قانون اساسی است.

**آقای جنتی** - من هم حرف‌های آقای سلیمی را تأیید می‌کنم. واقعاً شما می‌خواهید یک ایراد بی‌مورد بگیرید.

**آقای مؤمن** - «می‌تواند» یا «باید»؟

**آقای علیزاده** - این ماده دو اشکال دارد: نه تنها خلاف اصل (۱۳۸) است که خلاف اصل (۱۲۷) هم هست.

**آقای اسماعیلی** - بله عرض کردم.

**آقای علیزاده** - بله، آقای دکتر هم فرمودند. این اصل می‌گوید: «اصل یکصد و بیست و هفتم: رئیس جمهور می‌تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیئت وزیران، نماینده یا تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران خواهد بود.» آنکه باید [نماینده ویژه یا تشکیل کمیسیون متشکل از چند وزیر را] تصویب کند، هیئت وزیران است؛ هم در اصل (۱۳۸) و هم در اصل (۱۲۷). بنابراین در این مصوبه که مجلس می‌گوید دولت همین یک طریق را باید انجام بدهد و باید هم انجام بدهد، اشکال دارد. دولت می‌گوید من می‌خواهم یک وزیرم را به محل حادثه بفرستم تا کارهای مربوطه را انجام بدهد یا ما می‌خواهیم خودمان این کارها را انجام بدهیم، اما در مقابل این ماده واحده گفته است، در مورد تخریب گسترده‌ی ناشی از حوادث، دولت حتماً باید نمایندگانی تعیین کند که به محل حادثه بروند [و به امور رسیدگی کنند]. این اشکال دارد. اشکالش مسلم است. بالاخره [ماهیت این] کار، اجرایی هست یا نیست؟ اگر اجرایی نیست، مجلس نمی‌تواند به دولت بگوید تو انجام بده و اگر اجرایی است، تکلیف امور اجرایی را باید معلوم کرد [که اختیار انجامش به دست خود دولت است].

**آقای جنتی** - قانون می‌تواند دولت را الزام کند که فلان کار را انجام بدهد.

**آقای علیزاده** - آنجایی می‌تواند که خلاف قانون اساسی نباشد. قانون اساسی می‌گوید هر وزیر کار خودش را انجام بدهد. هیئت وزیران کار خودش را انجام بدهد. اگر هیئت وزیران بخواهد،

مجلس هم باید تقنین کند؛ دولت هم باید [قوانین و مقررات را] اجرا کند. مگر اینجا با جاهای دیگر فرق دارد؟!

**آقای سلیمی** - نه، دولت چه چیزی را باید اجرا کند؟

**آقای علیزاده** - وظایف خودش را باید اجرا کند.

**آقای سلیمی** - وظایف خودش را؛ من هم حرفم همین است. ما اینها را قبول داریم. نمی‌گوییم نه. دولت وظایف خودش را اجرا کند. اما اینجا که یک حادثه‌ی غیرمترقبه‌ای رخ داده، آیا همه‌ی وظایف به عهده‌ی دولت است و دیگران هیچ وظیفه‌ای ندارند؟! **آقای علیزاده** - مجلس که نمی‌گوید من [وظایف دولت را] انجام بدهم!

**آقای سلیمی** - قانون دارد می‌گوید ما در این موارد یک راهکار خاصی در نظر بگیریم.

**آقای مؤمن** - راهکاری که خلاف قانون اساسی باشد؟

**آقای سلیمی** - راهکاری که خلاف قانون اساسی هم نباشد، نه اینکه باشد. ولی این جزء وظایف اولیه‌ی دولت نیست که [هنگام وقوع حوادث غیر مترقبه] بیاید وارد کار بشود. در اینجا به دولت می‌گویند در جایی که چنین حوادثی رخ داد، شما بیایید کارها را ساماندهی کنید.

**آقای علیزاده** - به نظر من این جزء وظایف اولیه‌ی دولت است.

**آقای سلیمی** - اینکه کارها را سامان بدهد؟ دولت بیاید از بودجه‌هایی که مجلس در اختیارش قرار داده در راستای ایجاد یک کمیسیون که بتواند این کارها را بچرخاند [استفاده کند]. به نظر می‌رسد که این یک اختیارات اضافی و غیر از آن اختیاراتی است که در راستای وظایف وزارتخانه‌ها و دولت به آنها واگذار شده است. این چیز اضافه‌ای است. مجلس می‌خواهد برای این حادثه‌ی پیش‌آمده به دولتی‌ها تکلیف کند که این کار را انجام بدهند و این هیچ تنافی با [اختیار دولت در تشکیل کمیسیون متشکل از چند وزیر، مقرر در اصل (۱۳۸) هم ندارد به خصوص که هر دو مثبتین هستند. حالا آقایان می‌خواهند بگویند بین «می‌تواند» و «الزام» تنافی هست! نه، مصوبه همان «می‌تواند» را می‌گوید، که با یک تأکید بیشتری انجام بدهید.

**آقای اسماعیلی** - موضوع این ماده، بازسازی مناطق بحران‌زده نیست که بگوییم وظیفه‌ی دولت است یا جای دیگر. موضوع این ماده الزام به تشکیل یک کمیسیون خاص است و این، همین‌طور که مجمع مشورتی فقهی گفته است با اصل (۱۳۸) قانون اساسی مغایرت دارد. مطابق اصل (۱۳۸) الزامی نیست که دولت حتماً از طریق کمیسیون خاصی برود به این مشکل رسیدگی کند. ممکن است دولت بگوید نخیر، این مسئله خیلی

**آقای مؤمن -** اشکال را می‌خوانم: «اطلاق ذیل این بند نیز خلاف ذیل اصل (۱۳۸) قانون اساسی دانسته شد؛ زیرا بر اساس اصل (۱۳۸) قانون اساسی، مصوبات کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور، لازم‌الاجرا است؛ در حالی که مستفاد از اطلاق ذیل بند (۱) ماده واحده آن است که مصوبات کمیسیون مذکور - هر چند در فرض عدم تأیید رئیس جمهور - لازم‌الاجرا می‌باشد.» اطلاقش در فرض عدم تأیید رئیس جمهور دارای اشکال است.

**آقای عزیزاده -** این مصوبه می‌گوید: «ستاد راهبردی بازسازی» یک بار این قسمت مصوبه را بنخوانید: «ستاد راهبری بازسازی موضوع این بند مکلف است همانند مصوبات ستاد مذکور را در ارتباط با تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز مناطق آسیب‌دیده و جبران خسارت‌های وارده به اموال و احشام مردم و مجرمان و خانواده متوفیان حوادث مذکور و ایجاد امکانات لازم برای پیشگیری از هرگونه حوادث غیرمترقبه و بحران احتمالی، حسب مورد تصویب و اعمال کند.»

**آقای کدخدایی -** ولی نگفته بدون نظر رئیس جمهور. **آقای عزیزاده -** گفته تصمیمات با تصویب این کمیسیون اعمال می‌شود، [بنابراین] تأیید رئیس جمهور را نمی‌خواهد. این ماده دارد می‌گوید این کمیسیون خودش تصمیماتی تصویب کند و بعد آنها را اعمال کند. این بند مصوبه حداقل این ابهام را دارد که هر کسی آن را بخواند می‌گوید نیاز به تصویب رئیس جمهور ندارد.

**آقای مؤمن -** این مصوبه اطلاق دارد. **آقای عزیزاده -** آقایانی که اطلاق این قسمت مصوبه را خلاف اصل (۱۳۸) قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند.

**آقای جنتی -** شما که اصل ماده را اشکال کردید دیگر. **آقای اسماعیلی -** این بخش ماده واحده مبنیاً بر آن ایراد قبلی، ایراد دارد.

**آقای عزیزاده -** رأی آورد. هفت تا شد.<sup>۴</sup>

**منشی جلسه -** در بند (۲) ماده واحده آمده است: «از تاریخ تصویب این قانون، سازمان مدیریت بحران کشور با اختیارات قانونی در امر بازسازی مناطق آسیب‌دیده در محدوده اختیارات ستاد مذکور در بند (۱) زیر نظر ستاد راهبری بازسازی فعالیت می‌نماید.»

۴. بند (۱) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵ شورای نگهبان در خصوص طرح تسریع در بازسازی مناطق آسیب‌دیده در اثر حوادث غیرمترقبه مصوب ۱۳۹۲/۱/۲۱: «۱- ... همچنین اطلاق ذیل این بند از این جهت که مصوبات ستاد مذکور را در صورت عدم تأیید رئیس جمهور نیز لازم‌الاجرا می‌داند، مغایر اصل (۱۳۸) قانون اساسی شناخته شد.»

[می‌تواند برخی از وظایفش را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار کند]. اما اینکه مجلس به دولت می‌گوید تو حتماً باید این کار را انجام بدهی، اشکال دارد دیگر. این مسلم است.

**آقای یزدی -** آقایان مجمع مشورتی فقهی هم همین اشکال را گرفته‌اند.

**آقای عزیزاده -** مرکز تحقیقات هم همین اشکال را گرفته است.<sup>۱</sup> مجمع مشورتی فقهی هم همین مورد را اشکال گرفته است. این اشکال وارد است.

حضرات آقایانی که بند (۱) را خلاف اصل (۱۳۸) قانون اساسی و حتی خلاف اصل (۱۲۷) می‌دانند، رأی بدهند.

هفت رأی دارد. همه‌ی آقایان خلاف اصل (۱۳۸) بودن این بند را مسلم می‌دانند.<sup>۲</sup>

**آقای جنتی -** خوب است. بقیه‌ی مصوبه هم خواندن ندارد.

**آقای عزیزاده -** همه‌ی مصوبه را خواندند.

**منشی جلسه -** نه، حاج آقای جنتی بقیه‌ی بندها را می‌گویند.

**آقای عزیزاده -** ایراد دوم مجمع مشورتی فقهی به این مصوبه این است: «اطلاق ذیل این بند نیز خلاف ذیل اصل (۱۳۸) قانون اساسی دانسته شد؛ زیرا بر اساس اصل (۱۳۸) قانون اساسی مصوبات کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا می‌باشد، در حالی که مستفاد از اطلاق ذیل بند (۱) ماده واحده آن است که مصوبات کمیسیون مذکور - هر چند در فرض عدم تأیید رئیس جمهور - لازم‌الاجرا می‌باشد.»<sup>۳</sup>

**آقای مؤمن -** ماده واحده اطلاق دارد.

**آقای عزیزاده -** بله، پس از این جهت هم اشکال دارد.

**آقای کدخدایی -** این مصوبه که نگفته مصوبات این کمیسیون‌ها بدون امضای رئیس جمهور باشد [تا بگوییم مغایر ذیل اصل ۱۳۸ است].

۱. «مکلف کردن دولت به تشکیل ستاد راهبری بازسازی مغایر با «اختیار» دولت در تشکیل کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر مقرر در اصل (۱۳۸) قانون اساسی می‌باشد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۲۰۰۳، مورخ ۱۳۹۲/۲/۳، ص ۱، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/Lf5o>

۲. بند (۱) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵ شورای نگهبان در خصوص طرح تسریع در بازسازی مناطق آسیب‌دیده در اثر حوادث غیرمترقبه مصوب ۱۳۹۲/۱/۲۱: «۱- در بند (۱) ماده واحده، مکلف نمودن دولت و الزام آن به تشکیل «ستاد راهبری بازسازی»، مغایر با اصل (۱۳۸) قانون اساسی است.»

۳. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۲/ف/۵۹۹، مورخ ۱۳۹۲/۲/۳، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/FtEb>

**آقای مؤمن -** چرا؟ اگر در مجلس قید «مکلف است» را به «می تواند» تبدیل کنند، مصوبه اصلاح می شود.

**آقای جنتی -** اگر بگویند دولت می تواند [ستاد تشکیل دهد] که این دیگر قانون نمی خواهد.

**آقای اسماعیلی -** حالا ممکن است به همین صورت، مصوبه را اصلاح کنند.

**آقای یزدی -** کلمه «می تواند» در خیلی از قوانین آمده است.

**آقای جنتی -** نه، آنجایی که شما می فرمایید، معمولاً [مراد از «می تواند»] الزام است.

**آقای مؤمن -** حالا اجازه بفرمایید به این ایراد که این برادران به همین ذیلی که الان خوانده شد دارند، بپردازیم. یک شبهه ای که آقای دکتر اسماعیلی فرمودند این بود که هزینه های این ماده واحده، منبع مالی ندارد و خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است که در مورد آن گفتیم، برای آن در صدر ماده واحده منابعی تعیین شده است.

اما در ادامه ی بند (۳) ماده واحده آمده است: «همچنین تا پایان بازسازی، کسورات مربوط به هزینه بیمه کارگران ساختمانی در شهرهای آسیب دیده به ده درصد (۱۰٪) کسورات مذکور کاهش می یابد و احداث ابنیه مناطق روستایی آسیب دیده از پرداخت آن معاف می باشند» که این قسمت آخر یعنی لازم نیست مناطق روستایی هیچ [حق بیمه ای] پرداخت کنند.

در ادامه هم می گوید: «دولت مکلف است باقیمانده حق بیمه مذکور را تأمین نماید» ایرادی که برادران مجمع مشورتی فقهی داشتند و الآن هم خدمت شما هست، این است که دولت مکلف است باقیمانده ی حق بیمه ی مذکور هم قهراً (۹۰٪) می شود؛ چون ده درصد آن را همین ماده واحده کاهش داد. تأمین این باقیمانده ی حق بیمه از محل همان منابعی است که در صدر ماده واحده به آنها اشاره شده است و عیبی هم ندارد. اما ماده واحده نسبت به ابنیه ی مناطق روستایی، نگفته که [حق بیمه ی] آن را دولت پردازد؛ لذا این تقلیل درآمد است؛ «احداث ابنیه مناطق روستایی آسیب دیده از پرداخت آن معاف می باشند»؛ یعنی تقلیل درآمدی است که دولت را مکلف به پرداختش نکرده و از این جهت خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است.

**آقای مدرسی یزدی -** تقلیل کدام درآمد است؟

**آقای مؤمن -** تقلیل درآمد عمومی است؛ تقلیل درآمد بیمه است.

**آقای علیزاده -** تقلیل درآمد عمومی است؛ بیمه هم عمومی است.

**آقای مدرسی یزدی -** بیمه ممکن است خصوصی باشد.

**منشی جلسه -** بند (۳) ماده واحده: «۳- دولت مکلف است معادل مالیات ساخت ابنیه این مناطق را که از پیمانکاران اخذ می شود به عنوان کمک به پیمانکاران طرف قرارداد پرداخت نماید.

به منظور تأمین هزینه صدور پروانه ساختمانی واحدهای آسیب دیده، متناسب با ابعاد حادثه، تنخواهی به صورت علی الحساب، ظرف حداکثر دو هفته در اختیار وزارت کشور قرار می گیرد. این اعتبار به نسبت پروانه های صادره مذکور، در اختیار شهرداری های شهرهای آسیب دیده قرار می گیرد.

همچنین تا پایان بازسازی، کسورات مربوط به هزینه بیمه کارگران ساختمانی در شهرهای آسیب دیده به ده درصد (۱۰٪) کسورات مذکور کاهش می یابد و احداث ابنیه مناطق روستایی آسیب دیده از پرداخت آن معاف می باشد. دولت مکلف است باقیمانده حق بیمه مذکور را تأمین نماید.»

**آقای علیزاده -** ظاهراً بند (۳) بار مالی دارد. این مصوبه به صورت لایحه به مجلس آمده بود؟

**آقای مدرسی یزدی -** نه، [به صورت طرح مطرح شده، اما منابع مالی این مصوبه را] پیش بینی کرده اند. دولت برای اجرای این مصوبه باید از اعتبارات قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور و قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت استفاده کند [که در صدر ماده واحده، بیان شده است].

**آقای مؤمن -** منابع مالی آن را در ابتدای مصوبه گفته اند؛ [به همین دلیل]، آن ایراد بار مالی برطرف می شود؛ اما در عین حال، آقایان مجمع مشورتی فقهی باز هم اینجا یک ایراد گرفته اند.

**آقای جنتی -** دستور بعدی را بخوانید. شما وقتی اصل تشکیل ستاد راهبری بازسازی را رد کردید؛ یعنی این ستاد غیر قانونی است.

**آقای مؤمن -** نه حاج آقا، اجازه بفرمایید. نمایندگان مجلس الان می آیند قید «مکلف است» را به «می تواند» تبدیل می کنند و مورد تأیید رئیس جمهور بودن [مصوبات ستاد] را هم اعمال می کنند. آن وقت، مصوبه همین طور [بدون رفع ایراد بار مالی] درست می شود.

**آقای جنتی -** مجلس در پی تصویب اینکه دولت «می تواند»، نیست؛ «می تواند» که قانون نمی خواهد. اگر قانون هم نگوید دولت می تواند [ستاد راهبری بازسازی تشکیل دهد].

**آقای مؤمن -** اگر مجلس این مصوبه را اصلاح نکرد، حرفی نیست؛ اما اگر آن را درست کردند، [بدون ایراد بار مالی] ایراد دارد.

**آقای جنتی -** مگر می شود این مصوبه را درست کرد؟! این ایرادی که شما گرفتید، قابل رفع نیست.



صورت] وام است، کارمزدش حداقل است ولی آنجایی که وام نیست دارای حداکثر کارمزد است.

**آقای مؤمن -** حاج آقا، [نظر شما] خلاف ظاهر عبارت بند (۴) است. ظاهر عبارت این است که تسهیلات اعطایی دارای حداقل کارمزد باشد؛ نه اینکه وام، حداقل کارمزد را داشته باشد.

**آقای مدرسی یزدی -** بله؟! تسهیلات اعم است.

**آقای مؤمن -** پس نباید بگوید با حداقل.

**آقای علیزاده -** گفته است «کارمزد»؛ «سود» که نگفته است. به مجلس بگوییم اینجا اصلاح عبارتی لازم دارد.

**آقای مؤمن -** آقایان مجمع مشورتی فقهی درباره‌ی این بند نوشته‌اند این عبارت، نوعی ناسازگاری ظاهری دارد.

**آقای علیزاده -** بله.

**آقای جنتی -** آقا، حالا شما می‌خواهید ایراد و ابهام بگیرید که اینجا مرادتان از تسهیلات چیست؟ مرادتان وام است یا اعم از وام است؟!

**آقای هاشمی‌شاهرودی -** بند (۴) می‌گوید: «با حداقل کارمزد»، کارمزد که حرام نیست؛ چون کارمزد هم حدی دارد.

**آقای مؤمن -** ظاهراً بند (۴) نمی‌خواهد این حرف را بزند.

**آقای علیزاده -** به مجلس بگوییم که ظاهراً عبارت این بند جوری است که غیر از وام را می‌رساند. به این بند، ایراد که نداریم و ایرادی نمی‌گیریم.

**آقای هاشمی‌شاهرودی -** در اینجا می‌خواهند کارمزد بگیرند.

**آقای مؤمن -** [اگر مقصود از تسهیلات، مضاربه باشد]، مضاربه که کارمزد وجود ندارد.

**آقای هاشمی‌شاهرودی -** خب، حالا اگر بخواهند [در مضاربه] کارمزد بگیرند، این کار اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** یعنی می‌فرمایید هدف مجلس از این عبارت این بوده که [برای مضاربه، کارمزد بگیرند]، سود آن را هم بعداً بگیرند؟! یا هدفشان این بوده که آن را صرفاً به وام تخصیص بدهند؟

**آقای هاشمی‌شاهرودی -** بله، [اگر مقصود، مضاربه باشد، یعنی] هم کارمزد می‌گیرند و هم سود.

**آقای مؤمن -** مجمع مشورتی فقهی قم هم همین حرف را می‌خواهند بزنند. ظاهراً اگر عبارت را درست کنند، بهتر است.

**منشی جلسه -** حاج آقا، فکر می‌کنم این بند در مورد کارمزد، نیاز به اصلاح عبارتی دارد.

**آقای علیزاده -** در صورتی که ایرادهای قبلی اصلاح بشود، تبصره‌ی بند (۴) هم ایرادی ندارد. چون ستاد راهبری بازسازی اگر بخواهد بدون تصویب [رئیس جمهور]، خودش مبالغ [تسهیلات] را بالا یا پایین بیاورد، این کار اشکال دارد؛ اما اگر

**منشی جلسه -** «۴- به هر واحد صنفی تولیدی- خدمات فنی، کارگاه‌ها و کارخانه‌های آسیب‌دیده حداکثر مبلغ سیصد میلیون (۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال و هر واحد صنفی توزیعی- خدماتی حداکثر مبلغ دویست میلیون (۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال تسهیلات، با حداقل کارمزد و بیش‌ترین زمان تنفس ممکن با معرفی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان و تأیید فرماندار مربوط پرداخت گردد.

تبصره- ستاد راهبری بازسازی موضوع بند (۱) این قانون می‌تواند مبالغ مذکور را افزایش دهد.»

**آقای مؤمن -** خب، بند (۴) را ملاحظه بفرمایید. عبارت «تسهیلات با حداقل کارمزد» یک خُرده نامأنوس است؛ تسهیلات که کارمزد ندارد.

**آقای جنتی -** نه، به قرینه‌ی همین تخفیفی که داده‌اند، مرادشان از تسهیلات، وام است.

**آقای مدرسی یزدی -** بند (۴)، اشکال قانون اساسی ندارد ولی عبارت [آن دقیق نیست]. البته تسهیلات اعم از مضاربه و وام است؛ لذا شامل وام هم می‌شود.

**آقای جنتی -** [وام] کارمزد دارد.

**آقای علیزاده -** باید دید هر جا که لفظ «کارمزد» آمد- همان‌طور که حضرت آیت‌الله جنتی گفتند- منظور وام است. بله، همان سود پول شرعی است.

**آقای یزدی -** مرحوم آقای رضوانی [از اعضای سابق شورای نگهبان] به چنین مواردی، اشکال نمی‌گرفتند.

**آقای علیزاده -** بله، خدا رحمتشان کند. اگر کارمزد باشد، خود شما [فقه‌های شورای نگهبان] فرمودید که کارمزد زیاد اشکال دارد.

**آقای مؤمن -** آقایان مجمع مشورتی فقهی درباره‌ی بند (۴) ماده واحده نوشته‌اند: «در عبارت «تسهیلات با حداقل کارمزد» نوعی ناسازگاری وجود دارد».<sup>۱</sup> این بند، اشکال شرعی ندارد. اگر می‌خواهید عبارت این بند درست باشد، نباید گفته شود «تسهیلات با حداقل کارمزد». به جای آن مثلاً بگویند با حداقل منفعت و سودی که می‌خواهند در نظر بگیرند. ولی اشکال، خلاف شرع بودن نیست.

**آقای مدرسی یزدی -** حداقل ابهام این است که قید «تسهیلات» اعم از وام و بقیه‌ی عقود است.

**آقای مؤمن -** آن وقت قید «با حداقل کارمزد» یعنی چه؟

**آقای مدرسی یزدی -** خب، یعنی آنجایی که [مبلغ پرداختی به

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۵۹۹/ف/۹۲، مورخ ۱۳۹۲/۲/۳، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/FtEb>

**آقای مؤمن -** همین بند گفته: «به منظور بازسازی ساختمان‌های دولتی و عمومی آسیب‌دیده».

**آقای علیزاده -** نه، اینجا را بخوانید: «هر کدام نسبت به احداث آنها».

**آقای مدرسی یزدی -** درست است؛ اشکال شما وارد است.

**آقای علیزاده -** بله، پس بفرمایید اینجا اشکال عبارتی دارد.

**آقای مدرسی یزدی -** البته بازسازی را هم نوشته است.

**آقای علیزاده -** ساختمانی ممکن است بازسازی بخواهد؛ یعنی اگر تخریب شد دوباره آن را بسازند [ولی ساختمان آسیب‌دیده، تعمیر یا ترمیم می‌خواهد]. همه اینها ممکن است.

**آقای هاشمی‌شاهرودی -** این ایراد وارد نیست. این بند درباره‌ی اموال دولتی و عمومی است.

**آقای مؤمن -** اموال دولتی و عمومی و مساجد.

**آقای هاشمی‌شاهرودی -** نه، اموال دولتی و عمومی.

**آقای مؤمن -** اموال عمومی؛ بله دیگر. اموال عمومی ممکن است که ...

**آقای علیزاده -** مجمع مشورتی فقهی درباره‌ی بند (۵) ایرادی گرفته است و گفته است اطلاق بازسازی اماکن تاریخی و شمول آن نسبت به مواردی همچون مراکز عبادی غیرمسلمانان که ساختن آنها در شرع اسلام جایز نمی‌باشد، خلاف شرع است.<sup>۲</sup>

**آقای یزدی -** حالا اگر واقعاً زلزله‌ای آمد و مکانی این‌چنینی خراب شد، نباید آنها را بازسازی کرد؟!

**آقای مؤمن -** مجمع مشورتی فقهی می‌گوید الزام دولت به بازسازی این قبیل اماکن، خلاف شرع است. خوب، نمی‌توانند اینها را با بیت‌المال بازسازی کنند.

**آقای یزدی -** این‌طور فرض کنید که یک مکانی باشد که نشان می‌دهد در این کشور در زمان فلان پادشاه این مکان ساخته شده

است. این مکان هم الان طوری نیست که مرکز کفر یا مرکز شراب و قمار باشد. حالا دولت نباید چنین مکان‌های تاریخی را که تخریب شده است بازسازی کند؟! من چنین نظری را قبول ندارم.

من می‌گویم بازسازی این مراکز اشکالی ندارد، بلکه وظیفه‌ی دولت است که آنها را بازسازی کند. من که قضیه را این‌طور می‌فهمم [و در مورد این مسئله، چنین استنباطی دارم]. اشکال

وقتی به وجود می‌آید که دولت بخواهد مرکز کفر یا در حقیقت مرکزی که کفر در آنجا تأیید می‌شود را تعمیر کند، در حالی که اولاً این مراکز، مرکز کفر نیست. از سوی دیگر، اصلاً برخی از این

اماکن، اثر تاریخی است. من می‌خواهم بگویم این معابد، اصلاً اثر

ایرادات سابق که گرفتیم اصلاح شود، تبصره هم انشاءالله اشکال نخواهد داشت.

**منشی جلسه -** همین را به مجلس بگوییم؟

**آقای علیزاده -** بله، بگویید. مگر ستاد راهبری بازسازی خودش می‌تواند [مبالغ تسهیلات را] بالا ببرد؟! تبصره‌ی بند (۴) مبنی بر اشکال قبلی [= استقلال عمل کمیسیون در تصویب امور بدون تأیید رئیس جمهور]، اشکال دارد. در صورتی که آنجا اصلاح بشود، اینجا هم ایراد ندارد. بالاخره [اعطای تسهیلات] هم یک تصمیم اجرایی است دیگر. تصمیم اجرایی هم باید به تصویب رئیس جمهور برسد.

**آقای هاشمی‌شاهرودی -** بله.

**آقای یزدی -** در حقیقت، در مورد وام هم، اگر مقصود از کارمزد مقدار پولی است که هزینه‌ی ثبت و ضبط و دفترچه و امثال اینها می‌شود و مقصود از آن [سود نباشد]، نباید بین مبلغ کم و زیاد وام خیلی تفاوت باشد؛ اگر منظور از کارمزد همین باشد بلااشکال است، ولی اگر کارمزد به نحوی باشد که کارمزد نسبت به مبلغ [تسهیلات] تغییر کند، این کار اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** حالا ما گفتیم بند (۴) را از جهت عبارتی درست کنند، ایراد شرعی و قانون اساسی که نداشتیم.<sup>۱</sup>

**منشی جلسه -** «۵- به منظور بازسازی ساختمان‌های دولتی و عمومی آسیب‌دیده، مساجد، حسینیه‌ها و امامزاده‌ها و اماکن تاریخی، پس از اعلام استانداری مربوط و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، اعتبار مورد نیاز در اختیار وزارت راه و شهرسازی یا دستگاه‌های ذی‌ربط قرار می‌گیرد تا پس از تعیین ردیف، عنوان طرح و اعتبار مصوب هر کدام، نسبت به احداث آنها اقدام نماید، به گونه‌ای که ظرف دو سال کلیه عملیات اجرایی خاتمه یابند.»

**آقای علیزاده -** اماکن آسیب‌دیده که احداث نمی‌خواهد، تعمیر یا ترمیم می‌خواهد. بند (۵) گفته: «نسبت به احداث آنها»، [منظور از] احداث چیست؟

**آقای مؤمن -** منظور بازسازی است دیگر.

**آقای هاشمی‌شاهرودی -** شاید [چون ممکن است] کل ساختمان از بین رفته باشد، واژه‌ی احداث را به کار برده‌اند.

**آقای علیزاده -** می‌دانم، اما بالاتر می‌گویید، در صورت آسیب دیدن، بله، پس بفرمایید اینجا هم به اصلاح عبارتی نیاز دارد.

۱. بند (۱) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵ شورای نگهبان در خصوص طرح تسریع در بازسازی مناطق آسیب‌دیده در اثر حوادث غیرمترقبه مصوب ۱۳۹۲/۱/۲۱: «۱- در بند (۴)، عبارت «تسهیلات با حداقل کارمزد»، نیازمند اصلاح عبارتی است.»

۲. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۵۹۹/ف/۹۲، مورخ ۱۳۹۲/۲/۳، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/FtEb>

اگر مصوبه می‌خواست بگوید عبادتگاه‌های مربوط به اقلیت‌های دینی را به لحاظ اینکه مکانی عمومی است درست کنید، دیگر لازم نبود کلمه‌ی مساجد و حسینیه‌ها و امامزاده‌ها را ذکر می‌کرد؛ چون اینها هم از این جنبه، عمومی هستند. قید عمومی که مصوبه گفته امثال ورزشگاه‌ها را هم شامل می‌شود.

**آقای یزدی -** پارک‌های عمومی را هم شامل می‌شود.

**آقای علیزاده -** بله. بند (۵) بعد می‌آید اماکن تاریخی را می‌گوید. در اینجا فقط ممکن است بگویید بعضی از بناهای مذهبی، تاریخی هم هستند. بند (۵) من باب تاریخی بودن می‌گوید این بناهای مذهبی و امثال آن را بازسازی کنید. دولت این اماکن را به جهت تاریخی بودنشان درست می‌کند.

**آقای جنتی -** حاج آقای مدرسی.

**آقای مدرسی یزدی -** یک بحث این است که آیا این ماده اجازه یا دستور بازسازی معابد تخریب شده را می‌دهد یا نه؟ و بحث دیگر اینکه اگر این اجازه یا دستور را داده، آیا این بازسازی خلاف شرع است یا نه؟ خلاف شرع بودن این قضیه هم دو بحث دارد: یکی اینکه آیا می‌شود این معابد را با بودجه‌ی عمومی بازسازی کرد؟ و بحث دیگر این است که اصلاً می‌شود اجازه‌ی بازسازی داد یا نه؟ اما به هر حال، اینکه مفاد این ماده واحد، واقعاً طوری باشد که مفید لزوم بازسازی مکان‌های عبادی غیرمسلمانان باشد، این طور نیست؛ چون فقط گفته این مکان‌ها را از نظر تاریخی بودن بما هی تاریخی، بازسازی بکنید.

**آقای جنتی -** آقا، بحث‌ها دارد تکراری می‌شود. آرا که مشخص است، پس رأی بگیرید.

**آقای علیزاده -** آقایان فقهای معظم، چنانچه اطلاق [الزام دولت به بازسازی] اماکن تاریخی در این مصوبه را - که به نظر برخی شامل کلیساها یا معابد تاریخی مربوط به اقلیت‌های دینی شناخته شده می‌شود - خلاف شرع می‌دانید، اعلام رأی بفرمایید. آقایان ایرادشان یقیناً نسبت به معابد اقلیت‌های شناخته شده در قانون اساسی است، وگرنه اقلیت‌های غیر شناخته شده را که ما اصلاً قبول نداریم، بله؟

**آقای یزدی -** بله، فقط در مورد به رسمیت شناخته شده‌ها.

**آقای مدرسی یزدی -** خب، [اطلاقش، معابد اقلیت‌های] به رسمیت شناخته نشده را هم شامل می‌شود.

**آقای علیزاده -** بله، اگر بحث از نظر «ارزش تاریخی» باشد، معابد کلیه‌ی غیرمسلمانان [اعم از اقلیت‌های به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی و به رسمیت شناخته نشده] را شامل می‌شود. اگر آقایان فقها به این قسمت ماده واحد، اشکال شرعی دارند، بفرمایند.

تاریخی است. اثر تاریخی [که فرقی ندارد مربوط به چه گروهی است]. من یادم هست یک وقتی در اینجا [ساختمان قدیم مجلس شورای اسلامی قبلی] در مجلس بودم. آمدم به جلسه‌ی شورای نگهبان در همین ساختمان. حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی [دبیر و از اعضای پیشین شورای نگهبان] - که خدا سلامتشان بدارد - هم اینجا بودند. من به ایشان عرض کردم که اگر قطعه‌ای از کشتی نوح (ع) پیدا شود - مثال بود دیگر - و باستان‌شناسان هم بگویند این تکه چوب واقعاً از کشتی نوح (ع) است؛ من معتقدم باید این تکه چوب حفظ بشود. آقایان اعضا در همان جلسه گفتند: این یعنی چه؟ من هم گفتم: یعنی چه ندارد. من یادم هست که اینجا [ساختمان] را هم هنوز تغییر نداده بودند. من پرسیدم آیا نقشه‌ها و معماری‌های این ساختمان‌ها که نشان‌دهنده‌ی مهندسی مثلاً صد سال پیش است را باید خراب کرد؟ گفتند بله خب، خراب بشود، چه اشکالی دارد؟ اما من این نظر را قبول ندارم. من می‌گویم الان اگر مثلاً آن نقشه‌ی معماری قبلی اینجا بود که نشان می‌داد صد سال پیش در اینجا چطور زندگی می‌کردند [باید اینها را حفظ کرد]. همین الان معمارهای قبلی مسلمان و غیرمسلمان را با آثار باستانی برجای مانده از آنها معرفی می‌کنند، قدرت هندسی و هنرهایشان را این چنین معرفی می‌کنند، ضمن اینکه هر اثر باستانی، گویای واقعیت‌های دینی، مذهبی و فرهنگی است.

**آقای علیزاده -** بنده یک سؤال دارم. اصلاً کجای این مصوبه می‌گوید مراکز عبادی غیرمسلمانان را درست کنید؟ اصلاً این مصوبه این را نمی‌گوید.

**آقای یزدی -** نه، من می‌خواهم بگویم، اگر مصوبه این را هم بگوید اشکال ندارد.

**آقای علیزاده -** ببینید، من یک بار بخش اول بند (۵) مصوبه را می‌خوانم: «به منظور بازسازی ساختمان‌های دولتی و عمومی آسیب‌دیده، مساجد، حسینیه‌ها و امامزاده‌ها و اماکن تاریخی ...». این بند صحبتی از مراکز عبادی غیرمسلمانان نمی‌کند. اولاً بند (۵) که از اماکن مذهبی صحبت کرده، نگفته کل اماکن مذهبی، بلکه فقط امامزاده‌ها، حسینیه‌ها و مساجد را گفته و امکان‌های تاریخی را هم گفته است. ثانیاً این مصوبه می‌خواهد این مکان‌ها به عنوان یک جای تاریخی از بین نرود؛ نه به عنوان اینکه عبادتگاه هستند تا احیاناً بگوییم احیای آنها اشکال دارد.

**آقای مؤمن -** اینها ساختمان‌های عمومی است دیگر.

**آقای علیزاده -** نه، اینها ساختمان‌های عمومی نیست. ساختمان‌های دولتی و عمومی مثل وزارتخانه و امثال آن است.

**آقای یزدی** - بله، اگر از نظر «ارزش تاریخی» این اماکن بحث کنید، حکم این مصوبه، شامل بازسازی معابد اقلیت‌های غیرشناخته‌شده در قانون اساسی هم می‌شود، ولی من از جنبه‌ی ارزش تاریخی نمی‌گویم [حکم این ماده، بلا اشکال است]، بلکه از نظر مذهبی و اینکه [این اقلیت‌ها دارای] پیروانی هستند می‌گویم.

**آقای جنتی** - در مورد بند (۵) رأی می‌گیرند. آقایان فقهای که آن را خلاف شرع می‌دانند، رأی بدهند. حاج آقای شاهرودی!

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - نه، من رأی ندارم [و آن را خلاف شرع نمی‌دانم]. این موضوع هم از جمله اختیارات حکومت اسلامی است.

**آقای جنتی** - خب، پس این یک یا دو رأی دارد. خیلی خب، این بحث تمام شد.<sup>۱</sup>

**منشی جلسه** - «۶- بازپرداخت کلیه تسهیلات اعطایی قبل از وقوع حادثه به افراد آسیب‌دیده (اعم از تولیدی و غیر تولیدی، در شهرها و روستاها) به مدت دو سال از تاریخ وقوع حادثه، استمهال و سود متعلقه برای مدت مذکور توسط دولت تأمین می‌شود.

همچنین استفاده از تسهیلات تخصیصی اعم از مسکونی و غیرمسکونی شهری و روستایی، مشروط به نداشتن بدهی قبلی، نداشتن چک برگشتی، تأهل و حداکثر سن نمی‌باشد. پرداخت تسهیلات بانکی جهت ساخت، بازسازی و مقاوم‌سازی مجدد برای افرادی که در گذشته از تسهیلات بانکی استفاده کرده‌اند ولی ساختمان مذکور آسیب‌دیده و یا از بین رفته، بلامانع است.»

**آقای علیزاده** - خیلی خب، این بند که اشکالی ندارد.

**منشی جلسه** - «۷- به منظور جبران خسارت‌ها و تأمین نیازهای ضروری بخش کشاورزی مناطق آسیب‌دیده، تسهیلاتی با حداقل کارمزد و بیش‌ترین زمان تنفس ممکن از محل منابع صندوق توسعه کشاورزی در اختیار کشاورزان قرار می‌گیرد.

**۸- دولت مکلف است اعتبارات لازم را برای ساخت و آماده نمودن حداقل یکصد هزار واحد مسکونی پیش‌ساخته برای اسکان موقت و به همین میزان قطعات پیش‌ساخته برای اسکان دائم در اختیار وزارت راه و شهرسازی قرار دهد تا در صورت بروز حادثه به سرعت در مناطق آسیب‌دیده مورد استفاده قرار گیرد.**

**۹- احکام این قانون در مورد حوادث غیرمترقبه از تاریخ ۱۳۹۱/۵/۲۱ نیز لازم‌الاجراء است.»**

**آقای علیزاده** - خیلی خب، مجلس تاریخ اجرای مصوبه را هم

جلو برده دیگر.

**آقای مؤمن** - اینکه جلو برده؛ یعنی حرف‌ها و کارهای قبلی دولت باطل است؟

**آقای اسماعیلی** - نه، بند (۹) دارد مطلب اضافه‌ای می‌گوید؛ یعنی مجلس [برای مناطق آسیب‌دیده از حوادث غیر مترقبه] اضافه بر تصمیمات قبلی، تصمیم جدیدی گرفته است.

**آقای علیزاده** - این بند می‌گوید این تصمیم اضافی را برای زمان [قبل از تصویب مصوبه] هم اجرا کنید یا به اصطلاح تصمیم را سرایت بدهید، تسری بدهید. این اشکالی ندارد و تصمیمات قبلی دولت را باطل نمی‌کند.

**آقای مؤمن** - یعنی دولت باید همین‌ها را [برای چند ماه گذشته هم] اعمال کنند؟

**آقای علیزاده** - بله.<sup>۲</sup>

۲. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۵۰/۲۲۳۴ مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۶؛ طرح تسریع در بازسازی مناطق آسیب‌دیده در اثر حوادث غیرمترقبه، مصوب جلسه مورخ بیست و یکم فروردین‌ماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۲/۴ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- در بند (۱) ماده واحده، مکلف نمودن دولت و الزام آن به تشکیل «ستاد راهبری بازسازی»، مغایر با اصل (۱۳۸) قانون اساسی است. همچنین اطلاق ذیل این بند از این جهت که مصوبات ستاد مذکور را در صورت عدم تأیید رئیس جمهور نیز لازم‌الاجراء می‌داند، مغایر اصل (۱۳۸) قانون اساسی شناخته شد.  
۲- فراز آخر بند (۳) ماده واحده، از آنجا که به کاهش درآمد عمومی می‌انجامد و طریق جبران آن تعیین نشده است، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

#### تذکرات:

۱- در بند (۴)، عبارت «تسهیلات با حداقل کارمزد»، نیازمند اصلاح عبارتی است.  
۲- در بند (۵) که تنها واژه «احداث» آمده، با توجه به مفاد این بند، نیازمند اصلاح است.»

۱. بند (۲) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵ شورای نگهبان در خصوص طرح تسریع در بازسازی مناطق آسیب‌دیده در اثر حوادث غیرمترقبه مصوب ۱۳۹۲/۱/۲۱: «۲- در بند (۵) که تنها واژه «احداث» آمده، با توجه به مفاد این بند، نیازمند اصلاح است.»

## لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان

منشی جلسه - «لایحه معاهده استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان»<sup>۱</sup>  
ماده واحده - موافقتنامه استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره - رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران<sup>۲</sup> در اجرای ماده (۱۹) این معاهده<sup>۳</sup> و اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی<sup>۴</sup> در اجرای ماده (۲۰)<sup>۵</sup> الزامی است.»

۱. لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان در تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۰۹/۳۷۲۵ مورخ ۱۳۹۲/۱/۳۱ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۲/۴ بررسی کرد، لیکن با توجه به عدم اعلام نظر در مهلت‌های قانونی موضوع اصول (۹۴) و (۹۵) قانون اساسی، رئیس مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ی شماره ۱۰۹/۱۰۷۳۲ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۵ این مصوبه را در اجرای اصل (۱۲۳) قانون اساسی به رئیس جمهور ابلاغ کرد.

۲. اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.»

۳. ماده (۱۹) لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان: «ماده ۱۹ - مشورت

۱- طرف‌های متعاقد به موجب درخواست هر یک از آنها می‌توانند در خصوص تفسیر این معاهده با یکدیگر مشورت نمایند.

۲- مراجع صلاحیت‌دار دو طرف متعاقد می‌توانند مستقیماً به منظور بررسی درخواست‌های خاص و ارتقا و بهبود این معاهده با یکدیگر مشورت نمایند.

۳- اختلافات و عدم توافق احتمالی در حین اجرای مفاد این معاهده به وسیله طرف‌های متعاقد از طریق مشورت و گفتگوهای دوجانبه حل و فصل خواهد شد.»

۴. اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.»

۵. ماده (۲۰) لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان: «ماده ۲۰ - تغییرات و اضافات

با توافق متقابل طرف‌های متعاقد، می‌توان تغییرات و اضافاتی را در مورد این معاهده اعمال نمود که توسط پروتکل‌هایی که جزء لاینفک معاهده می‌باشند، قوت قانونی خواهند یافت. تغییرات و اضافات طبق بند (۱) ماده (۲۱) این معاهده، لازم‌الاجراء خواهند شد.»

آقای **علیزاده** - آقایان در صورتی که به موافقتنامه ایرادی دارند، بفرمایند.

آقای **مؤمن** - موارد بسیاری در مصوبه‌ی مجلس وجود دارد که خلاف شرع است.

آقای **اسماعیلی** - بله، همان ایراد همیشگی که در خصوص چنین لوایحی وجود دارد، در مورد این مصوبه نیز مطرح است.<sup>۶</sup>  
آقای **علیزاده** - همان ایراد کلی که در خصوص چنین لوایحی مطرح بود در مورد این لایحه نیز مطرح است.

آقای **هاشمی‌شاهرودی** - اشکال همیشگی در خصوص این لایحه نیز وجود دارد.

آقای **علیزاده** - حضرت آیت‌الله مدرسی، شما چه نظری دارید؟  
آقای **مدرسی‌یزدی** - بله، این مصوبه ایراد قانون اساسی هم دارد.

آقای **علیزاده** - اگر قائلید که این مصوبه اشکال قانون اساسی دارد، چند ماده از آن را به طور تمثیلی مشخص کنیم، سپس همان ایرادات [شرعی] سابق را در خصوص این مصوبه نیز ذکر کنیم.

**منشی جلسه** - «ماده ۱ - هر کدام از طرف‌های متعاقد موظف است مطابق مقررات این معاهده شخصی را که به منظور انجام تحقیقات کیفری یا اجرای حکم محکومیت به لحاظ ارتکاب جرایم قابل استرداد در قلمرو طرف درخواست‌کننده تحت پیگرد قرار دارد و در قلمرو طرف درخواست‌شونده حضور دارد را به طرف متعاقد دیگر مسترد نماید.»

آقای **مدرسی‌یزدی** - چهارچوب موافقتنامه بدین شکل است که مجرمی که [در یکی از دو کشور متعاقد] دستگیر شده به دادگاه کشور مقابل سپرده شود. محاکمه‌ی مجرمان، صدور حکم و مجازات آنان توسط دولت ظالم و دولتی که موازین شرعی را رعایت نمی‌کند، به هر حال جایز نیست. البته در بند (۱) ماده (۲) این شرط را ذکر کرده که جرایم در هر دو کشور، چه درخواست‌کننده و چه درخواست‌شونده‌ی استرداد، باید یکی باشند، ولی در بند (۳) همین ماده بیان کرده که لازم نیست

۶. اشکال معمول شورای نگهبان در خصوص این قبیل معاهدات که تاکنون میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای هم‌چون قطر، تاجیکستان، عراق، قزاقستان و امارات متحده عربی و ... منعقد شده است، به شرح زیر است: این لایحه از این جهت که اطلاق برخی از مواد آن، اعمال مقررات غیرمنطبق با موازین شرعی دولت طرف متعاقد را لازم‌الاجرا دانسته و نیز مواد متعددی مستلزم تأیید صحت قوانین و صحت آیین دادرسی قوه قضائیه کشور طرف متعاقد و نیز ارجاع کارهای قضایی به دادگاه‌های کشور طرف متعاقد می‌باشد، که خود موجب اثر دادن بر احکامی است که در آن دادگاه‌ها ولو بر خلاف ضوابط اسلامی صادر می‌گردد، خلاف موازین شرع است.

ما موظفیم تبعه‌ی آنها را مسترد کنیم. البته به نظر من این بند، ایراد شرعی دارد.

**آقای یزدی - «استرداد مجرمان»** یک بحث مبنایی است که چندین بار اینجا بحث شده است و این بحث‌ها تکرار مکررات است. معنی «استرداد مجرمین» این نیست که مجرمی که به طرف درخواست‌کننده مسترد می‌شود، دوباره محاکمه شود.

**آقای مدرس‌یزدی - اما اطلاق ماده (۱)، محاکمه‌ی مجدد را هم در بر می‌گیرد.**

**آقای مؤمن - ماده (۱) در خصوص «تعهد استرداد»، صراحت دارد.**  
**آقای علیزاده -** استرداد مجرمین بدین معنی است که تبعه‌ی ایرانی که در قزاقستان مرتکب جرم شده و آنجا محاکمه شده و در زندان است و همچنین یک تبعه‌ی قزاقستان که در ایران مرتکب جرم شده و مطابق احکام ما محاکمه شده و در زندان می‌باشد، مبادله و مسترد شوند؛ ضمن اینکه محاکمه از طریق دو دستگاه قضایی، مشکلات زیادی از قبیل دیدار، ملاقات، رفت و آمد بستگان و نزدیکان، هزینه‌ها و ... برای اتباع دو کشور به وجود می‌آورد. برای حل مشکلات این چنینی که برای اتباع دو کشور وجود دارد، دو حکومت قرار می‌گذارند که تبعه‌ی یکدیگر را مسترد کنند.

در اینجا فرض این است که علی‌رغم خلاف شرع بودن حاکمیت قزاقستان و نافذ نبودن احکام دستگاه قضایی آن کشور، حکومت جمهوری اسلامی ایران، حکومت قزاقستان را در محیط خودش به رسمیت شناخته است؛ یعنی قوانین و مقررات نظام سیاسی قزاقستان، بر کشور و مردمش حاکم است و کشور ما با آنها داد و ستد دارد و نفت و گاز و خودرو مبادله می‌کند و در کل، کشور ما همه‌ی دستگاه‌های آن کشور را به رسمیت شناخته است؛ اما شما معتقدید احکام دستگاه قضایی کشور قزاقستان نافذ نیست و خلاف شرع است و به عبارت دیگر آن را به رسمیت نمی‌شناسید. باید توجه داشته باشیم که بر اساس این موافقتنامه، قرار نیست دستگاه قضایی قزاقستان [در مورد تبعه‌ی کشور ما که مجرم است و الآن در آن کشور حضور دارد]، قضاوت بکند، بلکه هدف جابجایی اتباع دو کشور است.

در خصوص «طبقات جرم» هم به طور مثال یک تبعه‌ی ایرانی که به خاطر حمل مواد مخدر در یک کشور غیراسلامی دستگیر و محاکمه شده و از طرفی تبعه‌ی آن کشور غیراسلامی هم به جرم قاچاق در ایران محکوم شده و در زندان است، مبادله‌ی آنها یک امر معقول و عقلایی به نظر می‌رسد.

[اعمال و جرایم] از یک طبقه باشند [یا جرم ارتكابی را با اصطلاح یکسان به کار برند].<sup>۱</sup>

منظور از جزء (الف) بند (۳) ماده (۲) که گفته: «اینکه آیا قوانین طرف‌های متعاقد این اعمال و جرایم را در یک طبقه قرار دهند یا جرم ارتكابی را با اصطلاح یکسان به کار می‌برند یا خیر، اهمیتی ندارد». این است که ما جرایم را سنگین‌تر فرض می‌کنیم، در حالی که طرف مقابل آنها را سبک‌تر می‌داند یا برعکس؛ یا می‌توان گفت مراد از عبارت «یک طبقه»، یعنی ولو اینکه مجازات‌ها تفاوت داشته باشد، اما باز هم امکان استرداد وجود دارد که البته این برداشت بعید به نظر می‌رسد. در صورت اختلاف در میزان مجازات بین طرفین معاهده - بدین صورت که یکی مجازات را سبک و دیگری سنگین می‌شمارد - سپردن مجازات به طرف دیگر که مجازات سنگین‌تری وضع کرده، خلاف است.

همچنین به موجب بند (۴) ماده (۲)،<sup>۲</sup> اگر یک تبعه‌ی قزاقستان از پرداخت مالیات فرار کند، نمی‌توان از استرداد او امتناع کرد؛ چون طبق موافقتنامه، فرار مالیاتی، از جرایم قابل استرداد است و

۱. بندهای (۱)، (۲) و (۳) ماده (۲) لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان: «ماده ۲- جرایم قابل استرداد ۱- از نظر این معاهده، جرایم قابل استرداد جرایمی هستند که به موجب قوانین ملی طرف‌های متعاقد، هنگام درخواست استرداد مستوجب مجازات بوده و برای ارتكاب آن جرایم مجازات‌هایی همچون سلب آزادی به مدت حداقل یک‌سال یا مجازات سنگین‌تری پیش‌بینی شده باشد.  
 ۲- چنانچه درخواست استرداد مربوط به شخصی باشد که توسط دادگاه طرف درخواست به لحاظ ارتكاب جرایم قابل استرداد به سلب آزادی محکوم شده است، استرداد تنها در صورتی ممکن است که مجازات قابل اجراء کمتر از شش‌ماه حبس یا مجازات سنگین‌تری نباشد.  
 ۳- از نظر این ماده در زمان تصمیم‌گیری، چنانچه عمل ارتكابی مطابق قوانین هر دو طرف متعاقد جرم باشد.

الف- اینکه آیا قوانین طرف‌های متعاقد این اعمال و جرایم را در یک طبقه قرار دهند یا جرم ارتكابی را با اصطلاح یکسان به‌کار می‌برند یا خیر، اهمیتی ندارد.

ب- اعمال شخصی که استرداد وی درخواست‌شده به‌صورت کلی در نظر گرفته می‌شود و متفاوت بودن اجزای جرم بر اساس قوانین طرف‌های متعاقد مهم نیست.»

۲. بند (۴) ماده (۲) لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان: «۴- در صورتی‌که استرداد به خاطر ارتكاب جرایم مرتبط با حقوق گمرکی، قوانین مالیاتی یا در مورد مقررات ارزی باشد، به دلیل اینکه در قوانین طرف متعاقد درخواست‌شونده قاعده مالیاتی یا گمرکی مشابهی با قوانین طرف درخواست‌کننده وجود ندارد، نمی‌توان از استرداد امتناع ورزید.»

ماده (۳) پیش‌بینی شده است.<sup>۳</sup> بنابراین، منظور از «استرداد مجرمین» در این لایحه چیزی است که بیان شد. البته «استرداد مجرمین»، اصطلاح است و در واقع باید استرداد متهمین باشد و متهمان در کشور درخواست‌کننده محاکمه شوند. قبلاً نظر اکثریت [اعضای شورای نگهبان] این بود که چنین لوایحی اشکال دارد و شورای نگهبان به صورت کلی ایراد می‌گرفت و چند ماده را هم برای نمونه ذکر می‌کرد و چون مجلس شورای اسلامی قانع نمی‌شد، برای حل اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌شد و اکثر آنها به تأیید مجمع می‌رسید.<sup>۴</sup>

۳. ماده (۳) لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان: «ماده ۳- امتناع از استرداد

بر اساس این معاهده، استرداد در موارد زیر انجام نخواهد شد:

۱- در صورتی که شخص مورد نظر در قلمرو طرف متعاقد درخواست‌شونده به دلیل جرمی که به خاطر آن درخواست استرداد شده است، متهم، محکوم یا تبرئه شده باشد.

۲- در صورتی که مطابق قوانین طرف متعاقد درخواست‌شونده اگر همان جرم در قلمرو طرف متعاقد درخواست‌شونده ارتکاب شده بود، پیگرد جزایی به لحاظ مرور زمان امکان‌پذیر نبود. مقررات یا شرایط مربوط به مرور زمان بر اساس قوانین طرف متعاقد درخواست‌کننده باید مورد توجه طرف درخواست‌شونده قرار بگیرد و در این صورت طرف متعاقد درخواست‌کننده به صورت مکتوب قوانین مربوط به مرور زمان خود را ارائه خواهد نمود.

۳- چنانچه شخصی که استرداد وی درخواست شده است، تبعه طرف متعاقد درخواست‌شونده باشد.

۴- در صورتی که جرمی که به علت ارتکاب آن درخواست استرداد شده است، بر اساس قوانین طرف متعاقد درخواست‌شونده به دلیل ارتکاب تمام یا قسمتی از جرم در قلمرو آن مورد تعقیب قرار گرفته باشد.

۵- در صورتی که در موارد خاص، طرف متعاقد درخواست‌شونده با توجه به شدت جرم و منافع طرف متعاقد درخواست‌کننده، با در نظر گرفتن وضعیت شخصی فرد مورد نظر، استرداد وی را با اصول انسانی مغایر بداند.

۶- در صورتی که جرمی که به خاطر ارتکاب آن استرداد درخواست‌شده است جرم نظامی به حساب بیاید، اما طبق قوانین کیفری عادی، جرم محسوب نشود.

۷- در صورتی که طرف متعاقد درخواست‌شونده دلایلی موثق داشته باشد که منظور از درخواست استرداد، تعقیب یا مجازات شخص مورد نظر به علت نژاد، دین، جنسیت، یا انگیزه‌های سیاسی وی بوده یا شخص ممکن است به هر یک از این دلایل محکوم شود.

۸- چنانچه طرف متعاقد درخواست‌شونده تشخیص دهد که استرداد به حاکمیت، امنیت ملی، نظم عمومی یا اخلاق حسنه آن لطمه می‌زند یا مغایر قانون اساسی آن است، درخواست استرداد را با ذکر دلیل رد خواهد نمود.»

۴. گفتنی است صرفاً موافقتنامه‌های استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان مصوب ۱۳۷۸/۱/۲۵ و موافقتنامه استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی مصوب ۱۳۸۹/۹/۳۰ با تأیید شورای نگهبان، شکل قانونی به خود

نظر مقام معظم رهبری هم در خصوص مشروعیت احکام صادره از سوی دستگاه قضایی کشورهای غیراسلامی و استرداد مجرمین از این طریق، این است که وقتی دو حکومت و دو کشور چنین قراری با یکدیگر گذاشتند، در حقیقت قرار حکومتی محسوب می‌شود و بلااشکال است؛ یعنی این حق حاکم است و حاکم برای حفظ منافع و حقوق مردم، اختیار انجام چنین کاری را دارد و پذیرفتن چنین حرفی به معنای تأیید دستگاه حاکم آن کشور و بالعکس نیست. استرداد مجرمین در واقع یک نمونه از انواع ارتباطاتی است که بین دو کشور وجود دارد. بنابراین، به نظر من این موافقتنامه اشکال ندارد. در حقوق جزا اصلی به نام اصل «سرزمینی بودن» وجود دارد؛ یعنی هرکس در هر جا مرتکب جرم شد، باید در آنجا محاکمه بشود. البته استثنائاتی هم در قوانین جزای همه‌ی کشورها وجود دارد که تبعه‌ی خودشان را می‌توانند در کشور خودشان محاکمه کنند.<sup>۱</sup>

**آقای بزدی -** امام خمینی (ره) نیز با توجه به اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی، لایحه‌ی کاپیتولاسیون را محکوم کردند.<sup>۲</sup>

**آقای علیزاده -** طی این موافقتنامه، هیچ‌یک از طرفین تبعه‌ی خود را به دیگری تحویل نمی‌هد، بلکه فردی که مسترد می‌شود، تبعه‌ی همان کشور درخواست‌کننده یا تبعه‌ی کشور ثالث است [که جرمی مرتبط با آن کشور و در خاک آن کشور مرتکب شده است]. مثلاً قزاقستان از ایران خواستار استرداد یک قزاقستانی یا غیرقزاقستانی برای محاکمه می‌شود یا دولت ایران تقاضای استرداد یک فرد ایرانی یا غیرایرانی که در ایران مرتکب جرم شده و در قزاقستان پیدا شده را می‌کند. بنابراین، در قرارداد استرداد مجرمین از طرفی تقاضای استرداد فردی می‌شود که تبعه‌ی کشور درخواست‌شونده نیست و از طرفی هم در خاک کشور درخواست‌کننده مرتکب جرم شده است. استرداد مجرمین شرایط دیگری هم دارد از جمله اینکه عمل ارتكابی باید در هر دو کشور جرم محسوب شود و ضمن قانون معین، مجازات معینی برای آن در نظر گرفته شده باشد که همه‌ی این موارد در

۱. ماده (۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به اصل سرزمینی بودن اشاره دارد: «ماده ۳- قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند، اعمال می‌شود، مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.»

۲. پیام امام خمینی (ره) به روحانیون و ملت ایران و سخنرانی در جمع مردم (مخالفت با لایحه کاپیتولاسیون و اعلام عزای عمومی) مورخ ۱۳۴۳/۸/۴، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۱، صص ۴۰۹-۴۲۴.

امتناع از استرداد بیان نشده بود.

**آقای اسماعیلی** - [استثناء کردن مواردی در خصوص استرداد] جزء اصول کلی است، به همین دلیل معمولاً ذکر نمی‌شود.

**آقای یزدی** - با توجه به مفاد ماده (۳) دولت‌ها به راحتی می‌توانند از استرداد ممانعت کنند.

**آقای اسماعیلی** - با توجه به بیان ماده (۳) دست دولت باز است تا هر جا خواست از استرداد ممانعت کند.

**آقای مؤمن** - ولی در بند (۸) ماده (۳) موارد خلاف شرع را جزء موارد امتناع از استرداد نشمرده است.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - با استناد به اصل (۴) قانون اساسی<sup>۲</sup> هم می‌توان گفت که معاهده نباید خلاف موازین اسلامی باشد.

**آقای اسماعیلی** - در حقوق، در تقسیم‌بندی اخلاق حسنه و نظم عمومی یکی از بخش‌ها موازین دینی و مراسم مذهبی است.

**آقای مؤمن** - بنابراین، حکم ماده (۳) معاهده، خلاف صریح ماده (۱) آن است.

**آقای اسماعیلی** - ماده (۳) استثنائات را ذکر کرده، ولی خلاف ماده (۱) نیست: «ماده ۱- تعهد استرداد

هر کدام از طرف‌های متعاقد موظف است مطابق مقررات این معاهده شخصی را که به منظور انجام تحقیقات کیفری یا اجرای حکم محکومیت به لحاظ ارتکاب جرایم قابل استرداد در قلمرو طرف درخواست‌کننده تحت پیگرد قرار دارد و در قلمرو طرف درخواست‌شونده حضور دارد به طرف متعاقد دیگر مسترد نماید.»

**آقای مؤمن** - برای تکمیل محاکمه، [استرداد شخص تحت پیگرد را تقاضا می‌کنند].

**آقای اسماعیلی** - طبق مقررات ماده‌ی (۳) معاهده، اگر تقاضای استرداد خلاف نظم عمومی باشد، امکان استرداد وجود ندارد.

**آقای مؤمن** - اگر خلاف نظم عمومی باشد، امکان استرداد وجود ندارد! هدف اصلی از درخواست استرداد در این معاهده این است که متهم یا مجرم را محاکمه کنند.

**آقای اسماعیلی** - درست است که هدف اصلی از استرداد، محاکمه است ولی طبق مقررات این موافقتنامه، استرداد صورت می‌گیرد و یکی از مقررات این موافقتنامه هم استثنائاتی است که

**آقای اسماعیلی** - در ماده (۳) لایحه، «موارد امتناع از استرداد» ذکر شده است که با توجه به موارد مذکور باید گفت تقریباً امکان استرداد وجود ندارد. بند (۸) این ماده می‌گوید: «۸- چنانچه طرف متعاقد درخواست‌شونده تشخیص دهد که استرداد به حاکمیت، امنیت ملی، نظم عمومی یا اخلاق حسنه آن لطمه می‌زند یا مغایر قانون اساسی آن است، درخواست استرداد را با ذکر و دلیل می‌تواند رد کند.» یعنی دست دولت‌ها را باز گذاشته تا به راحتی بتوانند مثلاً به بهانه‌ی مغایرت با اخلاق حسنه، از استرداد مجرمین خودداری کنند.

**آقای ره‌پیک** - در همه‌ی موافقتنامه‌ها موارد امتناع از استرداد وجود دارد.<sup>۱</sup>

**آقای اسماعیلی** - نه، در همه‌ی موافقتنامه‌ها موانع استرداد وجود ندارد.

**آقای علیزاده** - در موافقتنامه‌های قبلی به این صراحت موارد

→

گرفته است و سایر موافقتنامه‌های استرداد، از جمله موافقتنامه استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری هند مصوب ۱۳۹۰/۲/۲۴، موافقتنامه استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی افغانستان مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۷، موافقتنامه استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت قطر مصوب ۱۳۸۹/۲/۱۸، موافقتنامه استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آفریقای جنوبی مصوب ۱۳۸۷/۱/۳۱، موافقتنامه استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان مصوب ۱۳۸۶/۸/۲۶، موافقتنامه استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قرقیزستان مصوب ۱۳۸۶/۳/۱۲، معاهده استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت اوکراین مصوب ۱۳۸۶/۳/۱۲، موافقتنامه استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری دیمکراتیک مردمی الجزایر مصوب ۱۳۸۴/۸/۲۱، موافقتنامه استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۸ و موافقتنامه همکاری قضایی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمین و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عربی سوریه مصوب ۱۳۸۱/۴/۱۵، پس از ایراد مغایرت با موازین شرع شورای نگهبان، با تصویب در مجمع تشخیص مصلحت نظام، شکل قانونی به خود گرفته است.

۱. در قوانین موافقتنامه استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های روسیه (مصوب ۱۳۷۸/۹/۲۰)، ازبکستان (مصوب ۱۳۸۱/۵/۱۶)، ترکمنستان (مصوب ۱۳۸۶/۱/۲۸)، اوکراین (مصوب ۱۳۸۶/۳/۱۲)، قرقیزستان (مصوب ۱۳۸۶/۳/۱۲)، ارمنستان (مصوب ۱۳۸۶/۷/۲۴)، قطر (مصوب ۱۳۸۹/۲/۱۸)، امارات متحده عربی (مصوب ۱۳۸۹/۹/۳۰)، افغانستان (مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۷)، بلاروس (مصوب ۱۳۹۱/۲/۲۰)، تاجیکستان (مصوب ۱۳۹۱/۲/۲۰) و عراق (مصوب ۱۳۹۱/۲/۲۰) موارد امتناع از استرداد بیان شده است.

۲. اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده‌ی فقهای شورای نگهبان است.»

در خصوص استرداد ذکر شده است.

**آقای مؤمن** - باید توجه داشت که تقاضای استرداد [برای محاکمه است].

**آقای اسماعیلی** - اما معاهده این حق را برای دولت در نظر گرفته که طبق مقررات معاهده بتواند از استرداد ممانعت کند.

**آقای سلیمی** - طرفین، طبق معاهده می‌توانند تقاضای استرداد را رد کنند و مجرم را تحویل ندهند.

**آقای مؤمن** - [ماده‌ی (۱)] موافقتنامه می‌گوید: تحویل صورت پذیرد تا طرف درخواست‌کننده، محاکمه را انجام دهد.

**آقای رهپیک** - اگر اشکال این موافقتنامه این باشد که رسیدگی در کشور غیراسلامی کلاً غیرشرعی است، اینکه بگوییم [در موافقتنامه استثنائات یا موارد امتناع از استرداد، مشخص شده،] رافع اشکال نیست.

**آقای مؤمن** - بله. اشکال این است که محاکمه در کشور غیراسلامی، غیرشرعی است.

**آقای رهپیک** - اشکال این معاهده این است که همه‌ی موارد رسیدگی را به صورت مصداقی مشخص کرده است.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - نه، نحوه‌ی رسیدگی را خود کشور درخواست‌کننده تعیین می‌کند.

**آقای رهپیک** - نه، اشکال آقایان این است که اصل رسیدگی [به جرم فرد مسترد] در کشور غیراسلامی، اشکال دارد.

**آقای مدرسی‌یزدی** - طبق «قاعده‌ی الزام»<sup>۱</sup> اگر فرد دستگیرشده مسلمان و حتی سنی باشد و نظام و حکومت [کشور درخواست‌کننده استرداد] را قبول داشته باشد، می‌توان وی را مسترد کرد، اما تحویل فرد شیعه یا کسی که نظام [کشور درخواست‌کننده استرداد] را قبول

ندارد، درست نیست و خلاف قاعده است.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - باید موارد خلاف شرع را تحت موارد استثنا بیآوریم؛ بدین شکل که برای رفع اشکال، مواردی که استرداد مجرمان خلاف شرع محسوب می‌شود، جزء موارد امتناع از استرداد در نظر گرفته شود.

**آقای مدرسی‌یزدی** - قبلاً نظر ما این بود که اگر موارد خلاف شرع استثنا شود، مشکل حل می‌شود، اما به نظر می‌رسد حتی با استثنا قائل شدن این موارد هم مشکل همچنان باقی است.

**آقای رهپیک** - با توجه به موارد استثنا شده در ماده (۳)، «استثنای اکثر»<sup>۲</sup> است.

**آقای مدرسی‌یزدی** - قبلاً نظر ما این بود که اگر موارد امتناع از استرداد به عنوان استثنا آورده شود، ایراد ندارد.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - با توجه به موارد استثنا شده، «استثنای اقل» است نه «استثنای اکثر».

**آقای رهپیک** - طی این معاهده، تبعه‌ی ما به کشور دیگر تحویل داده می‌شود.

**آقای عزیزاده** - طبق بند (۳) ماده (۳) نمی‌تواند استرداد تبعه‌ی ما را درخواست بکنند. در خصوص تبعه‌ی خودمان استثنا قائل شده‌ایم: «۳- چنانچه شخصی که استرداد وی درخواست شده است، تبعه طرف متعاقد درخواست‌شونده باشد»، [استرداد، انجام نخواهد شد].

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - بند (۳) ماده‌ی (۳) به تبعه‌ی طرف متعاقد درخواست‌شونده اشاره دارد.

**آقای عزیزاده** - فرض کنید درخواست استرداد یک تبعه‌ی عراقی را داشته باشند.

**آقای سلیمی** - ما نباید تبعه‌ی خودمان را به کشور قزاقستان تحویل بدهیم.

۱. «قاعده الزام»، قاعده‌ای فقهی، مستند و مستنبط از برخی روایات، از جمله حدیث «الزُّمُّهُمُ بِمَا أَلْزَمُوا أَنْفُسَهُمْ» است. در محدوده‌ی اعمال این قاعده، بین فقها اختلاف است. با این حال، آنچه اجمالاً از مفاد این قاعده مورد اتفاق فقها است، آن است که اگر یک نفر ملتزم به دین و اعتقاد خاصی باشد، افراد دیگر از مذاهب دیگر می‌توانند او را ملزم کنند بر اینکه به احکام مذهب و اعتقاد خودش ملتزم شود. بر اساس این قاعده، مثلاً کفار در محاکم اسلامی به مقرراتی که در مذهب خودشان وجود دارد، ملزم می‌گردند و همچنین پس از اسلام آوردن به انجام تعهداتی که در حال کفر به آن متعهد شده‌اند، ملزم می‌شوند. همچنین معتقدان به هر یک از مذاهب اسلامی، می‌توانند معتقدان به مذهب غیر خود را به احکام مذهب خودشان ملزم کنند. در این خصوص، بنگرید به: مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، چ سوم، ۱۴۱۱ ه.ق، ج ۲، ص ۱۵۹؛ بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهیه، تصحیح مهدی مهریزی و محمد حسن درایتی، قم، الهادی، چ اول، ۱۴۱۹ ه.ق، ج ۳، صص ۲۰۷-۱۷۹.

۲. استثنا به تعداد افرادی تعلق می‌گیرد که کمتر از نصف، نصف و یا بیشتر از نصف افراد مستثنی‌منه است. اگر تعداد افرادی که به‌وسیله‌ی استثنا از مستثنی‌منه خارج می‌شود کمتر از نصف آنچه باشد که تحت آن باقی می‌ماند، در اصطلاح به آن «استثنای اقل از نصف» گفته می‌شود، مثل: جائتی القوم الا زیداً و بکراً و عمراً. این استثنا به اتفاق همه اصولیون صحیح است. اما اگر تعدادی که به‌وسیله‌ی استثنا از مستثنی‌منه خارج می‌شود، بیشتر از نصف آنچه باشد که تحت آن باقی می‌ماند، در اصطلاح، به آن «استثنای اکثر از نصف» گفته می‌شود. در جواز این استثنا اختلاف است، اما بیشتر صاحب‌نظران معتقد به جواز هستند، به‌دلیل آیه‌ی «ان عبادی لیس لک علیهم سلطان الا من اتبعک من الغاوبین». (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ‌نامه اصول فقه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ اول، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱).

**آقای یزدی -** بالاخره ارتباطات [بین کشور اسلامی و کشورهای غیراسلامی] شرعی محسوب می‌شود یا غیرشرعی؟

**آقای مدرسی یزدی -** وقتی معامله با کافر حربی جایز است، داشتن ارتباط با کشور دوست به طریق اولی جایز است.

**آقای یزدی -** تکلیف ارتباطات بین ایران و قزاقستان چیست؟ الان دولت جمهوری اسلامی ایران با برخی دولت‌ها، مقررات و روابطی را دارد، این روابط شرعی است یا خیر؟

**آقای مدرسی یزدی -** قزاقستان از کافر حربی که بدتر و بالاتر نیست.

**آقای یزدی -** بنده کاری به حربی بودن یا نبودن [کشور قزاقستان] ندارم، می‌خواهم بدانم روابطی که جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر دارد، شرعی است یا غیرشرعی؟

**آقای مدرسی یزدی -** هر چیزی که شارع اجازه داده، جایز است.

**آقای یزدی -** منظور من کل روابطی است که جمهوری اسلامی ایران با سایر دولت‌ها دارد. آیا روابط جمهوری اسلامی ایران با دیگر دولت‌ها شرعی است یا غیرشرعی؟

**آقای مدرسی یزدی -** رابطه با سایر دولت‌ها را نباید به صورت کلی سنجید، بلکه باید قائل به تفکیک شد. روابطی که به مصلحت باشد و تقویت کفر نباشد، جایز است؛ مثلاً بیع السلاح من أعداء الدین عندالحرب جایز نیست.<sup>۱</sup> ولی سایر روابط مثل بیع و ... جایز است. نمی‌شود در همه‌ی موارد حکم کلی صادر کرد. بالاخره ما باید با حکومت‌ها تعامل داشته باشیم. حتی با کافر حربی هم می‌توان معامله کرد.

البته یک نظر هم این است که از باب استنقاذ<sup>۲</sup> شیعیان این‌طور

**آقای علیزاده -** نه، منظور این است که اگر یک عراقی در قزاقستان مرتکب جرم شده و اکنون در ایران است، در صورت درخواست استرداد او از سوی قزاقستان باید وی را به آنها تحویل بدهیم.

**آقای سلیمی -** بله، نمی‌تواند استرداد تبعه‌ی ایران را درخواست کنند.

**آقای علیزاده -** مثلاً قزاقستان می‌تواند استرداد یک افغانستانی یا پاکستانی شیعه را درخواست کند.

**آقای مدرسی یزدی -** اگر به این اکتفا بشود که چون اصل چهارم قانون اساسی گفته همه‌ی امور باید شرعی باشد و اگر خلاف شرع باشد نباید انجام پذیرد، پس در اکثر موارد امکان استرداد و تصویب معاهده‌ی استرداد به دلیل مخالفت با شرع وجود نخواهد داشت. اما باید گفت این معاهده، خلاف قانون اساسی است؛ چون اصل (۴) به صورت کلی اشاره کرده که کلیه قوانین و مقررات نباید خلاف موازین اسلام باشد.

**آقای علیزاده -** البته قبلاً هم که در متن موافقتنامه‌ها شرط عدم مغایرت با قانون اساسی می‌شد، باز هم شورای نگهبان به این گونه لوایح ایراد می‌گرفت.

**آقای علیزاده -** آنچه در اصل چهارم مد نظر است، خلاف شرع نبودن قوانین و مقررات است، نه مواردی مثل نظم عمومی.

**آقای مدرسی یزدی -** اینکه تقاضای استرداد، مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد، قضیه را حل نمی‌کند؛ چون قانون اساسی در اصل (۴) گفته هر چیزی که خلاف شرع است، ملغی است و اگر ما این معاهده را به علت مخالفت با قانون اساسی ملغی نکنیم و به صورت قانون در بیاید، مسئولان قضایی به مرتکبان عمل می‌کنند و کاری به خلاف شرع بودن آن ندارند و اقدام به استرداد می‌کنند. بنابراین، باید ایراد خلاف شرع گرفته شود.

**آقای هاشمی‌شاهرودی -** با توجه به روند سابق، بالاخره این مصوبه‌ی مجلس نیز با تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام تبدیل به قانون می‌شود.

**آقای مدرسی یزدی -** تبدیل به قانون شدن این معاهده ایرادی ندارد، ولی نظر ما این است که وظیفه‌ی شورای نگهبان مصلحت‌سنجی نیست. هر چند ما معاملاتی با کشور قزاقستان داریم و آنها را به رسمیت می‌شناسیم، ولی به رسمیت شناختن با شرعی دانستن و تمکین به آنها فرق می‌کند و گرنه نظر اکثر قریب به اتفاق فقها این است که حتی معامله با کافر حربی هم صحیح است و ملکیت برای او حاصل می‌شود، گرچه ضمان ندارد و می‌توان مال مورد معامله را از او گرفت.

۱. «فروش سلاح به کافران، یا دشمنان دین، یکی از موضوعاتی است که فقها در مباحث مکاسب محرمه بدان می‌پردازند. آرای بسیاری در این باب وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت است از: ۱. حرام بودن مطلق فروش سلاح به کافران در حال جنگ و صلح؛ ۲. حرام بودن فروش سلاح در حال جنگ و جواز فروش در حال صلح و سازش؛ ۳. این امر، مسئله‌ای سیاسی است و تابع رأی دولت و حکومت است. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، بنگرید به باب «مکاسب محرمه» در کتاب‌های فقهی، از جمله: موسوی خمینی، سید روح‌الله، مکاسب المحرمه، ج ۱، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چ سوم، ۱۳۶۸، صص ۱۵۲-۱۵۷؛ مقدس اردبیلی، احمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، تحقیق: مجتبی عراقی و دیگران، ج ۸، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ اول، ۱۴۱۱ هـ.ق، صص ۴۲-۴۷؛ نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ نهم، ۱۳۶۸، صص ۲۷-۳۰.

۲. «استنقاذ» در لغت، به معنای «برهانیدن»، «بیرون کردن از دست کسی» و «برهانیدن کسی را از کسی» آمده است. بنگرید به: «لغت‌نامه دهخدا»، ذیل واژه‌ی «استنقاذ».

اموال در بند (۴) ماده‌ی (۱۴) گفته باید حقوق شخصی حفظ بشود.<sup>۲</sup>

**آقای مؤمن** - دلیلی ندارد که اموال یک فرد مسلمان را به کشور غیرمسلمان تحویل بدهیم و اساساً این کار صحیح نیست.

**آقای مدرسی یزدی** - به نظر من تحویل دادن اموال بهتر است. البته تعریف [اموال در معاهده مشخص است]. رعایت عدم مغایرت با قانون اساسی در موافقتنامه‌های قبلی هم ذکر نمی‌شد، ولی چند سالی است که عدم مغایرت موافقتنامه با قانون اساسی را هم پیش‌بینی می‌کنند.

**آقای مؤمن** - ولی عدم مغایرت با شرع را بیان نکرده‌اند.

**آقای مدرسی یزدی** - یک نظر این است که وقتی در متن معاهده «رعایت قانون اساسی» ذکر شده باشد، شرع را هم در بر می‌گیرد، ولی به نظر می‌رسد این مسئله مشکل را حل نمی‌کند و ایراد خلاف شرع بودن همچنان باقی است.

**آقای مؤمن** - [طبق اصل (۷۲) قانون اساسی] تشخیص خلاف شرع و خلاف قانون اساسی بودن مصوبات مجلس بر عهده‌ی

→

در حوزه صلاحیت خود را بر عهده خواهد گرفت.

۲- طرف متعاقد درخواست‌شونده هزینه‌های دستگیری و بازداشت شخصی که استرداد وی درخواست‌شده یا توقیف و جابه‌جایی اموال در قلمرو خود را بر عهده خواهد داشت.

۳- طرف متعاقد درخواست‌کننده هزینه‌های مربوط به انتقال شخص از قلمرو طرف متعاقد درخواست‌شونده از جمله هزینه‌های عبور را بر عهده خواهد داشت.»

۲. ماده (۱۴) لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان: «ماده ۱۴- انتقال اموال

۱- در صورت انجام درخواست استرداد طبق قوانین طرف متعاقد درخواست‌شونده و با در نظر گرفتن حقوق اشخاص ثالث، تمامی اموال یافت شده در قلمرو طرف متعاقد درخواست‌شونده که از سوی آن شخص در نتیجه ارتکاب جرم کسب شده است یا می‌تواند به‌عنوان ادله مطالبه شود، باید بنا به درخواست به طرف متعاقد درخواست‌کننده انتقال داده شود.

۲- اموال مذکور باید بنا به درخواست طرف متعاقد درخواست‌کننده منتقل شود، حتی اگر استرداد به علت مرگ، اخفا یا فرار شخص مورد درخواست مقدور نگردد.

۳- اگر اموال مذکور در بند (۱) این ماده برای تحقیق پرونده کیفری ضروری باشد، طرف درخواست‌شونده می‌تواند به‌طور موقت تا پایان مراحل پرونده کیفری، انتقال آنها را به تأخیر اندازد.

۴- اگر قوانین طرف متعاقد درخواست‌شونده یا حقوق اشخاص ثالث اقتضا نماید، تمامی اموال منتقل‌شده باید به‌صورت رایگان و به موجب درخواست، به طرف متعاقد درخواست‌شونده مسترد گردد.»

لوايح را بپذیریم، ولی این بدین معنی نیست که یک فرد شیعه را به دولتی تحویل بدهیم که به او ظلم کنند و به نحو باطل او را محاکمه کنند؛ این‌گونه موارد خلاف شرع است، اما در مواردی که مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را مصلحت بداند، [با تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام] ایرادی ندارد.

**آقای علیزاده** - با توجه به بند (۸) ماده‌ی (۳) «چنانچه طرف متعاقد درخواست‌شونده تشخیص دهد که استرداد به حاکمیت، امنیت ملی، نظم عمومی یا اخلاق حسنه آن لطمه می‌زند یا مغایر قانون اساسی آن است، درخواست استرداد را با ذکر دلیل رد خواهد نمود.» آیا ایراد قانون اساسی مرتفع می‌شود؟

**آقای مدرسی یزدی** - بند (۸) ماده‌ی (۳) ایراد خلاف شرع بودن را حل نمی‌کند.

**آقای علیزاده** - اگر موافقید این مصوبه را با فروضی که مطرح شد همانند مصوبات قبلی خلاف شرع اعلام کنیم و همان اشکالات قبلی را وارد بدانیم.

**آقای جتیی** - به نظر من همانند مصوبات قبلی، این مصوبه نیز خلاف شرع است.

**آقای مدرسی یزدی** - اگر رأی کافی دارد، طبق روال قبلی این را از اختیارات مجمع تشخیص مصلحت نظام بدانید.

**آقای مؤمن** - یکی از ایرادات این بود که خلاف شرع است. ایراد دیگر این است که به موجب بند (۳) ماده‌ی (۹) موافقتنامه: «طرف متعاقد درخواست‌شونده پس از دریافت چنین درخواستی باید اقدامات لازم را به‌منظور بازداشت شخص مورد درخواست انجام دهد و بلافاصله طرف درخواست‌کننده را از نتیجه امر مطلع سازد.» به مجردی که برای استرداد، درخواست بازداشت متهم شود، [بدون بررسی اتهام وی] باید اقدام به بازداشت وی نمود. همچنین طبق ماده‌ی (۱۴) «... تمامی اموال یافت‌شده در قلمرو طرف متعاقد درخواست‌شونده که از سوی آن شخص در نتیجه‌ی ارتکاب جرم کسب شده است یا می‌تواند به‌عنوان ادله مطالبه شود، باید بنا به درخواست استرداد به طرف متعاقد درخواست‌کننده انتقال داده شود.»

**آقای مدرسی یزدی** - مورد دیگری هم که قابل تأمل است این است که اگر شخصی به ایران مسترد شد، به جز جریمه‌ی استرداد چیز دیگری قابل مطالبه نیست.<sup>۱</sup> البته در خصوص انتقال

۱. ماده (۱۸) لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و

جمهوری قزاقستان: «ماده ۱۸- هزینه‌ها

۱- طرف متعاقد درخواست‌شونده هزینه‌های مراحل رسیدگی به استرداد

شورای نگهبان است.<sup>۱</sup>

**آقای علیزاده -** مسامحه کردن صحیح نیست. تشخیص خلاف شرع بودن یا نبودن بر عهده قاضی نیست. مثلاً دولت قزاقستان درخواست استرداد فردی را دارد که در آنجا مرتکب زنا یا فرار مالیاتی شده و چنین عملی هم در آنجا جرم محسوب می‌شود. مهم این است که جرم، ارتکاب یافته و قاضی باید به آن رسیدگی کند. وظیفه قاضی این است که بررسی کند مالیات پرداخت شده یا خیر و بررسی اینکه نپرداختن مالیات برای شراب یا چیز دیگری بوده و شرعی بودن یا نبودن آن، بر عهده قاضی نیست.

**آقای مدرسی یزدی -** اصالتاً پرداخت مالیات به نظام و دولت قزاقستان جایز نیست.

**آقای علیزاده -** این اصلی که آیت‌الله یزدی اشاره کردند که چون ما با دنیا تعامل داریم، روابط باید دوطرفه باشد و در خصوص استرداد مجرمان هم باید این استرداد به صورت دوطرفه صورت پذیرد، اصل خوبی است و مبنا دارد. اما اینکه در متن موافقتنامه ذکر شود که در صورتی که بگویند: «چنانچه استرداد به نظم عمومی یا اخلاق حسنه لطمه می‌زند و یا مغایر قانون اساسی یا مغایر شرع باشد، از استرداد امتناع می‌شود»، ایراد مغایرت با شرع یا قانون اساسی برطرف می‌شود؛ خیر، این طور نیست و چنین مصوبه‌ای هم مشکل را حل نمی‌کند؛ چون ایراد شورای نگهبان به شرعی نبودن دستگاه قضایی طرف مقابل است؛ ضمن اینکه قاضی در رسیدگی به پرونده، خلاف شرع بودن یا نبودن را بررسی نمی‌کند.

**آقای مدرسی یزدی -** اگر قاضی تشخیص دهد که خلاف شرع است، باید خلاف شرع بودن را اعلام کند.

**آقای علیزاده -** طبق ماده (۷) موافقتنامه،<sup>۲</sup> ادله‌ی وقوع جرم از

سوی دولت درخواست‌کننده برای دولت درخواست‌شونده فرستاده می‌شود و قاضی با توجه به ادله‌ی موجود و اینکه جرم در آن محدوده واقع شده، رسیدگی می‌کند. قاضی اصلاً به خلاف شرع بودن یا نبودن موضوع نمی‌پردازد.

**آقای مدرسی یزدی -** طبق ماده (۷)، ادله‌ی وقوع جرم برای دولت درخواست‌شونده ارسال می‌شود.

**آقای علیزاده -** بهتر است یک مبنا برای این گونه موارد و این چنین موافقتنامه‌هایی در نظر گرفته شود. مثلاً مبنا این باشد که بر اساس تعاملی که با کشورهای دیگر داریم، حتی اگر آن کشور غیراسلامی باشد، اجازه استرداد را بدهیم. با در نظر گرفتن این مبنا اشکال مغایرت موافقتنامه‌ها با شرع مرتفع می‌شود.

**آقای مؤمن -** با فرض اینکه بپذیریم استرداد مشکلی ندارد، آیا ایراد دیگری به موافقتنامه وارد نیست؟ مثلاً محاکمه از سوی دولت غیراسلامی ایرادی ندارد؟ مقررات بازداشت برای استرداد هم اشکال دارد؛ چون بند (۳) ماده (۹)<sup>۳</sup> تصریح کرده که اگر

→

طریق مجاری دیپلماتیک ارتباط برقرار نمایند.

۲- درخواست استرداد باید شامل اطلاعات زیر باشد:

الف- اطلاعات معرف شخص و در صورت امکان، تابعیت و مکان شخص مورد درخواست؛ ب- شرح وقایع پرونده؛ پ- متن قانونی که بر اساس آن، عمل انجام شده جرم محسوب می‌گردد و مجازات ارتکاب جرم را تعیین نموده است؛ ت- متن قانونی مربوط به محدودیت مهلت تعقیب یا اجرای مجازات ارتکاب جرم؛ ث- نسخه‌های احکام جلب و بازداشت صادره از جانب قاضی یا سایر مراجع ذیصلاح طرف متعاقد درخواست‌کننده؛ ج- اطلاعات مبنی بر اینکه شخص مورد درخواست شخصی است که حکم جلب یا بازداشت مربوط به او است؛ چ- حقایق اثبات‌کننده وجود علل متشکله جرم و مدارکی که نشان‌دهنده ارتکاب جرم از سوی شخصی است که استرداد وی درخواست شده است.

۳- در صورتی که درخواست استرداد مربوط به یک محکوم باشد، درخواست باید شامل موارد زیر باشد:

الف- نسخه‌ای از حکم صادره توسط دادگاه طرف متعاقد درخواست‌کننده؛ ب- اطلاعات مبنی بر اینکه شخص مورد درخواست همان شخصی است که محکوم شناخته شده است؛ پ- سند لازم‌الاجرا بودن مجازات. ۴- طرف متعاقد درخواست‌کننده باید کلیه اسناد را طبق مفاد این معاهده تأیید و ارائه و از جمله به زبان طرف متعاقد درخواست‌شونده یا به زبان انگلیسی ترجمه نماید.

۵- از نظر این معاهده، سند زمانی تأیید شده محسوب می‌گردد که از جانب قاضی یا مأمور صالح دیگری از سوی طرف متعاقد درخواست‌کننده امضاء یا تأیید شده باشد و رسماً از سوی مرجع مرکزی طرف متعاقد درخواست‌کننده مهر شده باشد.

۳. بند (۳) ماده (۹) لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان: «۳- طرف متعاقد درخواست‌شونده پس از

←

۱. اصل هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.»

۲. ماده (۷) لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان: «ماده ۷- تشریفات استرداد و اسناد لازم

۱- ارتباط بین طرف‌ها در مورد استرداد از طریق نهادهای مرکزی آنها صورت خواهد گرفت. نهادهای مرکزی مندرج در بند (۱) این ماده عبارتند از: قوه قضائیه برای جمهوری اسلامی ایران و دادستانی کل برای جمهوری قزاقستان. در صورت تغییر در عنوان‌های نهادهای مرکزی، طرف‌های متعاقد بلافاصله مراتب را از طریق مجاری دیپلماتیک به هم اطلاع خواهند داد. از نظر این معاهده، نهادهای مرکزی طرف‌ها می‌توانند مستقیماً یا از

←

**آقای مدرس‌یزدی** - مشکل در خصوص استرداد نیست، مسئله این است که تعیین تکلیف این موضوع و مصلحت‌سنجی از اختیارات شورای نگهبان نیست.

**آقای مؤمن** - تکلیف آیه‌ی آخر سوره ممتحنه چه می‌شود؟<sup>۳</sup>

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - یکی از اختیارات و شئون نظام جمهوری اسلامی این است که بتواند با سایر کشورها تعامل داشته باشد و با آنها قرارداد ببندد.

**آقای یزدی** - اگر معاهده بین دو حکومت شرعی باشد، باید قوانین طرف مقابل را هم پذیرفت، مگر اینکه اصل معاهده غیرشرعی باشد. اما این سؤال همچنان باقی است که نفس برقراری ارتباط با سایر دولت‌ها شرعی است یا خیر؟ چون به هرحال این ارتباطات در دنیا وجود دارد.<sup>۴</sup>

فردی از سوی طرف درخواست‌کننده متهم شناخته شود، باید بلافاصله از سوی طرف درخواست‌شونده بازداشت و زندانی شود.

**آقای مدرس‌یزدی** - بله، ایراد دیگری هم که وارد است به ماده (۱۵) مربوط می‌شود که می‌گوید در صورت تحقق استرداد، بقیه‌ی جرایم قابل رسیدگی و محاکمه نیست.<sup>۱</sup>

**آقای علیزاده** - پس این‌طور می‌نویسیم: همان‌گونه که در موافقتنامه‌های مشابه دیگر اظهار نظر شده این لایحه نیز از این جهت که اطلاق بسیاری از مواد آن، اعمال مقررات غیر منطبق با موازین شرعی دولت طرف متعاقد را لازم‌الاجرا دانسته و نیز مواد متعددی مستلزم تأیید صحت قوانین و صحت آیین دادرسی و نیز ارجاع کارهای قضایی به دادگاه کشور طرف متعاقد می‌باشد که خود موجب اثر دادن بر احکامی است که آن دادگاه‌ها، ولو بر خلاف ضوابط اسلامی صادر می‌کنند، خلاف موازین شرع است.

**آقای هاشمی‌شاهرودی** - این لوایح شبیه معاهده‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با کفار قریش است<sup>۲</sup> که از نظر ظاهری علیه اسلام و به نفع کفار بود. طی آن معاهده مقرر شده بود: هرگاه فردی از مکه از میان قریش بگریزد و به مسلمانان پناه آورد، پیامبر باید او را به قریش بازگرداند، ولی اگر یکی از مسلمانان به سوی قریش گریخت، قریش موظف به بازگرداندن او نیست. چون پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با کفار قریش قرارداد بسته بود، مسلمانی را که از مکه به مدینه می‌آمد، به قریشی که مسلمانان را شکنجه می‌کرد، برمی‌گرداند.

→

دریافت چنین درخواستی باید اقدامات لازم را به منظور بازداشت شخص مورد درخواست انجام دهد و بلافاصله طرف درخواست‌کننده را از نتیجه امر مطلع سازد.»

۱. ماده (۱۵) لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان: «ماده ۱۵- قاعده اختصاصی بودن

۱- شخصی که طبق این معاهده مسترد می‌شود، نباید از سوی طرف درخواست‌کننده جز برای موارد زیر بازداشت، تعقیب یا مجازات شود:  
الف- جرمی که بر اساس آن استرداد شخص صورت گرفته است یا جرمی که دارای عنوان دیگری بر اساس همان واقعیاتی است که استرداد بر مبنای آن صورت گرفته است.

ب- جرمی که بعد از استرداد شخص ارتکاب یافته است؛ یا  
پ- جرمی که طرف متعاقد درخواست‌شونده با بازداشت، تعقیب یا مجازات شخص استردادشده موافقت می‌نماید.

۲- ....

۲. اشاره به صلح حدیبیه دارد.

۳. سوره‌ی ممتحنه، آیه ۱۳: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ: أَي كَسَانِي كَه اِيْمَانِ اُورده‌اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید، آنان از آخرت مأیوسند، همان‌گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می‌باشند!»

۴. شورای نگهبان در مهلت‌های قانونی مقرر در اصول (۹۴) و (۹۵) قانون اساسی، نسبت به این مصوبه هیچ‌گونه نظری ارائه نکرد. بر این اساس، با توجه به حکم مقرر در ذیل اصل (۹۴) قانون اساسی مبنی بر قابل اجرا شناخته‌شدن این‌گونه مصوبات، رئیس مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ی شماره ۱۰۹/۱۰۷۳۲ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۵ این مصوبه را در راستای اجرای اصل (۱۲۳) قانون اساسی به رئیس جمهور ابلاغ کرد.

## طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

**منشی جلسه-** دستور سوم جلسه‌ی امروز بررسی «طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی»<sup>۱</sup> است. «ماده ۱- در ماده (۴۲) قانون<sup>۲</sup> بعد از عبارت «تعداد اعضای کمیسیون‌های تخصصی» به جای عبارت «و نیز نفرات عضو با رعایت مواد این آیین‌نامه و رأی اکثریت نسبی اعضای جلسه مشترک هیئت رئیسه و رؤسای شعب تعیین می‌شود»، عبارت «حداقل نوزده و حداکثر بیست و سه نفر می‌باشد. اعضای کمیسیون‌های تخصصی بر اساس تخصص (مدرک تحصیلی)، سوابق اجرایی و سابقه عضویت در کمیسیون مورد درخواست، امتیازبندی و توسط اعضای جلسه مشترک هیئت رئیسه و رؤسای شعب تعیین می‌شوند» جایگزین می‌شود.»

**آقای مؤمن -** خب آقای عزیزاده، [به نظر شما] این ماده ایرادی دارد؟

**آقای عزیزاده -** خیر، این ماده اشکالی ندارد.

۱. طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۲۶/۳۹۱۶ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۲/۴ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. این مصوبه، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۳/۸ مجلس، در مرحله‌ی دوم رسیدگی مجدداً در دستور بررسی شورای نگهبان قرار گرفت که در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. ماده (۴۲) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۲- مجلس دارای کمیسیون‌های خاص شامل کمیسیون‌های مشترک، ویژه، تلفیقی، تحقیق، تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس، اصل نودم (۹۰) قانون اساسی، و کمیسیون‌های تخصصی با محدوده وظایف مشخص به شرح مواد این آیین‌نامه خواهد بود. تعداد اعضای کمیسیون تحقیق و کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس، هر کدام پانزده نفر و اعضای ثابت کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی و تعداد اعضای کمیسیون‌های تخصصی و نیز نفرات عضو با رعایت مواد این آیین‌نامه و رأی اکثریت نسبی اعضای جلسه مشترک هیئت رئیسه و رؤسای شعب تعیین می‌شود و تعداد اعضای کمیسیون‌های مشترک، ویژه و تلفیق طبق مواد این آیین‌نامه تعیین می‌شوند.»

**آقای مؤمن -** خب، پس به این ماده ایرادی نداریم.

**آقای عزیزاده -** نه، ایرادی نداریم.

**آقای مؤمن -** خب، الحمدلله.

**آقای عزیزاده -** این ماده اشکال ندارد. ماده‌ی بعدی را بررسی کنیم.

**منشی جلسه-** «ماده ۲- در ماده (۵۰) قانون،<sup>۳</sup> عنوان «کمیسیون آموزش و تحقیقات» به «کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری» تغییر می‌یابد.»

**آقای عزیزاده -** این ماده هم اشکالی ندارد.

**منشی جلسه-** «ماده ۳- در تبصره (۱) ماده (۷۳) قانون،<sup>۴</sup> قبل از کلمه «معاونین» عبارت «بعضی از اعضای هیئت رئیسه»، اضافه می‌شود.»

**آقای عزیزاده -** اینجا چه شده است؟ ماده (۷۳) چه تغییری کرده است؟

**آقای یزدی -** یک کلمه به آن اضافه شده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ماده (۷۳) را اعم کرده‌اند.

**آقای یزدی -** ماده (۳) گفته است: عبارت «بعضی از اعضای هیئت رئیسه»، اضافه می‌شود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** یعنی گفته اگر فردی که به او تفویض اختیار می‌شود فقط عضو هیئت رئیسه باشد، کافی است و لازم نیست جزء معاونین رئیس هم باشد.

**آقای مؤمن -** نه، سیمت معاونین خودش وجود دارد. ماده (۳) گفته است: «قبل از کلمه «معاونین» عبارت «بعضی از اعضای هیئت رئیسه» اضافه می‌شود.»

**آقای عزیزاده -** تغییر در تبصره (۱) ماده (۷۳) است. تبصره (۱) این‌طور بوده است: «رئیس مجلس می‌تواند بخشی از وظایف و اختیارات خود را به معاونین قوانین، نظارت و اجرایی یا مسئولین

۳. ماده (۵۰) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۰- کمیسیون آموزش و تحقیقات برای انجام وظایف محوله در محدوده آموزش و پرورش عمومی، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی، تحقیقات و فناوری، مطابق ضوابط این آیین‌نامه تشکیل می‌شود.»

۴. ماده (۷۳) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷۳- مسئولیت و اختیار کلیه امور اجرایی مجلس اعم از تشکیلاتی، مالی، معاملاتی، اداری، استخدامی، حقوقی، فنی، پشتیبانی، ارتباطات داخلی و بین‌المللی، حفاظت، حراست و نظایر آن به عهده رئیس مجلس شورای اسلامی است.»

تبصره ۱- رئیس مجلس می‌تواند بخشی از وظایف و اختیارات خود را به معاونین قوانین، نظارت و اجرایی یا مسئولین ذی‌ربط تفویض نماید. تبصره ۲- ...»

حق مأموریت و اضافه‌کار این مأموران طبق قوانین و مقررات مربوطه، بر عهده دستگاه مأمورکننده می‌باشد و میزان اضافه‌کار تا سقف مصوب اداره مربوطه و مأموریت ماهیانه و مرخصی استفاده شده توسط رئیس دفتر نماینده به دستگاه ذی‌ربط اعلام می‌شود. افزایش کلیه حقوق قانونی این مأموران از جمله ارتقا، افزایش حقوق سنواتی، افزایش گروه و رتبه و سایر موارد مشابه در دوران مأموریت این افراد، همانند سایر کارکنان دستگاه ذی‌ربط می‌باشد.

پس از اعلام پایان مأموریت، دستگاه ذی‌ربط موظف است این افراد را حداقل در پست سازمانی قبل از مأموریت و یا پست هم‌تراز به کار گیرد. این مصوبه نافی تبصره (۳) ماده (۲) قانون استخدامی کارکنان مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۲/۸/۲۳ مجلس شورای اسلامی<sup>۴</sup> نمی‌باشد.

**آقای هاشمی شاهرودی - آقایان [کارشناسان مجمع مشورتی حقوقی شورا]** به این ماده اشکال وارد کرده‌اند.<sup>۵</sup>

۴. ماده (۲) قانون استخدامی کارکنان مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۲/۸/۲۳: «ماده ۲- کارکنان مجلس عبارتند از:

الف- مستخدمین رسمی که برای تصدی یکی از پست‌های ثابت سازمانی استخدام شده یا می‌شوند.

ب- مستخدمین پیمانی که برای مدت معین و کار مشخص به استخدام درمی‌آیند.

ج- کارکنان قراردادی و خرید خدمت که فقط برای مشاغل فنی و تخصصی به کار گرفته می‌شوند.

د- متصدیان مشاغل کارگری که مشمول قانون کار خواهند بود.

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- ...

تبصره ۳- محافظین نمایندگان تا زمانی که به عنوان محافظ از طرف نماینده مورد تأیید باشند جزء مستخدمین قراردادی مجلس محسوب می‌گردند. در صورتی که این‌گونه افراد در وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به استخدام رسمی یا ثابت درآمده یا درآیند، این مدت با رعایت مقررات مربوط صرفاً از نظر بازنشستگی جزو سنوات خدمت دولتی آنان منظور و محسوب خواهد شد.

۵. اظهار نظر کارشناسی شماره ۹۲۰۲۰۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۲/۳ مرکز تحقیقات شورای نگهبان، صص ۴-۵: «۱- با توجه به افزایش هزینه عمومی در مواردی که دستگاه‌های اجرایی مأمورکننده، ملزم به استخدام جدید برای جایگزین کردن خدمات مأمورین موضوع این تبصره می‌شوند و نیز کاهش درآمد عمومی در فرضی که مأمورکردن کارکنان موضوع تبصره باعث کاهش تولید و درآمد، به‌ویژه در شرکت‌های دولتی می‌شود، و عدم پیش‌بینی طریق جبران آن، تبصره ماده (۵) مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

۲- ایجاد چنین اختیاری برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی که بتوانند در هر دوره مجلس تا پنج نفر از کارکنان یا کارشناسان دستگاه‌های اجرایی را در خدمت بگیرند، مغایر با بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی مبنی بر «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور» است.» (www.shora-rc.ir)

ذی‌ربط تفویض نماید.» ماده (۳) گفته رئیس مجلس می‌تواند بخشی از وظایف خود را به اعضای هیئت رئیسه هم تفویض کند. خیلی خوب، ایرادی ندارد.

**منشی جلسه - «ماده ۴- در بند (۲) ماده (۷۴) قانون، عبارت «نظارت بر» حذف و عبارت «نظارت و اتخاذ تصمیم لازم در خصوص» جایگزین می‌شود.»**

**آقای علیزاده - بند (۲) ماده (۷۴) این بوده است: «۲- نظارت بر عملکرد کلیه واحدهای ساختار تشکیلات اداری مجلس، نحوه اجرای مصوبات هیئت رئیسه و کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی در خصوص تبصره (۲) ماده (۷۳)». بله، این مربوط به امور داخلی مجلس است و ایرادی هم ندارد. ماده‌ی بعدی را بخوانیم.**

**آقای سلیمی - بله، به این موضوع کاری نداریم.**

**منشی جلسه - «ماده ۵- تبصره زیر به ماده (۷۶) قانون الحاق می‌شود: تبصره - در هر دوره مجلس، نمایندگان می‌توانند حداکثر پنج نفر از کارکنان یا کارشناسان دستگاه‌های مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری<sup>۳</sup> را برای به‌کارگیری در دفتر ارتباطات مردمی جهت امور مشاوره‌ای، اداری و خدماتی از دستگاه ذی‌ربط درخواست نمایند. در این صورت دستگاه موظف است شخص یا اشخاص مزبور را به دفتر ارتباطات مردمی نماینده، مأمور کند. حقوق، مزایا،**

۱. ماده (۷۴) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷۴- وظایف ناظران عبارتند از:

۱- تنظیم برنامه‌ها و سیاست‌های مالی، استخدامی، خدماتی، تبلیغی و انتظامات مجلس و ارائه آن به رئیس مجلس جهت طی مراحل بعدی

۲- نظارت بر عملکرد کلیه واحدهای ساختار تشکیلات اداری مجلس، نحوه اجرای مصوبات هیئت رئیسه و کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی در خصوص تبصره (۲) ماده (۷۳)

۳- ...»

۲. ماده (۷۶) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس: «ماده ۷۶- در راستای ایفای هر چه بهتر وظیفه نمایندگی، همچنین حفظ شأن و منزلت مجلس و جایگاه حقیقی نمایندگان، هیئت رئیسه می‌تواند به منظور برقراری ارتباط مؤثر (دیداری، شنیداری، مکتوب) نمایندگان با موکلان و نمایندگان دستگاه‌های اجرایی و نهادهای رسمی و غیررسمی در مرکز و حوزه انتخابیه با اختصاص فضای فیزیکی مناسب (دفاتر کار و ملاقات عمومی) هرگونه امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز را در شأن نظام جمهوری اسلامی فراهم نماید. اعتبارات مورد نیاز در بودجه سالانه مجلس پیش‌بینی می‌شود.»

۳. ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸: «ماده ۵- دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند.»

**آقای مدرسی یزدی** - در آنجا که مشخص نبود [نیروهای مورد نیاز نمایندگان] چند نفرند.

**آقای علیزاده** - وقتی مشخص نبوده، تا صد و بیست نفر را هم در بر می‌گیرد.

**آقای مدرسی یزدی** - آنجا که مشخص نبود، تعداد نداشت.

**آقای اسماعیلی** - نه، اگر این جوری بود که تعداد را اینجا تعیین می‌کردند.

**آقای مؤمن** - نه، آنجا خود مجلس هزینه‌هایشان را می‌داد. آقا، اجازه بدهید. این مصوبه می‌گوید این افرادی که به مجلس می‌آیند، برای کمک به مجلس می‌آیند، حقوقشان را چه کسی می‌دهد؟

**آقای علیزاده** - مجلس می‌دهد.

**آقای مؤمن** - نه، مجلس نمی‌دهد.

**آقای علیزاده** - چرا نمی‌دهد؟! الآن دولت می‌دهد. [با این مصوبه، بعد از این هم] دولت می‌دهد.

**آقای مؤمن** - دولت می‌دهد! اگر در قانون گفته شده باشد «مجلس»، مجلس هزینه‌ها را می‌دهد [نه دولت]. آن وقت نتیجه چه می‌شود؟

**آقای علیزاده** - باید در بودجه‌اش پیش‌بینی می‌کرد.

**آقای مؤمن** - شما اجازه بفرمایید. وقتی که طبق این مصوبه، دولت باید حقوق این کارمندان دفاتر نمایندگان را بدهد، و از طرفی وقتی که جای آنها [در ادارات دولتی] خالی می‌شود، آن ادارات ناچارند [نیروی جایگزین] استخدام کنند [و برای آنها هم حقوق پرداخت کنند]؛ بنابراین از این جهت، تحمیل بودجه بر دولت است دیگر.

**آقای اسماعیلی** - بله، [اداره‌هایی که کارمندان خود را مأمور به خدمت در دفاتر نمایندگان کرده‌اند] باید بروند نیرو استخدام کنند.

**آقای علیزاده** - به نظر من همه‌اش این‌طوری نیست.

**آقای مؤمن** - تعداد افرادی که بایستی مأمور شوند حدود هزار و چهارصد نفر است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - خب، دو نفر از اینها هم این‌طور باشد کافی است تا بگوییم تحمیل هزینه بر دولت است.

**آقای مؤمن** - بله.

**آقای علیزاده** - نه، به حرف بنده گوش بدهید. وقتی در ماده (۷۶) که قبلاً به تصویب رسیده، گفته مجلس باید بار مالی اجرای این کار را پیش‌بینی کند، عملاً بار مالی برای دولت به‌وجود نیامده است؛ چون وقتی بر اساس این تبصره، این

**آقای مدرسی یزدی** - خیلی به آن اشکال وارد کرده بودند. در اینجا [شورای نگهبان] دوازده نفر عضو شورا، بدون منشی کار می‌کنند، حالا در مجلس می‌خواهند برای هر نفر نماینده، پنج نفر به‌کارگیری کنند!

**آقای علیزاده** - ماده (۷۶) را بخوانیم ببینیم اصلاحیه‌ی فعلی ایراد دارد یا ندارد. «ماده ۷۶- در راستای ایفای هرچه بهتر وظیفه نمایندگی، همچنین حفظ شأن و منزلت مجلس و جایگاه حقیقی نمایندگان، هیئت رئیسه می‌تواند به منظور برقراری ارتباط مؤثر (دیداری، شنیداری، مکتوب) نمایندگان با موکلان و نمایندگان دستگاه‌های اجرایی و نهادهای رسمی و غیر رسمی در مرکز و حوزه انتخابیه با اختصاص فضای فیزیکی مناسب (دفاتر کار و ملاقات عمومی)، هرگونه امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز را در شأن نظام جمهوری اسلامی فراهم نماید. اعتبارات مورد نیاز، در بودجه سالانه مجلس پیش‌بینی می‌شود.»

**آقای یزدی** - منظور همین تهیه‌ی دفتر برای نمایندگان مجلس است.

**آقای علیزاده** - توجیه [نمایندگان مجلس] در این طرح، این است که می‌گویند مجلس به جای اینکه بیاورد این کارکنان را استخدام کند، از دستگاه‌های دیگر به مجلس مأمور شوند که دیگر لازم نباشد مجلس کسی را استخدام کند؛ چون ممکن است نماینده‌های بعدی این افراد را قبول نکنند و استخدام آنها باعث می‌شود روی دوش دولت و مجلس بمانند. حرف نمایندگان این است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - مأمور به خدمت بشوند.

**آقای علیزاده** - بله، مأمور به خدمت بشوند.

**آقای مؤمن** - اجازه بفرمایید. من اینجا اشکالی که به نظر می‌آید این است که: چون در پایان همین ماده آمده است که حقوق و مزایای این تعداد افراد- که زیاد هم هستند- را باید آن ادارات بدهند، آن وقت نتیجه این می‌شود که آن ادارات، هم باید حقوق و مزایای اینها را بدهند و هم وقتی عده‌ای از کارکنان آن ادارات برای این موارد به مجلس آمدند، ناچار باید به جای آنها افرادی را استخدام کنند، این ماده بار مالی دارد.

**آقای علیزاده** - بار مالی ندارد.

**آقای مؤمن** - چرا؟

**آقای علیزاده** - چرا بار مالی ندارد؛ چون ماده (۷۶) سابق می‌گوید که [هزینه‌ی تهیه‌ی امکانات مورد نیاز نمایندگان] باید در بودجه‌ی مجلس پیش‌بینی بشود. بنابراین با این مصوبه، دیگر لازم نیست آن هزینه‌ها و امکانات انجام شود.

**آقای رهپیک -** بله، بار مالی ندارد.

**آقای مؤمن -** نه آقای علیزاده، باز شما می‌فرمایید بار مالی ندارد! خب، حقوق این افرادی که به مجلس آمده‌اند را اداراتشان باید بدهند.

**آقای رهپیک -** ملازمه ندارد.

**آقای مؤمن -** توجه بفرمایید. اگر پانصد نفر از این کارمندان به مجلس آمدند و به جای آنها نیروی جدید استخدام شد، این یقیناً برای دولت بار مالی دارد.

**آقای اسماعیلی -** اگر در دستگاه‌های مأمورکننده به جای همه‌ی این کارمندان مأمور شده به مجلس هم استخدام صورت نگیرد، ممکن است به جای بعضی‌هایشان افرادی استخدام شوند.

**آقای مؤمن -** بله.

**آقای علیزاده -** خب، استخدام بشود.

**آقای مؤمن -** خب، این استخدام کارمند جدید، یعنی بار مالی برای دولت.

**آقای اسماعیلی -** پس بار مالی دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** فرض کنید مثلاً پنج تا از کارکنان اینجا [شورای نگهبان] را مجلس بگیرد؛ خب طبیعتاً ما به جای آنها افراد دیگری را می‌آوریم.

**آقای اسماعیلی -** حاج آقا، این هزار و چهارصد و پنجاه نفر را می‌گیرند و دستگاه‌ها مجبورند به جای آنها نیرو استخدام کنند.

**آقای علیزاده -** نه، وقتی قبلاً در ماده (۷۶) تصویب شده که نمایندگان مجلس دفتر و نیرو و امکانات داشته باشند، الآن هم با این مصوبه، همان دفتر و نیرو و امکانات را گفته است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** مگر همه‌ی ادارات، کارمند بیکار دارند که آنها را مأمور به خدمت کنند؟! خب، هر کارمندی مشغول یک کاری است دیگر.

**آقای علیزاده -** من می‌گویم که الآن مجلس [مطابق ماده (۷۶) قانون] باید مخارج اینها را در بودجه‌اش پیش‌بینی کند.

**آقای مؤمن -** نخیر.

**آقای علیزاده -** چرا دیگر.

**آقای مؤمن -** [مطابق ماده (۷۶)] خود مجلس باید حقوق و امکانات را می‌داد.

**آقای مدرسی یزدی -** سرجمع فرقی نمی‌کند.

**آقای علیزاده -** سرجمع فرقی نمی‌کند.

**آقای مؤمن -** فرق می‌کند؛ فرقش این است که با این تبصره، دولت باید افرادی را استخدام کند.

نیروها به صورت مأمور تأمین شدند، در مقابل، آنجا [به استناد ماده (۷۶)] دیگر نمی‌شود هزینه و نیرویی پیش‌بینی کرد.

**آقای مؤمن -** نه، این تبصره‌ی الحاقی، در مقابل ماده (۷۶) است. اینجا عکس آن ماده است.

**آقای علیزاده -** ماده (۷۶) را ببینید.

**آقای مؤمن -** آقای علیزاده، ایراد من نسبت به آن لوازم اضافی نیست؛ نسبت به خود حقوقی است که این کارمندان می‌گیرند. این حقوق را چه کسی باید بدهد؟

**آقای علیزاده -** تبصره‌ی الحاقی می‌گوید برای کارکنان مأمور به مجلس همه‌ی امکانات را فراهم کنید.

**آقای مؤمن -** امکانات غیر از حقوق است.

**آقای علیزاده -** نه.

**آقای مؤمن -** ببینید آقا. چرا دیگر [همین‌طور است].

**آقای یزدی -** آنچه به کارمند مأمور شده به اشتغال در اداره‌ی دیگر هم می‌دهند، همان دستمزدی است که در اداره‌ی خود می‌گرفت.

**آقای مؤمن -** بله، آن وقت نتیجه چه می‌شود؟ نتیجه این می‌شود که ...

**آقای علیزاده -** اشکال ندارد؛ این مصوبه، بار مالی ندارد. فقط تنها چیزی که در این ماده به نظر من ایراد دارد این است که دستگاه‌ها را موظف کرده هر کسی را که نمایندگان بخواهند، به آنها بدهند.

**آقای رهپیک -** بله.

**آقای علیزاده -** این ممکن است موجب اختلال در امور دستگاه‌ها بشود. از این جهت اشکال دارد. از جهت بار مالی، اشکالی ندارد. تنها اشکال همین است دیگر که الآن می‌آیند به فلان دستگاه اداری می‌گویند فلان کس را به ما بده؛ آن دستگاه هم حتماً باید کارمندش را به مجلس بدهد.

**آقای مدرسی یزدی -** حکم این مصوبه، باعث تداخل قوا هم می‌شود.

**آقای علیزاده -** بله، این اشکال پیدا می‌کند. اگر طوری باشد که ادارات هم موافق [انتقال کارکنان خود] باشند و ملزم به این کار نباشند، اشکالی ندارد؛ اما الزام آنها اشکال دارد.

**آقای یزدی -** در این مصوبه، عبارت «می‌توانند» به کار رفته است.

**آقای علیزاده -** نه، تبصره‌ی الحاقی گفته: «دستگاه موظف است».

**آقای رهپیک -** بله، در این مصوبه دستگاه‌ها موظف شده‌اند.

**آقای علیزاده -** می‌گویند قید «موظف است» اشکال دارد و گرنه بار مالی ندارد.

نمایندگان اصلاً می‌توانند نیرو استخدام کنند؛ هر مقام موضوع ماده (۵) می‌تواند تا ده تا مشاور داشته باشد. الآن حاج آقای جنتی، شماها، ماها همه می‌توانیم تا ده تا مشاور داشته باشیم. در ماده (۵) این موضوع آمده که این ماده، شامل نمایندگان مجلس هم می‌شود.

**آقای مدرسی یزدی -** ماده (۵) کدام قانون؟

**آقای علیزاده -** قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت این را گفته است.<sup>۲</sup>

**آقای مدرسی یزدی -** کجا نوشته؟

**آقای اسماعیلی -** بله، این معلوم است.

**آقای مؤمن -** آنکه از این قسم نیست آخر.

**آقای علیزاده -** چرا، هست.

**آقای مؤمن -** این مصوبه می‌گوید مجلس کارکنان ادارات را بیاورد و به آنها پول هم ندهد.

**آقای اسماعیلی -** خب، نمایندگان مجلس بروند نیروی مورد نیازشان را طبق آن ماده بگیرند.

**آقای علیزاده -** طبق آن ماده بگیرند که دیگر این مصوبه، بار مالی ندارد.

**آقای مؤمن -** چرا دیگر؛ بر اساس این مصوبه، اداره‌های دولتی مجبورند بروند استخدام اضافی بکنند.

**آقای اسماعیلی -** نه، اصلاً اگر ماده‌ای وجود دارد، بروند تا ده تا بگیرند؛ پس چرا در این مصوبه گفته‌اند تا پنج تا نیرو بگیرند؟

**آقای علیزاده -** آقا، آن قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت را بیاورید.

**آقای سلیمی -** بسم الله الرحمن الرحیم ببینید آقا، شما می‌خواهید بگویید این مصوبه بار مالی مستقیم و بالفعل دارد، ولی به نظر من ندارد.

**آقای علیزاده -** بله، ندارد.

**آقای سلیمی -** برای این بار مالی ندارد که اگر آن نهادهای دولتی یا ادارات دولتی که کارمندان خود را مأمور می‌کنند، برای جذب نیرو، مجوز استخدام و بودجه دارند، می‌توانند نیرو جذب کنند. این موضوع هیچ ارتباطی به مأمورکردن اینها به مجلس ندارد، اما اگر چنانچه مجوز ندارند و به آنها اجازه داده نشده و بودجه هم برایشان در نظر نگرفته‌اند و با این وجود، بخواهند نیروی جایگزین اینها استخدام کنند، نمی‌توانند استخدام کنند. پس اینکه

۲. منظور بند (ه) ماده (۲۹) و ماده (۷۱) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ است که در پاورقی پیشین به آن اشاره شد.

**آقای علیزاده -** شما همه‌ی این مواد را با هم ببینید.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، این طور نیست؛ بودجه‌ای که به مجلس برای اجرای ماده (۷۶) داده‌اند را که بعداً بر نمی‌دارند به این دستگاه‌ها بدهند. الان بودجه [اجرای ماده (۷۶)] را به مجلس داده‌اند و تمام شده است.

**آقای علیزاده -** ببینید، در قانون نظام هماهنگ پیش‌بینی شده که افراد مشمول ماده (۵) می‌توانند تا ده مشاور داشته باشند. قانون این را گفته است.<sup>۱</sup> نمایندگان مجلس هم مشمول ماده (۵) هستند. ما باید ایرادی بگیریم که فردا قابل دفاع باشد. اما این که مصوبه دارد الزام می‌کند که آن دستگاه حتماً باید همین فردی که نماینده‌ی مجلس می‌خواهد را به او بدهد، ممکن است موجب مختل شدن کار آن دستگاه بشود. بله، این اشکال دارد. به نظر من این الزام اشکال دارد.

**آقای مؤمن -** و آن دستگاه‌ها هم مجبورند کارکنان جدیدی را به جای کارمندان مأمور شده به مجلس، استخدام کنند.

**آقای علیزاده -** ایراد بار مالی ندارد.

**آقای مؤمن -** چرا، دارد.

**آقای علیزاده -** در مورد بار مالی، در قانون نظام هماهنگ [قانون مدیریت خدمات کشوری] گفته شده که مقامات کشور، از جمله

۱. منظور بند (ه) ماده (۲۹) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ است که ناظر به ماده (۷۱) همان قانون بوده و به شرح زیر می‌باشد: «ماده ۲۹- دستگاه‌های اجرایی مکلفند سازماندهی، طراحی و تنظیم تشکیلات خود را متناسب با ویژگی‌های مربوط در چهارچوب الگوها، ضوابط و شاخص‌هایی که سازمان، تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد با رعایت موارد ذیل انجام دهند:  
الف- ...

ه- تعداد پست‌های مشاور برای مقامات اجرایی مذکور در بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۷۱) حداکثر (۱۰) و برای سایر مقامات اجرایی مذکور در این ماده حداکثر (۴) و برای رؤسای مؤسسات دولتی با گستره کشوری حداکثر (۳) پست در سقف پست‌های مصوب تعیین می‌گردد.»  
ماده (۷۱) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸: «ماده ۷۱- سِمَت‌های ذیل مدیریت سیاسی محسوب شده و به عنوان مقام شناخته می‌شوند و امتیاز شغلی مقامات مذکور در این ماده به شرح زیر تعیین می‌گردد:

الف- رؤسای سه قوه (۱۸۰۰۰) امتیاز

ب- معاون اول رئیس جمهور، نواب رئیس مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای نگهبان (۱۷۰۰۰) امتیاز

ج- وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و معاونین رئیس جمهور (۱۶۰۰۰) امتیاز

د- استانداران و سفرا (۱۵۰۰۰) امتیاز

ه- معاونین وزرا (۱۴۰۰۰) امتیاز.»

است که یک نیرو را از دست بدهد، بعد بگوید خب من دیگر جای او نیروی جدید نمی‌گیرم؟ بلکه به جایش دو تا نیرو می‌گیرد. همه‌ی دستگاه‌ها دنبال این هستند که نیروی بیشتری داشته باشند. بودجه‌اش هم که تأمین بشود، می‌آید روی دوش دولت؛ از جای دیگر که نمی‌آید. حالا غیر از آن، عرض من این است که واقعاً تصویب این جور قوانین چه ضرورتی دارد. یک نماینده‌ی مجلس چه نیازی دارد که پنج تا مشاور داشته باشد؟ آن وقت آیا اینها که می‌خواهند برای خود مشاور بگیرند، یعنی می‌روند یک کارمند ساده را بگیرند؟

**آقای مدرس‌یزدی -** خب، معلوم است احتیاج دارند.

**آقای اسماعیلی -** احتیاج دارند؟!

**آقای مؤمن -** نه، احتیاج ندارند.

**آقای علیزاده -** در این مصوبه، گفته نشده که [لزوماً] «احتیاج» داشته باشند.

**آقای اسماعیلی -** بله، به نظر من این جور مصوبات با همان نظام اداری صحیح [بند (۱۰) اصل ۳ قانون اساسی] و علاوه بر این با سیاست‌های کلی نظام مغایر است. همان طور که آقای مدرس‌یزدی فرمودند - حالا ایشان با خنده فرمودند، اما این واقعیت است دیگر - ما دوازده نفریم، ولی اینجا یک نفر منشی دارد کار همه‌ی ما را انجام می‌دهد. اگر جای دیگر بود این کار را می‌کردند؟ به نظر من باید جلوی این جور قوانین را بگیریم. فساد اداری و مالی از همین جاها درست می‌شود.

**آقای جنتی -** آقای دکتر ره‌پیک، شما بفرمایید.

**آقای ره‌پیک -** به نظر بنده هم این مصوبه بار مالی مشخصی ندارد. برای اینکه مأمور دولت، یک حقوق می‌گیرد؛ چه اینجا در اداره‌ی خودش، مشغول به کار باشد، چه آنجا در مجلس، مأمور به خدمت باشد. اضافه‌کار و اینها هم یکی است. البته احتمال اینکه آن دستگاهی که کارمندش را مأمور به خدمت در مجلس کرده، برود نیروی جایگزین استخدام کند وجود دارد، اما این ملازمه‌ی قطعی ندارد با اینکه بگوییم قطعاً این مصوبه‌ی کنونی بار مالی دارد. همین‌طور که [آقای سلیمی] اشاره کردند، اگر دستگاه‌ها بخواهند نیروی جدید استخدام کنند، آن هم تابع مقررات است؛ یعنی بستگی به این دارد که آن دستگاه مجوز استخدام دارد یا ندارد، که اگر مجوز هم داشته باشد، طبیعتاً دولت به طور مستقیم تعهد کرده است هر کسی که ردیف استخدام بگیرد حقوقش را هم پرداخت کند. اما همین‌طور که دوستان گفتند این مصوبه واقعاً یک اشکال دارد؛ یعنی مجلس

می‌گوید اگر اینها را به مجلس مأمور کنند حتماً باید بروند جای آنها کارمند بگیرند، [این‌طور نیست]. آنها در صورتی می‌توانند جای این مأمور، شخص دیگری را استخدام کنند که قانون به آنها اجازه داده باشد. آن وقت اگر اجازه نداده باشد، نمی‌توانند نیروی جدید بگیرند. پس بار مالی ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خب، برای استخدام‌های جدید هم مجوز می‌گیرند.

**آقای سلیمی -** خب، مجوز بگیرند؛ در این صورت، بار مالی ندارد. در صورت صدور مجوز استخدام، بار مالی‌اش را هم پیش‌بینی و تأمین می‌کنند. به هر کس اجازه استخدام بدهند، بار مالی‌اش را هم تأمین می‌کنند. اگر بار مالی چنین مصوبه‌ی استخدامی پیش‌بینی نشود، شما اینجا در شورای نگهبان آن را [مطابق اصل ۷۵ قانون اساسی] رد می‌کنید. بنابراین این مصوبه بار مالی بالفعل ندارد. الآن نمی‌شود گفت چون این کارکنان از نهادهای دولتی یا ادارات مأمور می‌شوند و جایشان خالی می‌شود، ادارات می‌روند نیروی جدید می‌گیرند، در نتیجه بار مالی دارد. واسطه‌های این شکلی درست کردن خیلی صحیح نیست. خب، هر کجا بار مالی خواستند درست کنند، آقایان جلوی این را می‌گیرند و می‌گویند خلاف قانون اساسی است و نمی‌توانیم این بار وارده را اجازه بدهیم. الآن این مصوبه بار مالی ندارد. اگر می‌خواهید اشکال کنید، فقط همان اشکال را بگیرید که الزام نهادهای دولتی برای اینکه نیروهایشان را به مجلس بدهند خلاف قانون اساسی است.

**آقای جنتی -** آقای دکتر اسماعیلی.

**آقای یزدی -** بله، این اشکال وارد است. آقای دکتر، عذر می‌خواهم، ببخشید.

**آقای اسماعیلی -** بفرمایید.

**آقای یزدی -** اینجا که دارد «در این صورت دستگاه موظف است شخص یا اشخاص مزبور را...»؛ این موظف است، یعنی مجبور است.

**آقای علیزاده -** بله، این اشکال دارد. این را من هم گفتم که در جایی که موجب اختلال در امور دستگاه‌های دولتی می‌شود، اشکال دارد.

**آقای اسماعیلی -** حاج آقا، به نظر من نه تنها خود این «موظف است» ایراد دارد، بلکه ایراد بار مالی‌اش هم وارد است. ببینید، هزار و چهارصد و پنجاه نفر نیرو به این طریق دارد به مجلس می‌آید. همه‌ی ما در این دستگاه‌ها بوده‌ایم دیگر، کدام دستگاه

مشاوره داشته‌اند به مرکز پژوهش‌های مجلس گفته‌اند، آنها هم نتیجه را خیلی شسته و رفته آورده و تحویل آنها داده‌اند. اتفاقاً این افرادی هم که در مرکز پژوهش‌های مجلس هستند، غالباً آدم‌های کارشناس، شریف، معتمد و درس‌خوانده‌ای هستند. با وجود اینها باز برای امور مشاوره‌ای، آوردن نیرو از دستگاه دیگر، چه لزومی می‌تواند داشته باشد؟ به اضافه‌ی اینکه این خلاف ایجاد نظام اداری صحیح؛ یعنی بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی است. بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی دولت را موظف کرده که به اصطلاح، نظام اداری صحیح و با حذف تشکیلات غیر ضرور ایجاد کند. با وجود مرکز پژوهش‌های مجلس، این مصوبه به نوعی یک تشکیلات غیر ضروری ایجاد می‌کند. به اضافه‌ی اینکه دارد در وضع قوه‌ی مجریه هم اختلال ایجاد می‌کند. ما قبلاً هم مواردی شبیه به این مصوبه داشتیم - حالا من یادم نمی‌آید در قانون بازرسی بود یا در جای دیگر که چند سال پیش برای بررسی به شورا آمد- یک چنین حکمی گنجانده بودند که دستگاه‌های دیگر موظف بشوند نیرو در اختیار آنها قرار بدهند. ما گفتیم این اشکال دارد. این اختلال در وضع قوه‌ی مجریه ایجاد می‌کند. حالا هم این مصوبه همین وضع را درست می‌کند. لذا به اعتقاد من، این ماده هم بار مالی دارد و هم خلاف بند (۱۰) اصل (۳) است و هم اختلال در وضع قوه‌ی مجریه ایجاد می‌کند.

**آقای علیزاده -** ببینید، بار مالی ندارد. بالاخره الان در قانون [ماده (۷۶) آیین‌نامه داخلی مجلس]، داشتن دفتر برای نمایندگان در نظر گرفته شده و در آنجا گفته شده که باید همه‌ی امکانات لازم برای این دفاتر به نمایندگان داده شود و بودجه‌ی آن هم در بودجه‌ی مجلس پیش‌بینی بشود. حالا به جای آن بودجه‌ای که در آنجا در نظر گرفته شده، طبق تبصره‌ی کنونی گفته‌اند نیروی مورد نیاز مجلس از دستگاه‌های دیگر مأمور بشود. واقعیتش این است که این تبصره، بار مالی ندارد. از طرف دیگر، حتماً باید بگوییم به جای اینها، نیرو استخدام می‌شود؟!

**آقای جنتی -** حالا این درست است که یک نفر باید جای شخصی که مأمور می‌شود را پر کند.

**آقای علیزاده -** نه، مأمور شدن، معنایش این نیست که آن کارمند مأمور شده، پُستش از بین برود. از نظر حقوق اداری مأمور اصلاً این‌طور نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** به هر حال جای او خالی می‌شود.

**آقای علیزاده -** نه، معنای مأمور این نیست. به فرض اینکه استخدام جدید کنند، جواب ایراد استخدام جدید را آقای سلیمی

چطور یک دستگاهی را الزام می‌کند که نیرویت را به من بده! **آقای علیزاده -** بله، این اشکال دارد.

**آقای ره‌پیک -** خب، این‌طور که نمی‌شود. این اولاً اشکال ایجاد اختلال در سیستم اداری دارد؛ چون نمایندگان مجلس می‌روند انگشت روی یک نیروی خاصی می‌گذارند و او را انتخاب می‌کنند، در حالی که دستگاه مربوطه هم نیاز به همین نیروی متخصص دارد، اما مطابق این مصوبه، باید او را به مجلس بدهد؛ ثانیاً شاید یک جور تبعیض هم باشد؛ چرا فقط مجلس بتواند این کار را بکند؟ برعکس چرا دستگاه‌های دیگر نتوانند بگویند آقا یک نیرو به من بده. دستگاه‌های دیگر برای انتقال مأموری از یک دستگاه به دستگاه دیگر، طبق قاعده‌ی اصلی اداری، هر دو باید توافق داشته باشند. مطابق قواعد اداری و حقوق اداری برای مأمور کردن یک کارمند در دستگاهی دیگر، دستگاه مبدأ انتقال و دستگاه مقصد باید با هم توافق کنند. اما در این مصوبه، مجلس استثنا شده و می‌گوید من الزام می‌کنم که تو حتماً نیرویت را به من بدهی ولو بدون توافق. خب، این خلاف اصول اداری است و اشکال دارد.

**آقای مؤمن -** در این مصوبه، این کار به صرف خواست یک نماینده منوط شده است؛ یعنی هر کارمندی را که یک نماینده خواست، باید او را مأمور به خدمت در دفتر آن نماینده کنند.

**آقای علیزاده -** بله، این اشکال دارد.

**آقای جنتی -** آقای امیری.

**آقای امیری -** بسم الله الرحمن الرحیم این ماده به اعتقاد من هم اشکال دارد. یکی از اشکالاتش این است که می‌گوید، این جمعیتی که نزدیک به هزار و چهارصد و پنجاه نفرند از دستگاه‌های دولتی مأمور بشوند و به مجلس بروند. این حکم قطعاً بار مالی دارد؛ به خاطر اینکه اولاً جای آن کارمندا خالی می‌ماند در حالی که به نوعی باید کسی جای آنها را پر کند. فرض کنیم که دستگاه‌های دولتی استخدام رسمی نکنند، ولی برای پر کردن جای کارمندان مأمور شده باید به همان نیروهای خودش هم که شده اضافه کاری بدهد تا کار آنها را جبران کنند. نمی‌شود بگوییم در سیستم اداری جای خالی هزار و چهارصد و پنجاه نفر تأثیر ندارد. این یک مطلب. مطلب دوم اینکه این مصوبه می‌گوید این افراد جهت امور مشاوره‌ای، اداری و... به دفتر نمایندگان بروند؛ خب، مجلس یک بخشی دارد به نام «مرکز پژوهش‌ها». مرکز پژوهش‌ها خودش، یک جمعیت بزرگی از نیروی انسانی دارد. هر موقع نمایندگان در مطلبی نیاز به

این اشکال دارد؛ چون هیچ کسی کمتر از پنج نفر نخواهد خواست. پس این را هم باید ایراد بگیریم و به مجلس بگوییم مرجعی که باید بگوید نمایندگان تا چند نیرو نیاز دارند را مشخص کنید. آنها باید این مرجع را معلوم کنند.

**آقای مدرسی یزدی** - خود نماینده باشد، [اشکالی ندارد].

**آقای هاشمی شاهرودی** - خود نماینده، مرجع تشخیص است دیگر.

**آقای علیزاده** - اشکال دارد.

**آقای مؤمن** - اشکال دارد.

**آقای سلیمی** - آقای علیزاده، این مصوبه گفته هر نماینده‌ای می‌تواند تا پنج نفر نیرو داشته باشد؛ بنابراین بنا نیست که همه‌ی نماینده‌ها هر پنج نفر را بخواهند. هر نماینده‌ای نیروی کمتری لازم داشت، [کمتر نیرو بگیرد].

**آقای علیزاده** - هیچ کس کمتر از پنج نفر نمی‌خواهد.

**آقای سلیمی** - این موضوع، در ظرف قانون اشکال ندارد، نحوه‌ی عملش مهم است.

**آقای اسماعیلی** - حاج آقا، با این مصوبه مجلس آمده برای خودش یک امتیازاتی مقرر کرده است. هر چه مجلس گذاشته، چند هفته بعد شوراها هم می‌آیند عین آن را برای خودشان تصویب می‌کنند. از فردا و دوره‌ی بعدی شوراها، آنها هم می‌گویند هر کدام از ما پنج تا نیروی خدماتی و مشاوره‌ای می‌خواهیم. بعد مشاور را کنار می‌گذارند و همه‌ی نیروها را خدماتی می‌گیرند. فکر کنیم، ببینیم آیا این نوع سیستم در کشور درست کردن صحیح است یا نه؟ من نکته‌ای بالاتر از بار مالی و اینها می‌گویم. واقعاً این نوع رفتار با نظام اداری کشور [صحیح نیست].

**آقای علیزاده** - خوب، به آنها ایراد بگیریم. «حداکثر پنج نفر» را ایراد بگیریم. من حرفی ندارم.

**آقای اسماعیلی** - نه، چرا تا پنج تا؟ اصلاً کلی بگوییم چرا دارند نیرو می‌گیرند؟

**آقای علیزاده** - خوب، ما که نمی‌توانیم کل مسئله را بگوییم ایراد دارد.

**آقای اسماعیلی** - آقای امیری درست می‌گویند؛ مجلس، مرکز پژوهش‌ها دارد. نمایندگان به آنجا بروند و هر چه می‌خواهند مشاوره بگیرند.

**آقای علیزاده** - نه، باید به نمایندگان مجلس بگوییم، شما که می‌گویید هر نماینده می‌تواند تا پنج تا نیرو مشاور و خدماتی و... بگیرد، همین دلیل بر این است که همه‌ی نمایندگان به پنج

فرمودند. آنچه که در این مصوبه اشکال دارد، فقط الزامی است که برای مأمورکردن کارمندان متوجه دستگاه‌های دولتی کرده است. نکته‌ی بعد، ضابطه‌مند نبودن مرجع تشخیص تعداد نفرات است. من نظرم بر این است که به جهت اینکه در این مصوبه عبارت یک تا پنج نفر آمده است، بایستی مشخص کنند که چه کسی باید تشخیص دهد که این آقای نماینده به چند نفر نیرو نیاز دارد. نماینده خودش این را باید تشخیص دهد یا مرجع دیگری باید بگوید؟

**آقای مؤمن** - این را خود نماینده می‌فهمد.

**آقای علیزاده** - نه، همین اشکال دارد. نمی‌توانیم اختیار این امر را به هر نماینده‌ای بدهیم.

**آقای اسماعیلی** - چرا دیگر، باید خودشان تعیین کنند.

**آقای علیزاده** - خوب، ما می‌گوییم این اشکال دارد. شما حداقل بگویید تشخیص تعداد نیروی مورد نیاز هر نماینده را به عهده‌ی مرجع دیگری بگذارند.

**آقای اسماعیلی** - حالا هر کسی تشخیص بدهد، [چه فرقی دارد]؟

**آقای مدرسی یزدی** - در خصوص اشکال دخالت در قوه‌ی مجریه هم رأی گیری کنید.

**آقای مؤمن** - دخالت نیست.

**آقای علیزاده** - حضرات آقایانی که می‌گویند این مصوبه [ماده (۵) طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس] بار مالی دارد و خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است، رأی بدهند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - ما رأی می‌دهیم.

**منشی جلسه** - حاج آقا، ایراد بار مالی شش رأی دارد.

**آقای علیزاده** - آقایانی که می‌فرمایند الزام به اینکه دستگاه‌های دولتی موظف باشند نیروهایشان را به مجلس مأمور کنند اشکال دارد، رأی بدهند. من هم رأی می‌دهم.

**آقای سلیمی** - اشکال قانون اساسی هم هست دیگر.

**آقای علیزاده** - بله، این خلاف نظم صحیح در اداره است. اگر این را آقایان رأی می‌دهند، بفرمایند.

**آقای سلیمی** - این رأی آورد.

**آقای مدرسی یزدی** - تداخل قوا هم هست.

**آقای علیزاده** - آن هم همان ایجاد اختلال در نظام اداری صحیح است. ماده (۵) این مصوبه، به طور کلی نظام صحیح اداری را به هم می‌زند. یک مطلب دیگر هم هست و آن اینکه واگذار کردن تشخیص میزان نیروی لازم به نماینده اشکال دارد؛ اینکه نماینده خودش بخواهد تشخیص بدهد که یک یا پنج نیرو می‌خواهد،

نیرو نیاز ندارند. پس یک مرجعی برای تشخیص این امر تعیین کنید.

**آقای مدرسی یزدی** - همان نمایندگان این را مشخص کنند.

**آقای علیزاده** - خود نماینده فردا می‌گوید من [هر پنج تا را می‌خواهم]. هیچ‌کدامشان نمی‌گویند من کمتر از پنج تا می‌خواهم.

**آقای مؤمن** - حتماً نمی‌شود.

**آقای علیزاده** - این موضوع، نظام اداری صحیح را به هم می‌زند.

**آقای مؤمن** - همان ایراد را اینجا هم بگیرید که نظام اداری صحیح را در کشور به هم می‌زند.

**آقای اسماعیلی** - وجود مرکز پژوهش‌های مجلس برای همین کارها است.

**آقای علیزاده** - ببینید، شما بیا بگویند که باید یک جایی را مشخص کنند که تعداد نیروی مورد نیاز هر نماینده را تشخیص بدهد. من واقعاً نسبت به این موضوع ایراد دارم.

**آقای هاشمی شاهرودی** - حالا اگر نماینده‌ای نخواست برای دفترش از اداره‌ای دیگر نیرو بگیرد و پنج نفر را از بیرون استخدام کرد، طبق نظر شما که ایراد ندارد! در این صورت هم می‌گفتید اشکال ندارد! خب، مشخص است که ایراد این مصوبه، بار مالی‌اش است.

**آقای علیزاده** - ایرادش بار مالی نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی** - پس ایرادش چیست؟

**آقای علیزاده** - هر نماینده، به این تعداد افراد نیاز ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - پس اگر می‌خواست از جای دیگر نیرو بگیرد، چه اشکالی دارد [که پنج نفر را بگیرد]؟

**آقای علیزاده** - اینکه هر نماینده الآن می‌خواهد بگوید من پنج تا نیرو می‌خواهم، ایراد دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - عجب حرفی است!

**آقای علیزاده** - هر نماینده که به پنج نفر نیرو نیاز ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - اشکال این مصوبه، همان بار مالی است که بر دولت تحمیل می‌کند. این ایراد، چه ایرادی است که می‌گویید؟!

**آقای علیزاده** - نه، ایراد بار مالی ندارد.

**آقای جنتی** - آقای علیزاده، این ایراد شما رأی ندارد.

**آقای علیزاده** - بله، برویم ماده‌ی بعدی. ماده‌ی بعدی را بخوانید.

**آقای اسماعیلی** - آن اشکال کلی را نگرفتید که کلاً این ماده با نظام صحیح اداری منافات دارد؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - چرا دیگر.

**منشی جلسه** - نه حاج آقا! ایراد مغایرت با نظام اداری صحیح را فقط از جهت الزام دستگاه‌های دولتی به مأمورکردن کارکنانشان گرفتیم.

**آقای هاشمی شاهرودی** - خب، می‌دانید مجلس برای رفع این ایراد چه کار می‌کند؟ این ماده را اصلاح می‌کنند و می‌گویند با موافقت آن دستگاه، این انتقال مأمور دولت انجام شود. ولی باز هم، همین می‌شود؛ همین بار مالی و همین فساد اداری به بار می‌آید.

**آقای اسماعیلی** - بله، درست است. حاج آقا، این با سیاست‌های کلی نظام مغایر نیست؟<sup>۱</sup>

**آقای یزدی** - چرا، من این مصوبه را از این جهت مغایر می‌دانم.

**آقای اسماعیلی** - حتماً مغایر است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - با سیاست کوچک کردن دولت قطعاً مغایر است.

**آقای اسماعیلی** - حاج آقا، مگر نمایندگان نمی‌خواهند از این نیروها برای مشاوره استفاده کنند؟ خب، اگر مشاوره‌ی علمی بخواهند، مرکز پژوهش‌های مجلس برای این کار هست.

**آقای علیزاده** - ماده‌ی بعدی را بخوانید.

**آقای رهپیک** - شما [مغایرت این مصوبه از جهت ایجاد] تشکیلات غیر ضرور را هم اضافه کنید.

**آقای اسماعیلی** - بله.

**آقای هاشمی شاهرودی** - اقبالاً این اشکال را اضافه کنید.

**آقای علیزاده** - ببینید، ما نمی‌توانیم به کلیت این مصوبه ایراد بگیریم. می‌توانیم بگوییم اطلاق ماده (۵) در مواردی که نماینده واقعاً به نیرو نیاز نداشته باشد، درست نیست. واقعاً هم پنج تا نیرو برای هر نماینده نیاز نیست. اطلاق اشکال دارد و موجب ایجاد تشکیلات غیر ضرور و اضافه می‌شود.

**آقای رهپیک** - اینکه هر نماینده‌ای پنج تا نیرو بگیرد، درست نیست و موجب ایجاد تشکیلات غیر ضرور می‌شود.

**آقای علیزاده** - اطلاق اشکال دارد.

**آقای کدخدایی** - حالا بر فرض اگر این مصوبه اصلاح شد و گفت هر نماینده می‌تواند دو تا نیرو بگیرد، آن وقت شما آن را تأیید می‌کنید؟

**آقای رهپیک** - نه.

۱. اشاره به سیاست‌های کلی نظام اداری، ابلاغی ۱۳۸۹/۱/۱۴ مقام معظم رهبری (مد ظله العالی).

**منشی جلسه -** «ماده ۶- تبصره زیر به ماده (۲۰۸) قانون<sup>۲</sup> الحاق می‌شود: تبصره- قبل از پایان هر جلسه علنی حداکثر پنج نفر از نمایندگان می‌توانند هر کدام به مدت دو دقیقه تذکر شفاهی دهند و در صورتی که متقاضیان بیش از پنج نفر باشند به قید قرعه تعیین می‌شوند. نمایندگان نمی‌توانند در مدت یک ماه، بیش از یک بار تذکر شفاهی دو دقیقه‌ای فوق را بدهند و حق واگذاری به نماینده دیگر را ندارند.»

**آقای علیزاده -** اصلاً در قانون اساسی موضوع «تذکر» را نداریم. **آقای مدرسی یزدی -** [تذکر همان] اظهار نظر است دیگر. نماینده‌ی مجلس در هر کشوری، [آزاد است و] می‌تواند [نسبت به مسائل داخلی و خارجی] اظهار نظر کند. **آقای هاشمی شاهرودی -** نه، تذکر غیر از اظهار نظر است.

**آقای مدرسی یزدی -** چرا؟

**آقای علیزاده -** بگذارید من عرض کنم. اظهارنظری که می‌گویند [در زمره‌ی حقوق نمایندگی است]، محدود به حدود وظایف نمایندگی است. ما قبلاً هم به بحث تذکر ایراد داشتیم و می‌گفتیم در قانون اساسی هیچ‌جا بحث تذکر نیست. آقایان اعضای شورای نگهبان در آن زمان، از این جهت که هر کس می‌تواند [به دیگری و از جمله مسئولان نظام] تذکر بدهد و این اشکال ندارد، ایراد نگرفتند. ولی در خصوص اظهار نظر نسبت به مسائل، به نماینده نمی‌شود گفت شما در مورد این قانونی که اینجا مطرح می‌شود و مثلاً اقتصادی است نظر نده؛ یا اینکه مثلاً تو نباید درباره‌ی این گزارش تحقیق و تفحص اظهار نظر کنی! اینها امور مملکت است [و بنابراین، نماینده آزاد است و حق دارد که در خصوص آنها اظهار نظر کند].

**آقای هاشمی شاهرودی -** در تذکر یک نوع اخطار وجود دارد.

**آقای مدرسی یزدی -** خب، باشد.

→

اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۱/۲۸: «۱- در ماده (۵) موضوع الحاق یک تبصره به ماده (۷۶) قانون، موظف نمودن دستگاه‌ها به مأمور نمودن اشخاص موجب اختلال در نظام اداری صحیح می‌گردد، بنابراین مغایر بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی است. همچنین اطلاق این تبصره نسبت به تعداد اشخاص در مواردی که نیاز نیست و سبب ایجاد تشکیلات اداری غیر ضرور می‌گردد، مغایر بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی شناخته شد.»

۲. ماده (۲۰۸) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۰۸- در کلیه مواردی که نماینده یا نمایندگان مطابق اصل هشتم و هشتم (۸۸) قانون اساسی، از رئیس جمهور یا وزیر درباره یکی از وظایف آنان حق سؤال دارند، می‌توانند در خصوص موضوع مورد نظر به رئیس جمهور و وزیر مسئول کتباً تذکر دهند. هیئت رئیسه خلاصه تذکر را در جلسه علنی مجلس قرائت و متن کامل تذکر را به رئیس جمهور یا وزیر مربوط ابلاغ می‌نماید.»

**آقای اسماعیلی -** آن را هم ایراد می‌گیریم.

**آقای علیزاده -** نه، باید در این مصوبه، یک مرجعی را مشخص کنند که ضرورت را تشخیص بدهد. این جوری، ایراد ماده رفع می‌شود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ایراد مربوط به ایجاد تشکیلات غیر ضرور را هم ذکر کنید.

**آقای علیزاده -** ماده (۵) به طور مطلق گفته هر نماینده می‌تواند پنج نفر نیرو بگیرد؛ این اشکال دارد؛ چون ممکن است چنین ضرورتی نباشد.

**منشی جلسه -** حاج آقا، یک ایراد، الزام به مأمور نمودن بود و یکی هم اطلاق این ماده در مواردی که به پنج نفر نیرو نیاز نیست؟

**آقای علیزاده -** بله، اطلاق این مصوبه نسبت به پنج تا نیرو برای هر نماینده اشکال دارد؛ ممکن است داشتن پنج نفر نیرو برای همه‌ی نمایندگان ضرورت نداشته باشد.

**آقای ره‌پیک -** آقای علیزاده، تبعیض آمیز بودن حکم ماده (۵) را هم جزء ایرادات ذکر کنیم.

**آقای علیزاده -** [اگر بخواهیم چنین ایرادی بگیریم] باید تبعیض، ناروا باشد.

**آقای ره‌پیک -** خب، اختصاص حکم این ماده به مجلس نسبت به دیگر دستگاه‌ها، تبعیض ناروا است دیگر.

**آقای علیزاده -** یک اشکال دیگری که مطرح است این است که حکم این ماده در خصوص دستگاه‌های مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری، آیا شامل کارکنان مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان هم می‌شود یا نه؟

**آقای اسماعیلی -** بله، حتماً می‌شود.

**آقای مدرسی یزدی -** خب، این هم ایراد دیگری است که این مصوبه دارد.

**آقای علیزاده -** [با ایرادی که در خصوص «الزام» گرفتیم]، قید الزام برداشته می‌شود. در این صورت، شورای نگهبان اگر خواست کارکنانش را به مجلس مأمور می‌کند، اگر هم نخواست نمی‌کند. در صورت الزام هم کسی نمی‌تواند شورای نگهبان را الزام کند که کارکنانش را برای کار در جای دیگر مأمور کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خلاف بودن آن الزام در مورد همه‌ی دستگاه‌ها است، نه فقط شورای نگهبان.<sup>۱</sup>

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۲۳۰/۵۰۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵ شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای

←

**آقای هاشمی شاهرودی -** خب، این غیر از اظهار نظر است؛ این یک امر شبه حقوقی است.

**منشی جلسه -** «ماده ۷- در ماده (۲۲۳) قانون،<sup>۱</sup> عبارت «هیئت رئیسه موظف است در اولین جلسه علنی استیضاح را اعلام وصول نماید و» حذف و عبارت «هیئت رئیسه موظف است بلافاصله طرح استیضاح را به کمیسیون تخصصی ذی‌ربط ارجاع نماید. کمیسیون مکلف است حداکثر ظرف یک هفته با دعوت از استیضاح‌کنندگان و وزیر مربوطه موارد استیضاح را بررسی نماید. پس از مدت مذکور در صورتی که حداقل ده نفر از امضاکنندگان استیضاح از طرح آن منصرف نشوند، در اولین جلسه علنی، طرح استیضاح اعلام وصول می‌گردد و پس از اعلام وصول، کاهش امضا تأثیری در مطرح شدن استیضاح در موعد مقرر ندارد، مگر اینکه کلیه نمایندگان امضاکننده از انجام آن صرف‌نظر نمایند. هیئت رئیسه» جایگزین و تبصره (۳) این ماده<sup>۲</sup> حذف می‌شود»

**آقای هاشمی شاهرودی -** این ماده مخالف اصل (۸۹) قانون اساسی نیست؟ اگر نمایندگان از نظرشان مبنی بر استیضاح برگردند به طوری که افراد باقی‌مانده به اندازه‌ی نصاب نباشد، این مصوبه خلاف آن اصل است. این ماده می‌گوید همه‌ی استیضاح‌کنندگان باید از نظر خود برگردند [تا بتوان استیضاح را منتفی کرد]، در صورتی که ممکن است تعدادی از نمایندگان استیضاح‌کننده از نظرشان برگشته باشند و بدین ترتیب، تعداد نمایندگان خواهان استیضاح از نصاب لازم برای استیضاح کمتر شود. این ماده، خلاف اصل ۸۹ قانون اساسی است. این ماده می‌گوید تا همه نمایندگان برنگردند، طرح استیضاح لغو نمی‌شود؛ با اینکه ممکن است آن مقدار باقی‌مانده کمتر از نصابی باشد که در قانون اساسی معین شده است.

**آقای ره‌پیک -** [این استدلال قبلاً هم در اینجا مطرح شده و] رأی نیاورده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** حالا شاید این بار رأی بیاورد.

**آقای علیزاده -** ظاهراً قبلاً هم در اینجا در این باره بحث شد. اگر درست یادم باشد ما این‌طور گفتیم که نمایندگان بعد از طرح [استیضاح در مجلس]، دیگر نمی‌توانند آن را پس بگیرند، اما پس از وصول می‌توانند پس بگیرند. این مصوبه گفته «اعلام وصول». جایی که نمایندگان نمی‌توانند استیضاح را پس بگیرند و پس گرفتن اثر ندارد، پس از طرح در مجلس است.

**آقای کدخدایی -** توجه بفرمایید. الان در این مصوبه، «اعلام وصول» را آورده‌اند [و گفته‌اند پس از اعلام وصول، کاهش امضا تأثیری در مطرح شدن استیضاح ندارد]، بعداً آن رسیدگی‌های کمیسیون را [می‌آورند].

**آقای علیزاده -** باشد. ببینید، طرح در مجلس است؛ یعنی آنکه طرح در جلسه است. به نظرم این موضوع قبلاً هم در اینجا مطرح شد. اگر آقایان یادشان باشد، در این خصوص، از ما تفسیر خواستند، ولی ما نظر ندادیم.

**آقای کدخدایی -** در رابطه با رئیس جمهور چه کار کرده بودند؟

**آقای علیزاده -** بند مربوط به استیضاح رئیس جمهور این‌طور نیست. بندی که مربوط به رئیس جمهور است با این فرق دارد.

بند مربوط به رئیس جمهور، بند (۲) اصل (۸۹) قانون اساسی است که می‌گوید: «در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد...». در بند (۲) اصل (۸۹) هم عبارت «طرح» آمده است.

ما گفتیم اگر استیضاح در مجلس «طرح» شد، [کاهش و افزایش امضای نمایندگان، خللی به استیضاح وارد نمی‌آورد]. آنکه قبلاً اصلاح کردیم همین طوری است. درباره‌ی سؤال از رئیس جمهور در آیین‌نامه داخلی مجلس این‌طور آمده بود: «پس از ارسال سؤال یا سؤالات برای رئیس جمهور، کاهش یا افزایش امضاها امکان ندارد.» که ظاهراً همین را ایراد گرفتیم و گفتیم که: «تبصره (۲) ماده (۱۹۷) مغایر اصل (۸۸) و بند (۲) اصل (۸۹) قانون اساسی شناخته شد»<sup>۳</sup> نمایندگان آن مصوبه را بردند و

۱. ماده (۲۲۳) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۲۳- در استیضاح باید موضوع به صورت صریح و با ذکر مورد یا موارد، معین شود و به صورت کتبی تنظیم و به هیئت رئیسه تسلیم گردد. هیئت رئیسه موظف است در اولین جلسه علنی، استیضاح را اعلام وصول نماید و در همان روز متن استیضاح را برای وزیر یا وزیران مورد استیضاح ارسال و همزمان چاپ و بین نمایندگان توزیع کند.»

۲. تبصره (۳) ماده (۲۲۳) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۳- پس از طرح استیضاح در جلسه علنی، فقط در صورتی استیضاح از دستور کار مجلس خارج می‌شود که تعداد متقاضیان استیضاح به کمتر از ده نفر کاهش یابد، در این صورت می‌تواند دلایل خود را توسط نماینده منتخب خود ظرف پنج دقیقه در جلسه علنی مطرح نمایند. پس از این مرحله چنانچه وزیر درباره استیضاح درخواست صحبت بنماید، با تقاضای کتبی و موافقت رئیس مجلس می‌تواند حداکثر ده دقیقه در جلسه علنی صحبت کند.»

۳. نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۶۶۰۷ مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۳ شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح مواد (۱۹۶) و (۱۹۷) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی.

است. اعلام وصول؛ یعنی [استيضاح یا هر موضوعی دیگر] در ردیف دستور کار مجلس قرار می‌گیرد که بعداً آن را در مجلس طرح کنند. [در این صورت، ممکن است] دو هفته بعد نوبت طرح آن موضوع اعلام وصول شده در مجلس بشود. ولی معنای طرح این است که الآن در نوبت بررسی آمده است و می‌خواهند درباره‌ی آن وارد بحث شوند.

**آقای کدخدایی -** حاج آقا، این را شما توضیح بفرمایید؛ اصل (۸۹) قانون اساسی در اینجا که می‌گوید: «هیئت وزیران یا وزیر مورد استيضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید»، این «طرح» یعنی چه؟ یعنی همان «اعلام وصول» دیگر.

**آقای یزدی -** همین اصل می‌گوید: «استيضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود».

**آقای سلیمی -** اگر منظور از طرح در مجلس یعنی روزی که برای بررسی استيضاح تعیین شده است، در این صورت، آن آقا [وزیر مورد استيضاح] هم به جلسه آمده و می‌خواهد جواب بدهد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، هیئت رئیسه از قبل می‌گوید که [جلسه‌ی استيضاح] در کدام روز و ساعت است.

**آقای سلیمی -** اگر مراد این است [که شما می‌فرمایید]، ظاهراً قانون [آیین‌نامه داخلی مجلس] این را نمی‌گوید. قانون اساسی هم این را نمی‌گوید.

**آقای هاشمی شاهرودی -** یک چیزی بین این دو تا است.

**آقای سلیمی -** اصل (۸۹) قانون اساسی این‌طور می‌گوید: «نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیئت وزیران یا هر یک از وزرا را استيضاح کنند. استيضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود». پس شرط استيضاح این است که ده نفر از نمایندگان آن را امضا کنند تا این طرح به مجلس بیاید. حالا آیین‌نامه هم این‌طور می‌گوید: «هیئت رئیسه موظف است بلافاصله طرح استيضاح را به کمیسیون تخصصی ذی‌ربط ارجاع نماید».

**آقای یزدی -** قبل از اعلام وصول یا بعد از اعلام وصول؟

**آقای سلیمی -** بعد از اعلام وصول.

**آقای کدخدایی -** [نمایندگان مجلس] اصلاً موضوع اعلام وصول را تغییر داده‌اند.

**آقای سلیمی -** استيضاح الآن این‌طور شده که هیئت رئیسه آن را

این‌طوری درستش کردند: «پس از ارسال سؤال یا سؤالات برای رئیس جمهور، کاهش امضاها سبب خروج سؤال یا سؤالات از دستور نمی‌گردد»<sup>۱</sup> ما در آن مصوبه، نسبت به «سؤال» از رئیس جمهور، ایراد گرفتیم؛ در خصوص «استيضاح» نظر نداده‌ایم. موضوع استيضاح وزیر را [ماده (۷) این مصوبه] دارد می‌گوید که پس از اینکه طرح شد، دیگر نمی‌شود آن را پس گرفت. به نظرم می‌رسد که یک وقتی در این باره از ما تفسیر هم خواستند، ولی ما نظر ندادیم که البته پس از طرح، حضرت آیت‌الله یزدی که در آن موقع [جلسه‌ی شورا را] اداره می‌کردند، فرمودند [در مجلس] یک «اعلام وصول» و یک «طرح» داریم [که این دو با هم تفاوت دارند]. در اعلام وصول، هیئت رئیسه می‌گوید یک موضوعی واصل شد، اما یک مورد هم طرح در مجلس است که بعد از اینکه [مثلاً] استيضاح در مجلس طرح شد، نمی‌شود آن را پس گرفت و رئیس جمهور باید بیاید جواب بدهد.

**آقای کدخدایی -** حاج آقا، این «طرح» یعنی چه؟ اصل (۸۹) قانون اساسی می‌گوید: «هیئت وزیران یا وزیر مورد استيضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود ...». حاج آقای علیزاده، این اصل قانون اساسی را ببینید. معنای این طرح چیست و [چه تفاوتی دارد] با آن اعلام وصول؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** [مقصود، همان] طرح استيضاح است. **آقای کدخدایی -** خیلی خب، پس یعنی همان اعلام وصول است دیگر.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، [مقصود] طرح در جلسه‌ی علنی است.

**آقای کدخدایی -** خیلی خب، پس یعنی زمانی که استيضاح در مجلس مطرح می‌شود؛ می‌گویند استيضاح در رابطه با آقای فلان وزیر آمده است و وزیر باید بیاید جواب بدهد. [در این صورت] آن موقع که دیگر کاری نمی‌کنند. این موضوع «اعلام وصول»، در آیین‌نامه داخلی مجلس آمده است.<sup>۲</sup>

**آقای یزدی -** نه، «اعلام وصول» و «طرح» دو بحث متفاوت

۱. تبصره (۲) ماده (۱۹۶) طرح اصلاح مواد (۱۹۶) و (۱۹۷) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، اصلاحی مصوب ۱۳۹۱/۲/۱۹.

۲. تبصره ماده (۱۹۹) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۰: «تبصره - هیئت رئیسه موظف است در اولین جلسه علنی موضوع استيضاح را اعلام وصول و حداکثر تا مدت ده روز در دستور جلسه علنی قرار دهد. در این صورت سخنگوی کمیسیون حداکثر به مدت نیم ساعت گزارش می‌دهد و سپس طبق مواد مربوط به استيضاح عمل خواهد شد.»

به کمیسیون می‌دهد.

**آقای کدخدایی -** این دیگر اعلام وصول نمی‌شود؛ چون ابتدا آن را به کمیسیون می‌فرستند.

**آقای سلیمی -** ماده (۷) این مصوبه می‌گوید: «کمیسیون مکلف است حداکثر ظرف یک هفته با دعوت از استیضاح‌کنندگان و وزیر مربوطه موارد استیضاح را بررسی نماید.» کمیسیون دارد چیزی را که ارجاع شده بررسی می‌کند؛ یعنی آیا این طرح به مجلس نیامده است؟ خب، معلوم است که آمده است. مجلس این را به عنوان یک طرحی که به مجلس آمده، به کمیسیون ارجاع داده است. پس این طرح در یک جایی وصول شده، ثبت شده، ضبط هم شده و به کمیسیون ارجاع شده است. کمیسیون هم دارد این را بررسی می‌کند. در ادامه‌ی ماده (۷) آمده است: «پس از مدت مذکور در صورتی که حداقل ده نفر از امضاکنندگان استیضاح از طرح آن منصرف نشوند، در اولین جلسه علنی، طرح استیضاح اعلام وصول می‌گردد». این طرح است که اعلام وصول می‌گردد. پس این طرح، اعلام وصول شده است. این اعلام وصول خالی نیست. صرف اعلام وصول نیست.

**آقای کدخدایی -** صرف اعلام وصول نیست.

**آقای سلیمی -** اعلام وصول طرح است؛ یعنی طرح دیگر شکل گرفته و به عنوان طرح، اعلام وصول شده است. وقتی طرح آمد و اعلام وصول شد، بعد از این دیگر نمی‌شود از آن برگشت، مگر اینکه همه‌ی استیضاح‌کنندگان برگردند؛ تا همه برگشته‌اند، نمی‌توانند طرح را برگردانند. [ماده (۷)] ظاهراً هیچ تعارضی با اصل (۸۹) قانون اساسی و آنچه در ذهن ما بود ندارد؛ چون طرح را اول دادند به کمیسیون؛ یعنی ثبتش کردند، ضبطش کردند، آن را دادند کمیسیون هم بررسی کرد، در آنجا هم هر نماینده‌ای می‌خواست امضایش را پس بگیرد، پس گرفته است، ولی با این حال باز هم حداقل ده نفر نماینده‌ای که شرط استیضاح است، وجود دارد و طرح الان آمده در مجلس هم مطرح شده است. وقتی هم که طرح شد، دیگر نمی‌شود از آن برگشت. نظر من این است. این ماده درست است و اشکالی ندارد.

**آقای کدخدایی -** الان یک مشکلی که مجلس دارد و نمایندگان هم آمدند و درباره‌ی آن صحبت کردند، این است که یک طرحی طبق مقررات اداری فعلی اعلام وصول می‌شود، ولی دچار مشکل می‌گردد. مثلاً در رابطه با وزیر ورزش اینطور شد؛ طرح [استیضاح] وزیر ورزش اعلام وصول شد، وزیر هم آمد همان جا [داخل مجلس]، ولی برخی نمایندگان با نمایندگان

استیضاح‌کننده صحبت کردند. بعد از آن یکی رفت [امضای استیضاحش] را پس گرفت، [و به همین خاطر، تعداد امضاهای استیضاح] نه تا شد. گفتند خب، این طرح از حد نصاب افتاده است، برویم. وزیر آمد از صحن مجلس بیرون برود یکی دیگر از نمایندگان رفت [طرح استیضاح را] اضافه کرد. دوباره [همین طور اضافه و کم می‌شد]. حدود سه چهار مورد، یک نماینده پس می‌گرفت، یکی دیگر می‌رفت اضافه می‌کرد. اصلاً یک وضعیت خیلی بدی بود.

**آقای علیزاده -** خب، این کار، بسیار غلط بود. وقتی پس گرفتن نظر نماینده‌ای را قبول کردند، دیگر کسی نمی‌تواند مجدداً به استیضاح‌کنندگان ملحق شود. کار اینها غلط بوده است.

**آقای کدخدایی -** شما الان توجه کنید، ببینید ماده (۸۹) قانون اساسی دارد چه می‌گوید: «ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس...»، با این مصوبه آمده‌اند اعلام وصول را در آیین‌نامه‌ی داخلی آورده‌اند. اعلام وصول یک کار اداری است.

**آقای علیزاده -** [نمایندگان باید] این عبارات را اصلاح کنند.

**آقای کدخدایی -** الان اصلاح کرده‌اند. می‌گویند اعلام وصول در واقع یعنی طرح باید به کمیسیون برود و در آنجا با حضور دو طرف بررسی بشود. اگر آنجا نتیجه این شد که این استیضاح باید ادامه پیدا کند، آن موقع تازه باید اعلام وصول بشود. پس این یعنی اعلام وصول یک مرحله عقب‌تر رفته و مرحله‌ی بعد از بررسی در کمیسیون و اینها است. اعلام وصول ساده نیست.

**آقای علیزاده -** قانون اساسی صحبتی از اعلام وصول نمی‌کند. این درست است. اگر آقایان بخواهند اصل (۸۹) قانون اساسی را عمل کنند که در مورد استیضاح هیئت وزیران می‌گوید: «نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیئت وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود». اگر همین «اعلام وصول» را «طرح» می‌دانید که باید اعلام وصول کنید.

**آقای مدرسی یزدی -** نه، طرح نیست؛ اعلام وصول است.

**آقای علیزاده -** پس اعلام وصول، طرح نیست و اگر طرح نیست بنابراین آن را به کمیسیون می‌فرستند. وقتی مجلس گفته این موضوع به کمیسیون ارجاع داده می‌شود، باید آیین‌نامه را اصلاح کند؛ باید اینجا عبارت را اصلاح کند و بگوید وقتی در کمیسیون، نمایندگان امضاکننده قانع نشدند، در مجلس «طرح» می‌شود. بگوید در این حالت «طرح» می‌شود. خب بعد از اینکه این استیضاح در مجلس «طرح» شد، حالا وزیر باید بیاید در

صحن مجلس جواب بدهد.

**آقای مدرسی یزدی -** احسنت، این درست است.

**آقای علیزاده -** این را بایستی این طور درست کنند. ما حرفی نداریم. اما الآن می‌گویند [موضوع استیضاح بعد از قانع نشدن نمایندگان استیضاح‌کننده در کمیسیون] می‌رود آنجا [= هیئت رئیسه] و «اعلام وصول» می‌شود. اعلام وصول به معنای طرح نیست. خودشان آمده‌اند یک اصطلاح دیگری را به کار برده‌اند. بهتر است بگویند رئیس مجلس استیضاح را اعلام وصول کند و به کمیسیون بدهد. اگر استیضاح در مجلس طرح شد، دیگر قابل رفتن به کمیسیون نیست؛ چون قانون اساسی می‌گوید وقتی استیضاح طرح شد، وزیر باید بیاید در مجلس جواب بدهد. کمیسیون چه کاره است که [این استیضاح پس از طرح] به کمیسیون برود!

**آقای مؤمن -** این را نگفته‌اند.

**آقای علیزاده -** بله، می‌گویند.

**آقای یزدی -** الآن در مجلس خبرگان هم عیناً همین طور است که بعد از اینکه نمایندگان طرحی را تهیه و امضا کردند، آن را به هیئت رئیسه می‌دهند. هیئت رئیسه هم آن را اعلام وصول می‌کند. بعد برای بررسی و طرح در جلسه‌ی اصلی به کمیسیون می‌رود.

**آقای علیزاده -** درست است. این کار را نکنند. ما حرفی نداریم. ما الآن می‌گوییم اگر نمایندگان مجلس می‌خواهند [کاری بکنند]، عبارت را طوری بنویسند که با قانون اساسی مغایرت نداشته باشد.

**آقای یزدی -** طبیعتاً همین طور است. در خبرگان هم عیناً همین طور است.

**آقای کدخدایی -** مگر الآن با قانون اساسی چه مغایرتی دارد؟

**آقای سلیمی -** مغایرت ندارد. ایشان [آقای علیزاده] می‌گویند ابهام دارد.

**آقای کدخدایی -** شما از کجا این مغایرت را می‌فرمایید؟

**آقای سلیمی -** این ابهام دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** [این مصوبه] می‌گوید «اعلام وصول» را «طرح» کنند. [از این جهت، شبهه‌ی مغایرت با قانون اساسی دارد].

**آقای مدرسی یزدی -** اعلام وصول که طرح نیست. اعلام وصول یعنی ... طرح یعنی اینکه بیایند در مجلس، آن موضوع را مطرح کنند.

**آقای علیزاده -** مجلس باید اصطلاح قانون اساسی را بیاورد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** «طرح»؛ دیگر اعلام وصول را رها کنید.

**آقای اسماعیلی -** قید ظرف ده روز یعنی چه؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** یعنی می‌تواند ده روز استمهال کند.

**آقای یزدی -** اگر گفتند [استیضاح] به کمیسیون داده می‌شود، معنایش اعلام وصول است؟

**آقای مدرسی یزدی -** بعد از این، نوبت طرح در مجلس است.

**آقای کدخدایی -** طرح در مجلس؟! در مجلس چطوری طرح می‌شود؟

**آقای علیزاده -** به نظر من اعلام وصول؛ یعنی یک چیزی آمده است [و به دست هیئت رئیسه مجلس رسیده است]، اما طرح این است که می‌گویند نمایندگان استیضاح وزیر را درخواست کرده‌اند، ما هم آن را [در دستور بررسی قرار] دادیم.

**آقای کدخدایی -** پس طرح، همان اعلام وصول است.

**آقای علیزاده -** نه، اعلام وصول با طرح فرق دارد.

**آقای یزدی -** اعلام وصول فرق دارد.

**آقای علیزاده -** طرح این است که می‌گوید آقایان فلانی و فلانی [از نمایندگان مجلس] آمدند و آقای وزیر را با این استنادات در این شش مورد استیضاح کردند که در مجلس هم مطرح می‌شود. طرح معنایش این است. نمایندگان بروند در موردش مطالعه کنند و وزیر هم ظرف ده روز بیاید درباره‌ی آن جواب بدهد. این را می‌گویند طرح. اما اینکه [هیئت رئیسه بگوید] من استیضاح فلان وزیر را اعلام وصول کردم که [طرح نیست].

**آقای هاشمی شاهرودی -** این طرح نیست.

**آقای علیزاده -** این طرح نیست. طرح این است که استیضاح و آنچه [مربوط به آن است] در مجلس اعلام و خوانده شود و ادله‌ی نمایندگان هم خوانده و بیان شود.

**آقای اسماعیلی -** در این مصوبه نوشته شده اعلام وصول.

**آقای کدخدایی -** حاج آقای علیزاده، استیضاح که به وزیر ابلاغ می‌شود، موارد و مستنداتش هم به او ابلاغ می‌شود.

**آقای علیزاده -** ابلاغ استیضاح به وزیر به معنای طرح در مجلس نیست.

**آقای کدخدایی -** خیلی خوب. نمایندگان الآن آمده‌اند آیین‌نامه داخلی را اصلاح کرده‌اند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** [شورای نگهبان که] قانون اساسی را تفسیر می‌کند، می‌گوید [بین این دو اصطلاح] فرق است و بنابراین، باید اینها را [به نحو صحیح] بیاورند. ...

**آقای علیزاده -** اعلام وصول؛ [یعنی اعلام اینکه عده‌ای از نمایندگان] درخواست استیضاح وزیر را کرده‌اند [و این موضوع

را به دست هیئت رئیسه داده‌اند.]

**آقای هاشمی شاهرودی -** در این اصلاحیه، چنین چیزی را نیاورده‌اند. [اگر سخن شما درست است،] چرا در این اصلاحیه باز عبارت «اعلام وصول» را آورده‌اند؟ [بنابراین،] طرح اعلام وصول، موضوعی غیر از این است [که شما می‌فرمایید].

**آقای اسماعیلی -** آقای دکتر کدخدایی، روالی که الآن داریم این است که نمایندگان امضا جمع می‌کنند و آن را به هیئت رئیسه می‌دهند. هیئت رئیسه هم فوری اعلام وصول نمی‌کند، بلکه ابتدا آن را می‌دهند ببینند آن موارد [مندرج در درخواست استیضاح] شفاف است یا نه.

**آقای کدخدایی -** نه، [مطابق این اصلاحیه‌ی مجلس] الآن دیگر نمی‌دهند [تا چنین بررسی در خصوص درخواست استیضاح انجام شود]؛ الآن [طبق این اصلاحیه‌ی مجلس، هیئت رئیسه درخواست استیضاح را] اعلام وصول می‌کند.

**آقای اسماعیلی -** نه.

**آقای کدخدایی -** چرا دیگر؟ [مجلس با این اصلاحی که در آیین‌نامه داخلی دارد انجام می‌دهد، این ترتیب فعلی را دارد] اصلاح می‌کند.

**آقای اسماعیلی -** یعنی طرح استیضاح را بعد از اعلام وصول، می‌دهند تا [از حیث شفافیت مندرجات درخواست استیضاح] بررسی کنند؟!

**آقای کدخدایی -** بله، الآن [با این اصلاحیه، نمایندگان مجلس] می‌خواهند این کار را بکنند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** «استیضاح» باید طرح بشود، نه اینکه «اعلام وصول» طرح بشود. اینجا در این مصوبه، گفته بعد اعلام وصول کند. باید این مصوبه را اصلاح کنند.

**آقای علیزاده -** بله، باید عبارتش را درست کنند.

**آقای کدخدایی -** نه، وقتی که [طرح استیضاح به مجلس] می‌آید، اول آن را اعلام وصول می‌کنند، بعد می‌رود کارهای لازم بر روی آن انجام می‌شود. حالا نمایندگان مجلس، با این مصوبه آمده‌اند این ترتیب را تغییر داده‌اند و می‌گویند وقتی که طرح استیضاحی آمد، ما ابتدا آن را اعلام وصول نمی‌کنیم، بلکه ابتدا آن را به کمیسیون می‌دهیم تا این موضوع با حضور طرفین بررسی شود. بعد که کار بررسی در کمیسیون تمام شد، اگر [نمایندگان طراح استیضاح، از طرح خود] انصراف ندادند، آن را اعلام وصول می‌کنیم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** و تا [بررسی کمیسیون] تمام نشده،

[نمایندگان طراح استیضاح] حق برگشت از استیضاحشان را هم دارند. این مطلب را هم به توضیحاتتان اضافه کنید.

**آقای ره‌پیک -** این قسمت از ماده (۷) اشکال ندارد؛ یعنی قبل از اینکه استیضاح بیاید طرح بشود، می‌خواهند یک کار مقدماتی روی آن انجام بدهند.

**آقای علیزاده -** به نظر من هم اشکال ندارد. اما [برگشت نمایندگان طراح استیضاح از نظر خود] بعد از اعلام وصول هم اشکال ندارد.

**آقای کدخدایی -** من سؤال این است که در اصل (۸۹) قانون اساسی، عبارت «طرح» یعنی چه که می‌گوید: «وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود...». این را شما تفسیر کنید.

**آقای علیزاده -** معنای طرح این است که عین نامه‌ی استیضاح را بخوانند.

**آقای ره‌پیک -** آقای دکتر کدخدایی، اگر گفتند لایحه‌ی بودجه سال ۱۳۹۲ اعلام وصول شد، این عبارت با طرح لایحه در مجلس فرق می‌کند یا نه؟

**آقای کدخدایی -** ما هم حرفمان همین است. ببینید، شما بیاید این را با توجه به اصل (۸۹) تفسیر کنید. سؤال من از شما همین است؛ اینکه اینجا گفته: «ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس» یعنی چه؟

**آقای ره‌پیک -** [مراد از این طرح] غیر از اعلام وصول است.

**آقای کدخدایی -** در طرح چه کار می‌کنند؟

**آقای ره‌پیک -** همین فرقی که اعلام وصول با طرح لایحه در مجلس دارد؛ فرقی همین است.

**آقای کدخدایی -** خوب، چه هست؟ طرح چه هست؟

**آقای ره‌پیک -** طرح همین طور که گفتند شبیه این می‌شود که یک وقت می‌گویند یک دو سه، فلان موضوع اعلام وصول شد؛ استیضاح آقای فلانی اعلام وصول شد، اما یک وقت می‌گویند طرح استیضاح آقای فلانی [در صحن علنی مجلس مطرح و در حال بررسی است].

**آقای کدخدایی -** الآن مجلس همین کار را می‌کند. اصلاً استیضاح را به دلیل اینکه باید به وزیر مربوطه منعکس کنند، باید [متش را در صحن علنی مجلس] بخوانند و مستنداتش را هم برای وزیر می‌فرستند. آن وقت، [بعد از طی همه‌ی این مراحل] تازه اسم آن می‌شود اعلام وصول استیضاح!

**آقای ره‌پیک -** نه، آن اسمش «اعلام وصول» نیست. در اعلام

وصول، مستندات را نمی‌گویند. می‌گویند؟

**آقای علیزاده -** همین‌جا [در شورای نگهبان، یک بار دیگر هم این مسئله] مطرح شد. در آنجا ما گفتیم اینکه گفته شود بعد از اعلام وصول استیضاح، نمایندگان دیگر نمی‌توانند امضای خود را پس بگیرند یا به عبارتی، پس گرفتن امضا اثری ندارد، ما گفتیم این صحیح نیست، بلکه باید بعد از طرح در مجلس [نتوانند امضایشان را پس بگیرند].

**آقای هاشمی شاهرودی -** حالا باز اعلام وصول را هم اینجا آورده‌اند. در طرح، اعلام وصول را هم آورده‌اند.

**آقای کدخدایی -** بله، ما فرمایش شما [= آقای علیزاده] را قبول داریم. ما می‌گوییم مطابق اصل (۸۹) قانون اساسی، این تحقق «اعلام وصول»، پس از «طرح» استیضاح در مجلس چیست و این دو چه فرقی با هم می‌کند؟ این را تفسیر کنید.

**آقای علیزاده -** این دو با هم فرق دارد. اعلام وصول این‌طور است که می‌گویند مثلاً لایحه‌ی خدمات کشوری از طرف دولت واصل شد؛ آن را اعلام وصول می‌کنیم. در مورد استیضاح هم همین‌طور است؛ بیایند بگویند استیضاح، اعلام وصول شد. ما اعلام وصول استیضاح را مثل اعلام وصول لایحه می‌دانیم. اما در اینجا نمایندگان بیایند این را صریحاً بگویند، حتی اگر نمایندگان مجلس بیایند بگویند پس از اعلام وصول استیضاح، آن را به کمیسیون می‌فرستیم، باز ما حرفی نداریم، به کمیسیون بفرستند. یا اگر استیضاح را اعلام وصول نکنند و [برای بررسی مقدماتی] به کمیسیون بفرستند، باز هم ما حرفی نداریم [و ایرادی به چنین مصوبه‌ای نمی‌گیریم]. اما مجلس باید بگوید امروز استیضاح جناب آقای فلان وزیر در مجلس به این طریق طرح می‌شود و به ایشان هم اعلام شود. وزیر هم طبق قانون اساسی موظف است ظرف ده روز به مجلس بیاید. فلان تاریخ را هم تعیین می‌کنند تا بیاید جواب بدهد. [اصل (۸۹) قانون اساسی] این را می‌گوید.

**آقای یزدی -** ظاهراً بحث خیلی روشن است. «طرح» گاهی در برابر «لایحه» مطرح می‌شود و گاهی هم به معنای «مطرح شدن» یک موضوع در مجلس است. طرح در برابر لایحه معنایش این است که مبدأ تهیه‌اش تعدادی از نمایندگان هستند؛ حالا این طرح، یا استیضاح است یا سؤال است یا اصلاح قانون است و یا پیشنهاد است یا اصلاً تأسیس یک قانون جدید است؛ چنین چیزی نامش «طرح» است. یعنی نمایندگان چیزی را تنظیم کرده و ده نفر هم آن را امضا کرده‌اند. این «طرح» است. بعد این طرح به مجلس داده می‌شود. رئیس مجلس گاهی طرح را اعلام

وصول می‌کند؛ یعنی قابل بررسی است [و گاهی] بعداً اعلام وصول می‌کند و می‌گوید این آمده است و در ردیف [و نوبت بررسی] قرار می‌گیرد. به این می‌گویند «اعلام وصول». در مرحله‌ی بعد، در آیین‌نامه‌ی داخلی قبلی مجلس این‌طور بوده است که [هیئت رئیسه بعد از اعلام وصول]، طرح استیضاح را به کمیسیون مربوطه می‌داده، کمیسیون هم بررسی می‌کرده و بعداً می‌آمده در مجلس «طرح» می‌شده است. طرح در مجلس در اینجا؛ یعنی آن استیضاح را برای بحث، در صحن علنی مجلس مطرح می‌کنند. اینکه آقای دکتر کدخدایی می‌فرمایند در اصل (۸۹) قانون اساسی می‌گوید «طرح برای اطلاع وزیر که باید حاضر بشود»، این همان طرح اولیه است؛ یعنی طرحی است که نمایندگان تهیه کرده‌اند. البته این طرح را باید به وزیر هم اطلاع بدهند تا خودش را آماده کند. اما قطعاً طرح در مجلس، ده روز بعدش، معنا ندارد. این درست است. اشکال آقای دکتر این است دیگر. بنابراین یک طرح در برابر لایحه است و یک طرح، طرح در مجلس است. طرح در مجلس قطعاً بعد از اعلام وصول است. بنابراین، در اینجا اصلاحی که مجلس در آیین‌نامه کرده، در حقیقت همان اعلام وصول عملی را گفته است؛ یعنی [هیئت رئیسه مجلس] طرح را می‌گیرد و می‌دهد به کمیسیون و می‌گوید آن را بررسی کنید تا بعد بیاید در مجلس، طرح [= مطرح] شود. این بحث خیلی روشن است.

**آقای مؤمن -** این چیزی است که مصوبه‌ی جدید دارد می‌گوید. این مصوبه می‌گوید در ابتدا که عده‌ای از نمایندگان [درخواست استیضاح کردند]، هیئت رئیسه موظف است بلافاصله طرح استیضاح را به کمیسیون تخصصی بدهد. این مربوط به اول کار است.

**آقای یزدی -** بله، این طرحی است که نمایندگان تهیه کرده‌اند؛ در برابر آنچه از دولت می‌آید که لایحه نام دارد.

**آقای مؤمن -** نه، برای طرح استیضاح «هیئت رئیسه موظف است بلافاصله طرح استیضاح را به کمیسیون تخصصی ذی‌ربط ارجاع نماید»، نه اینکه طرح استیضاح را اعلام وصول کند. همین که طرح به دست خودش رسید، باید آن را به کمیسیون تخصصی بدهد. کمیسیون تخصصی هم بعد از آنکه طرفین را آورد و نظرات آنها را گرفت، چنانچه همچنان ده نفر از طراحان استیضاح باقی مانده بودند، کمیسیون تخصصی [به هیئت رئیسه مجلس] می‌گوید این طرح استیضاحی که به ما دادید و ده نفر همچنان در آن مانده‌اند را به شما می‌دهیم. وقتی کار به این

نمی‌فرمایید. گفته قبلاً این کارها انجام بشود، بعد از این، استیضاح بیاید طرح بشود.

**آقای علیزاده -** به کمیسیون رفتن استیضاح و بررسی استیضاح در کمیسیون تخصصی که جزء قانون اساسی نیست [و در قانون اساسی، به چنین مرحله‌ای اشاره نشده است]، اما اگر [مطابق مصوبه‌ای از مجلس، پیش‌بینی شد که استیضاح برای بررسی مقدماتی به کمیسیون] برود، ما ایرادی به آن نداریم. ما می‌گوییم چرا [بعد از رفتن به کمیسیون] تازه دارند می‌گویند طرح استیضاح را اعلام وصول می‌کنیم؟ مصوبه‌ی مجلس بگوید [پس از بررسی موضوع در کمیسیون تخصصی و عدم تأمین نظر نمایندگان طراح استیضاح، این استیضاح در مجلس] طرح می‌شود. چرا می‌گوید «اعلام وصول»؟

**آقای مؤمن -** این اعلام وصول دیگری است. این اعلام وصولی است که می‌گوید ده نفر از نمایندگان این استیضاح را امضا کردند و هنوز هم [پس از طی مراحل بررسی موضوع در کمیسیون و...] بر نظرشان باقی هستند.

**آقای علیزاده -** پس این دیگر اعلام وصول طرح نیست.

**آقای مؤمن -** چرا، این اعلام وصولی است عین طرح ...

**آقای یزدی -** اعلام وصول برای کمیسیون رفتن یک طرح است. **آقای کدخدایی -** هر استیضاحی در اولین جلسه‌ی علنی اعلام وصول می‌شود. بعد از آن، این استیضاح مراحل بعدی را طی می‌کند.

**آقای علیزاده -** چرا می‌گوید اعلام وصول طرح؟ بگوید در مجلس طرح می‌شود. ما می‌گوییم این را روشن کنید، منظور از اعلام وصول طرح چیست؟ ما که به این مصوبه، ایراد دیگری هم گرفته‌ایم، پس این مشکل را هم درست کنیم.

**آقای مؤمن -** شما بگویید اطلاق دارد و اطلاقش اشکال دارد.

**آقای کدخدایی -** حاج آقا، ببینید. ایرادی که ما می‌خواهیم بگیریم باید ایرادی باشد که موجه باشد. من عرض این است که تعریف طرح و اعلام وصول چیست؟ شما می‌فرمایید طرح یعنی اینکه به صورت مفصل و با جزئیات بیابند آن را بیان کنند. من عرض می‌کنم اگر قرار است طرحی به صورت تفصیلی در جلسه‌ی مجلس مطرح بشود، این موضوع در این ماده اصلاح شده و گفته شده بعد از اینکه استیضاح به مجلس آمد، مجلس باید در اولین جلسه‌ی علنی بعد از اینکه کمیسیون گذاشتند و طرفین را دعوت کردند و نمایندگان خواهان استیضاح انصراف ندادند، «اعلام وصول» بشود. معنای «طرح»، همان است که شما می‌گویید.

صورت شد، تازه هیئت رئیسه‌ی مجلس آن طرح استیضاح را اعلام وصول می‌کند.

اعلام وصول دو نوع می‌شود که البته شما ممکن است به یک نوع آن ایراد بگیرید. به هر حال، یک وقت ممکن است اعلام وصول به این نحو باشد که مصوبه‌ی مجلس بگوید اگر ده نفر از نمایندگان درخواست استیضاح کردند و این طرح استیضاح، به کمیسیون رفت و پس از دعوت طرفین توسط کمیسیون و بررسی موضوع استیضاح، طراحان استیضاح از حرفشان برنگشتند و همچنان ده نفر از استیضاح‌کنندگان بر نظرشان باقی بودند، آن وقت با ارجاع این موضوع به هیئت رئیسه، حالا این طرح استیضاح، در مجلس اعلام وصول می‌شود. این اعلام وصول با اعلام وصول لوایح دولت فرق دارد. در آنجا فقط می‌گویند که فلان لایحه از ناحیه‌ی دولت آمده است. اما در اینجا اگر هیئت رئیسه طرح استیضاح را اعلام وصول کند، به این صورت است که طرح استیضاحی را مدتی پیش به کمیسیون تخصصی داده‌اند و کمیسیون تخصصی هم آن را با حضور طرفین بررسی کرده و پس از بررسی، همچنان ده نفر از نمایندگان خواهان استیضاح بر نظرشان باقی مانده‌اند. [به نظر من] اگر اعلام وصول به این صورت هم باشد، عیبی ندارد. اینجا صرف اعلام وصول [به معنای مصطلح در اعلام وصول لوایح دولت] نیست، بلکه اعلام وصولی است که طرح استیضاح یک وزیر به کمیسیون تخصصی داده شده و پس از بررسی موضوع در کمیسیون، هنوز هم ده نفر از نمایندگان بر انجام استیضاح باقی مانده‌اند.

**آقای علیزاده -** این به معنای طرح در مجلس است؟

**آقای مؤمن -** بله، این، همین طرح در مجلس است.

**آقای علیزاده -** نه، طرح در مجلس این است که بگویند این تعداد از نمایندگان با این ادله و در این مثلاً شش مورد می‌خواهند فلان وزیر را استیضاح کنند. ما هم طرح را به کمیسیون دادیم، کمیسیون هم آن را بررسی کرده؛ لذا آقای وزیر باید در فلان تاریخ حاضر بشود و جواب بدهد.

**آقای مؤمن -** نه.

**آقای کدخدایی -** مصوبه‌ی فعلی هم همین را می‌گوید؛ همین کار را دارد می‌کند.

**آقای علیزاده -** نه، این [مصوبه] این را نمی‌گوید. بحث اعلام وصول است.

**آقای کدخدایی -** حاج آقای علیزاده، شما به مراحل قبلیش توجه

**آقای مؤمن -** آنجا اعلام وصول بود، ولی اینجا اعلام وصول نیست.

**آقای جنتی -** آقا، این بحث دیگر تمام شد.

**آقای علیزاده -** بله، تمام شد.<sup>۱</sup>

**آقای اسماعیلی -** در ارتباط با اصل این ماده، یک نکته‌ای هم به نظر من رسیده است که خدمت شما عرض می‌کنم. طبق اصل (۸۹) قانون اساسی تنها شرط استیضاح یک وزیر این است که ده نفر [از نمایندگان مجلس] آن را امضا کنند. اگر ده نفر آن را امضا کنند، استیضاح در مجلس قابل طرح است. حالا این قابل طرح را به هر معنایی که می‌خواهید بگیرید فرقی نمی‌کند. منتها در این مصوبه‌ی کنونی آمده طرح استیضاح را منوط کرده به اینکه ابتدا در کمیسیون بررسی شود و بعد از آن در مجلس مطرح بشود؛ یعنی برای استیضاح یک وزیر، یک شرط اضافه کرده است. نتیجه اینکه اگر ده نفر از نمایندگان طرح استیضاح وزیری را امضا کنند، این امضاها برای طرح استیضاح در مجلس کفایت نمی‌کند، بلکه اگر ده نفر هم آن را امضا کنند باید اول در کمیسیون مطرح بشود و بعداً اگر استیضاح‌کنندگان قانع نشدند دوباره به مجلس بیاید. این یک شرط اضافی است، در حالی که اصل (۸۹) چنین شرطی ندارد. این کار، کار خوبی است ولی به نظرم الزامش به نمایندگان درست نیست [و با قانون اساسی مغایرت دارد].

**آقای هاشمی شاهرودی -** این کار برای نظم‌دهی به همان ده نفری است که خواهان استیضاح وزیر هستند؛ برای اینکه نکند اینها از نظر خود برگردند.

**آقای مدرسی یزدی -** من از شما سؤالی می‌کنم. اگر در این اصلاحیه گفته بودند، اگر ده نفر از نمایندگان طرح استیضاح را امضا کردند، سه روز بعد از آن، این استیضاح در مجلس طرح می‌شود؛ آیا این خلاف قانون اساسی بود؟

**آقای علیزاده -** [در قانون اساسی که] نمی‌گوید طرح استیضاح فوراً طرح بشود، [بنابراین،] اگر در قانون عادی چنین موعدی مشخص شود، مغایرتی با قانون اساسی ندارد].

**آقای مدرسی یزدی -** در قانون اساسی که قید «فوری» نیامده

**آقای هاشمی شاهرودی -** اگر کلمه‌ی «اعلام وصول» را حذف کنید، درست می‌شود. این مصوبه نمی‌گوید [پس از طی این مراحل، استیضاح را در صحن علنی مجلس] باید طرح کرد، می‌گوید ...

**آقای علیزاده -** عبارت این مصوبه می‌گوید: «طرحی که نمایندگان دادند، اعلام وصول می‌شود»، در صورتی که باید بگوید «طرح می‌شود». همین است. ما این را می‌گوییم. حضرات آقایانی که می‌گویند این عبارت ماده (۷) باید روشن بشود تا ما بتوانیم درباره‌ی آن اظهار نظر کنیم، رأی بدهند.

**آقای ره‌پیک -** آقای دکتر کدخدایی، خودتان همین مصوبه، همین اصلاحیه را نگاه کنید. آقای علیزاده، همین مصوبه گفته است که «... طرح استیضاح اعلام وصول می‌گردد و پس از اعلام وصول، کاهش امضاء تأثیری در مطرح شدن استیضاح در موعد مقرر ندارد ...».

**آقای هاشمی شاهرودی -** نگفته پس از طرح.

**آقای کدخدایی -** آن اعلام دستوری است که شما خودتان دارید تفکیک می‌کنید.

**آقای ره‌پیک -** خودش تفویض کرده است.

**آقای علیزاده -** خیلی خوب، این ماده اشکال دارد، رأی هم آورده. از آن بگذریم.

**آقای مؤمن -** اگر به همین صورت اصلاح بشود چه؟ عبارتش را چطور می‌نویسید؟

**آقای علیزاده -** ما به نمایندگان مجلس می‌گوییم منظورتان از همین عبارات [اعلام وصول، طرح و...] را بیان کنید. من خودم به کمیسیون مربوطه می‌روم. اینجای کار مربوط به من است. من درستش می‌کنم. می‌گوییم معلوم نیست طرح اعلام وصول چیست؟ [به نمایندگان می‌گوییم این ابهام را] روشن کنید. می‌روم آنجا می‌گویم [به جای] اعلام وصول، باید بگویید قضیه را در مجلس طرح می‌نمایند.

**آقای سلیمی -** اعلام وصول غیر از طرح است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** حالا آقای علیزاده خودشان درستش می‌کنند.

**آقای مؤمن -** نه، چه عیبی دارد؟ می‌گویند درست شد. دوباره لازم است به کمیسیون برود؟

**آقای علیزاده -** نه، اصلاً تا الآن طرح استیضاح به کمیسیون نمی‌رفت. الآن می‌خواهند یک کار مقدماتی [روی طرح استیضاح] انجام بدهند.

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵ شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۱/۲۸: ۲- در ماده (۷) موضوع اصلاح ماده (۲۲۳) قانون، منظور از عبارت «طرح استیضاح اعلام وصول می‌گردد» با توجه به مفاد ماده روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

منشی جلسه - «ماده ۸ - عبارت زیر به انتهای ماده (۲۳۷) قانون الحاق می‌شود: «و با کسب نظر کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی چاپ و توزیع نماید.»

**آقای هاشمی شاهرودی -** مفاد ماده (۲۳۷) چیست؟

**آقای علیزاده -** ماده (۲۳۷) آیین‌نامه داخلی مجلس می‌گوید: «هیئت رئیسه مجلس موظف است پس از تصویب قوانین مربوط به اصلاح آیین‌نامه داخلی، اقدام لازم را جهت اعمال مصوبات در متن آیین‌نامه، تعیین شماره مواد و تبصره‌های الحاقی و اصلاح شماره آنها به عمل آورد.» ماده (۸) گفته با کسب نظر کمیسیون تدوین آیین‌نامه این کارها انجام بشود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** [این باعث می‌شود که] آنها باز بیایند، [در متن مصوبات] تغییر ایجاد کنند. این همان «کمیسیون تنقیح»<sup>۱</sup> است.

**آقای علیزاده -** نه، کمیسیون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خیلی خوب، اگر بخواهند قوانین را مجدداً [پس از تصویب در مجلس و تأیید شورای نگهبان] بیاورند در کمیسیون آیین‌نامه داخلی و در آنجا راجع به آنها نظر بدهند، شاید در آنها دخل و تصرف کنند.

**آقای علیزاده -** ماده (۲۳۷) آیین‌نامه داخلی مجلس می‌گوید هیئت رئیسه مجلس باید این کارهای مقرر در این ماده را بکند و [مثلاً مواد اصلاح شده از آیین‌نامه] را در جای خودش بگنجاند. این مصوبه‌ی اصلاحی می‌گوید وقتی هیئت رئیسه می‌خواهد این کارها را بکند نظر کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی را هم بگیرد. ماده (۸) نمی‌گوید که [الزام به نظر کمیسیون برای هیئت رئیسه] الزامی است. این اشکال ندارد. این مربوط به خود آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس است و همه‌ی قوانین مربوط به خود را نگفته است. این ماده، فقط مربوط به آیین‌نامه داخلی خود مجلس است. ماده (۲۳۷) می‌گوید: «هیئت رئیسه مجلس موظف است پس از تصویب قوانین مربوط به اصلاح آیین‌نامه داخلی...»؛ یعنی مربوط به خودشان است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خوب، باز هم همین‌طور است. خوب، آیین‌نامه داخلی مجلس هم قانون است دیگر. من می‌گویم اگر شورای نگهبان یک مصوبه‌ای را تأیید کرد، ممکن است آن مصوبه را به این کمیسیون بدهد و آنها باز آن را عوض کنند.

است، [بنابراین، اگر در قانون عادی چنین موعدی مشخص شود، مغایرتی با قانون اساسی ندارد]. در این مصوبه کنونی هم که نگفته‌اند [طرح استیضاح را اساساً مطرح] نکن، فقط گفته‌اند برای این کار یک پروسه‌ای بگذار.

**آقای علیزاده -** [قانون اساسی که] نمی‌گوید استیضاح بدون هیچ راه اداری طرح بشود. البته ما این را قبلاً هم گفته‌ایم که اگر [با این مصوبه، بخواهند] وزیر را الزام کنند که حتماً باید به کمیسیون بروی، [چنین الزامی مغایر با قانون اساسی است]؛ وزیر می‌تواند بگوید من برای پاسخگویی به کمیسیون نمی‌روم. اگر از این عبارت این را بفهمیم که وزیر ملزم است به کمیسیون برود، ما قبلاً به چنین الزامی ایراد گرفته‌ایم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، آن بحث دیگری است. اشکال ایشان این نیست. اشکال ایشان به این طرف است. ایشان می‌گوید چرا با وجود اینکه [طبق اصل (۸۹) قانون اساسی، برای طرح استیضاح، امضای] ده نفر از نمایندگان، کافی دانسته شده است، وزیر باید به کمیسیون برود؟ اشکالشان این است.

**آقای علیزاده -** این مصوبه وزیر را الزام نکرده که حتماً به کمیسیون برود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، اشکال این است که چرا وزیر با وجود امضای ده نفر از نمایندگان [به جای اینکه برای پاسخگویی به صحن علنی مجلس بیاید]، باید به کمیسیون برود؟ اشکالش به این طرف است.

**آقای علیزاده -** من یک اشکال دیگر به نظرم می‌رسید [که گفتیم]؛ ولی با توجه به اینکه ماده (۷) نوشته با دعوت از وزیر؛ یعنی او را دعوت می‌کنند، حال چه وزیر دعوت را بپذیرد یا نپذیرد. پس حتماً لازم نیست وزیر به کمیسیون برود.

**آقای مؤمن -** نه، می‌پذیرند. آنها هم دعوت می‌کنند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** اشکال ایشان [دکتر اسماعیلی] به الزام وزیر نیست. ایشان می‌گوید چرا طرح استیضاح، علاوه بر نیاز به امضای ده نفر از نمایندگان، مقید به بررسی در کمیسیون شده است.

**آقای علیزاده -** کمیسیون هم وزیر را دعوت می‌کند و هم استیضاح‌کنندگان را. همه را دعوت می‌کند. من بحثم یک چیز دیگر است. خیلی خوب، چون این مصوبه [نسبت به حضور وزیر در کمیسیون] الزام ندارد، اشکال ندارد.

**آقای یزدی -** نوشتیم اشکالی ندارد.

**آقای علیزاده -** این مصوبه، برای ایجاد نظم اداری است.

۱. به نظر می‌رسد منظور تشکیلاتی است که بر اساس قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ در «معاونت قوانین» مجلس برای انجام وظایف مقرر در این قانون تشکیل شده است.

نمی‌توانند عوض کنند.

**آقای علیزاده -** به ماده (۸) مصوبه‌ی کنونی ایراد دارید یا به ماده‌ی قبلی [ماده (۲۳۷) آیین‌نامه داخلی مجلس]؟  
**آقای هاشمی شاهرودی -** مثلاً اگر یک ماده را به دو ماده تبدیل کنند چطور؟ آیا کمیسیون حق دارد یک ماده را دو ماده کند؟!  
**آقای اسماعیلی -** بله، [مثال خوبی است و مسلّم است که حق ندارند].

**آقای علیزاده -** ببینید، شما به ماده (۲۳۷) آیین‌نامه داخلی مجلس - که مصوبه‌ی قبلی است - ایراد دارید یا به اضافه شدن این افراد در مصوبه‌ی اصلاحی کنونی؟ ماده‌ی فعلی این است: «هیئت رئیسه مجلس موظف است پس از تصویب قوانین مربوط به اصلاح آیین‌نامه داخلی، اقدام لازم را جهت اعمال مصوبات در متن آیین‌نامه، تعیین شماره مواد و تبصره‌های الحاقی و اصلاح شماره آنها به عمل آورد.» الآن قانون این است. حالا با این مصوبه‌ی اصلاحی، آمده گفته هیئت رئیسه این کارها را با کسب نظر کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس انجام دهد. شما الآن به قید «با کسب نظر» که ایراد ندارید. اگر متن ماده (۲۳۷)، تازه آمده بود، شما می‌توانستید یک ایرادی به آن بگیرید. اما این ماده الآن، «مصوبه» نیست که شما بتوانید به آن ایراد بگیرید [بلکه با تأیید شورای نگهبان، تبدیل به «قانون» شده است]. من این را می‌گویم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بالاخره به آن هم ایراد می‌گیریم. اگر هیئت رئیسه مجلس هم بخواهد آن را تغییر بدهد، اشکال می‌گیریم.

**آقای علیزاده -** حالا این حرف را آن زمان که مصوبه‌اش به شورای نگهبان آمده بود، باید می‌گفتیم.

**آقای اسماعیلی -** آن موقع که اصلش آمد من اشکال داشتم و گفتم که بعد از نظر شورای نگهبان، حتی اختیار تعیین و تغییر جای مواد هم نباید به احدی واگذار شود.

**آقای علیزاده -** ما آن را در مصوبه‌ی مربوط به تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور [مصوب ۱۳۸۹] ایراد گرفتیم.

**آقای اسماعیلی -** بله، تنقیح قوانین و مقررات کشور.

**آقای هاشمی شاهرودی -** همان اشکال اینجا هم هست دیگر.

**آقای اسماعیلی -** بله، متنها اعضای شورا [در بررسی مصوبه‌ی مربوط به تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور] به آن رأی ندادند.

**آقای علیزاده -** چرا، رأی دادیم.

**آقای اسماعیلی -** واقعاً [تغییر جای مواد] مؤثر است.

**آقای علیزاده -** نه، می‌گوید قبلاً پذیرفته شده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چرا دیگر، مثل همین کاری که در قانون مجازات [اسلامی مصوب ۱۳۹۲] کردند.

**آقای علیزاده -** آن را که قبول داریم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** عجب حرفی است! آیین‌نامه داخلی مجلس هم مصوبه‌ی مجلس است. حالا این مصوبه، آمده شورای نگهبان، شورای نگهبان هم گفته مثلاً این قسمت آیین‌نامه خلاف قانون اساسی است. بعد از آن، این آیین‌نامه برگشته به مجلس و نمایندگان هم آن را طبق نظر شورای نگهبان اصلاح کرده‌اند. حالا با این مصوبه، دوباره باید آن را ببرند کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس و نظر کمیسیون را بگیرند که ممکن است در اینجا، مفاد این مصوبه تغییر کند. حالا این تغییر به هر عنوان که باشد؛ به عنوان ویراستاری مواد یا به هر عنوان دیگر، فرقی نمی‌کند.

**آقای علیزاده -** نه، این ماده، مسائلی از قبیل ویراستاری و اینها را نمی‌خواهد بگوید.

**منشی جلسه -** حاج آقا، در این مصوبه گفته شده، «تعیین شماره مواد».

**آقای علیزاده -** مثلاً الآن طبق این مصوبه، تبصره‌ی ذیل ماده (۲۳۷) را می‌برند در ذیل ماده (۲۳۳) می‌گذارند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، حکم این ماده، تغییر مفاد قانون را هم شامل می‌شود. وقتی شورای نگهبان در خصوص مصوبه‌ی مجلس راجع به آیین‌نامه داخلی مجلس نظر داد، مجلس دیگر حق ندارد بعد از نظر شورای نگهبان از هیچ کمیسیونی نسبت به هیچ لفظی از الفاظ قانون نظر بخواهد؛ چون ممکن است به واسطه‌ی این نظر، آن را عوض کنند.

**آقای سلیمی -** این درست است.

**آقای علیزاده -** حاج آقا، هیئت رئیسه مجلس که راجع به لفظ مواد از کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس نظر نمی‌خواهد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چرا دیگر؛ پس برای چه نظر می‌خواهد؟

**آقای مدرسی یزدی -** می‌گوید شماره‌های مواد را بگذارید.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، فقط شماره نیست. اگر فقط شماره بود که مصوبه نمی‌خواست.

**منشی جلسه -** اجازه بدهید یک بار متن ماده خوانده بشود.

**آقای مؤمن -** حاج آقا، شماره ماده هم با اینکه تأثیر ندارد [ولی آن را هم نمی‌توانند تغییر بدهند].

**آقای اسماعیلی -** نمایندگان مجلس حتی شماره‌ی مواد را هم

**آقای علیزاده -** ما آنجا رأی دادیم، اما الآن و در اینجا یک قانون مصوبی داریم که فقط می‌خواهد یک عبارت به این قانون اضافه بشود. ما الآن نمی‌توانیم به این ایراد بگیریم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چرا؟ حالا که در دستور آمده، ایراد بگیریم. چرا نمی‌توانیم ایراد بگیریم؟ حالا که آمده همه‌اش را اشکال بگیریم.

**منشی جلسه -** حاج آقا، این مصوبه‌ی اصلاحی، فقط راجع به کسب نظر کمیسیون تدوین آیین‌نامه است.

**آقای علیزاده -** ما الآن آن متن ماده (۲۳۷) را بررسی نمی‌کنیم؛ الآن این عبارت الحاقی به ماده (۲۳۷) را بررسی می‌کنیم. اگر آن متن در دستور بررسی شورای نگهبان بود، قابل بحث بود. خیلی خوب، از این بگذریم.<sup>۱</sup>

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۲۶/۳۹۱۶ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱، طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب جلسه مورخ بیست و هشتم فروردین‌ماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۲/۴ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- در ماده (۵) موضوع الحاق یک تبصره به ماده (۷۶) قانون، موظف نمودن دستگاه‌ها به مأمور نمودن اشخاص موجب اخلال در نظام اداری صحیح می‌گردد، بنابراین مغایر بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی است. همچنین اطلاق این تبصره نسبت به تعداد اشخاص در مواردی که نیاز نیست و سبب ایجاد تشکیلات اداری غیر ضرور می‌گردد، مغایر بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی شناخته شد.

۲- در ماده (۷) موضوع اصلاح ماده (۲۲۳) قانون، منظور از عبارت «طرح استیضاح اعلام وصول می‌گردد» با توجه به مفاد ماده روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

## اصلاح اساسنامه مرکز توسعه

### تجارت الکترونیکی

**منشی جلسه -** دستور بعدی، بررسی «اصلاح اساسنامه مرکز توسعه تجارت الکترونیکی»<sup>۱</sup> است.

**آقای جنتی -** برای بررسی این مصوبه عجله‌ای نداریم. بررسی آن را بگذارید برای بعد.

**منشی جلسه -** حاج آقا، این مصوبه خیلی کوتاه است.

**آقای علیزاده -** بله، چیزی ندارد؛ همین یک جمله است. اجازه بدهید آن را هم بررسی کنیم.

**آقای امیری -** حاج آقا، این مصوبه ایرادی ندارد؟ آن را خوانده‌اید؟

**آقای علیزاده -** این مصوبه ایرادی ندارد. آن را بخوانید.

**منشی جلسه -** «هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۸ بنا به پیشنهاد مشترک وزارت صنعت، معدن و تجارت و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور و به استناد ماده (۸۰) قانون تجارت الکترونیکی - مصوب ۱۳۸۲-<sup>۲</sup> تصویب نمود:

ماده (۱۰) اساسنامه مرکز توسعه تجارت الکترونیکی موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۵۱۷۳۴/ت-۳۲۵۶۵-هـ مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۹ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۰- دارندگان حق امضای قراردادها و اسناد تعهدآور مالی عبارت از رئیس مرکز یا معاون ذی‌ربط وی می‌باشد. در مورد چک‌ها طبق قوانین و مقررات مربوط اقدام خواهد شد.  
**آقای علیزاده -** خیلی خوب، تمام شد.

**آقای مؤمن -** فقط در ماده (۱۰) اساسنامه- قبل از این اصلاح- عبارت «همچنین ذی‌حساب مرکز به صورت ثابت» هم آمده بود که الان آن را حذف کرده‌اند.

**آقای علیزاده -** بله، «ذی‌حساب» را حذف کرده‌اند.

**آقای مؤمن -** قبل از این مصوبه، ماده (۱۰) اساسنامه به این شکل بوده است: «دارندگان حق امضای چک‌ها و اسناد تعهدآور مالی عبارتند از رئیس مرکز یا معاون ذی‌ربط وی و همچنین ذی‌حساب مرکز به صورت ثابت.»

**آقای هاشمی‌شاهرودی -** نه، اسناد مالی تعهدآور با چک فرق می‌کند. ذی‌حساب در خصوص چک و امثال آن معمولاً وجود دارد.

**آقای مؤمن -** [در متن اصلاحی] چک هم آمده است.

**آقای هاشمی‌شاهرودی -** نه، [این مصوبه گفته در مورد چک] طبق قوانین و مقررات دیگر اقدام خواهد شد.

**آقای علیزاده -** در مورد چک‌ها طبق قوانین و مقررات مربوط باید اقدام شود.

**آقای هاشمی‌شاهرودی -** این مصوبه می‌گوید در خصوص چک‌ها طبق قوانین و مقررات مربوطه اقدام می‌شود که در قوانین مربوطه به بحث ذی‌حساب هم اشاره شده است.<sup>۴</sup>

**آقای علیزاده -** خیلی خوب، ما این را نمی‌توانیم ایراد بگیریم. این مصوبه اشکالی ندارد.<sup>۵</sup>

۱. اصلاح اساسنامه مرکز توسعه تجارت الکترونیکی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۸ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۹۶۲/۳۲۵۶۵ مورخ ۱۳۹۲/۱/۶ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۲/۴، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۵۲ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۲. ماده (۸۰) قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷: «ماده ۸۰- وزارت بازرگانی موظف است به منظور حمایت از فعالیت‌های تجارت الکترونیکی، با تجمع واحدهای ذی‌ربط، مرکزی را در این وزارتخانه ایجاد نماید. اساسنامه و آیین‌نامه این مرکز به پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

۳. ماده (۱۰) اساسنامه مرکز توسعه تجارت الکترونیکی: «ماده ۱۰- دارندگان حق امضای چک‌ها و اسناد تعهدآور مالی عبارتند از رئیس مرکز یا معاون ذی‌ربط وی و همچنین ذی‌حساب مرکز به صورت ثابت.»

۴. قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن.  
۵. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۵۲ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۲۵۶۵/۹۶۲ مورخ ۱۳۹۲/۱/۶، اصلاح اساسنامه مرکز توسعه تجارت الکترونیکی مصوب مورخ هشتم بهمن‌ماه یکهزار و سیصد و نود و یک به تصویب هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۲/۴ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»